



پیاده نظام در هشت سال دفاع مقدس

مؤلف:

سرتیپ ۲ پیاده ستاد علی نیکفرد

آموزش معارف جنگ

ویژه دوره‌های مقدماتی و عالی رسته پیاده

ارتش جمهوری اسلامی ایران

منتخب از کتاب

پیاده نظام و دفاع مقدس

مؤلف: سرتیپ ستاد ناصر آراسته، سرتیپ ۲ پیاده ستاد علی نیکفرد

مؤلف: سرتیپ ۲ ستاد علی نیکفرد

نوبت و سال چاپ: اول / ۱۳۹۵

شمارگان: ۲۰۰۰

قیمت: ۶۰۰۰۰ ریال

مرکز پخش: تلفن: ۲۲۴۸۸۷۵۶ نمابر: ۲۲۴۸۸۶۵۰ - صندوق پستی: ۵۵۴-۱۹۵۷۵

حق چاپ برای «هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیادشیرازی» محفوظ است.

از همه نگارندگان حوادث جنگ و همه کسانی
که توان انجام وظیفه در این مهم را دارند،
درخواست می‌کنم از ثبت و ضبط جزئیات این
دوران غفلت نکنند و این گنجینه تمام‌نشدنی را
برای آیندگان به ودیعه بگذارند.

امام خمینی (ره)

می‌خواهم بگویم که این جنگ، یک گنج است.
آیا خواهیم توانست از این گنج استفاده
کنیم؟ آن هشت سال جنگ بایستی تاریخ ما را
تغذیه بکند.

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)

همکاران

سر تیپ ۲ ستاد مسعود بختیاری مقابله منابع با متن و ویرایش تخصصی
سر تیپ ۲ ستاد نجاتعلی صادقی گویا بررسی نهایی، آماده‌سازی، نشر

الهه آموزگار حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، ویرایش ادبی
حامد خدمتی حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، طرح جلد

تقدیم به:

کلیه رزمندگان پیاده نظام که برای حفظ نظام مقدس جمهوری اسلامی و میهن خویش، در جنگ تحمیلی از هیچ گونه ایثار، حتی بذل جان، مال و خانواده خود در راه اسلام عزیز و در اجرای امر حضرت امام (ره) دریغ نکردند.

معارف جنگ

«معارف جنگ» مجموعه‌ای از یافته‌ها، ذخایر و دست آوردهای جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است که خداوند متعال به پاس فداکاری‌ها، ایثارگری‌ها و برکت خون شهدای والامقام، نصیب رزمندگان اسلام نموده و از سینه‌های جوشان آن‌ها به سینه‌های پاک و تشنه نسل جوان انقلاب اسلامی منتقل می‌گردد.

«هیئت معارف جنگ» از پاییز سال ۱۳۷۳، با تصویب حضرت امام خامنه‌ای و بنیان‌گذاری امیر سرافراز ارتش اسلام «شهید سپهبد علی صیادشیرازی» و حمایت‌های مادی و معنوی مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، این رسالت مهم را با روحیه متعالی بسیجی برعهده گرفته و مفتخر است که با الهام از کلام نورانی خداوند متعال مبنی بر «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»، با صداقت و تلاش دسته‌جمعی در این وادی مقدس گام نهاده و این رسالت افتخارآمیز را که با گرایش «پژوهشی - فرهنگی - عملیاتی و آموزشی» شکل گرفته است ادامه دهد و در این راه امید به لطف و یاری خداوند متعال دارد.

شیوه کار هیئت معارف جنگ در گردآوری تجارب جبهه‌های نبرد از سال ۷۳ تا سال ۷۸ بدین ترتیب بوده است که براساس زمان و مکان هر عملیات، جمعی از رزمندگان اسلام که در آن عملیات نقش مهمی را برعهده داشته‌اند به منطقه عملیات عزیمت نموده و با یادآوری خاطرات خود در صحنه نبرد و برداشتهای تحریری، صوتی و تصویری، مجموعه‌ای از حقایق و واقعیت‌های تلخ و شیرین را گردآوری نموده است. هیئت معارف جنگ از سال ۷۸ تا سال ۹۴، بیش از ۱۳۰ عنوان کتاب مستند درباره وقایع ۸ سال دفاع مقدس منتشر نموده است.

آموزش معارف جنگ نیز از سال ۱۳۷۴ به صورت نظری و میدانی برای هر دوره از دانشجویان سال ۳ دانشگاه افسری امام علی (ع) نیروی زمینی و از سال ۱۳۸۲ برای کلیه دانشگاه‌های افسری زمینی، هوایی، دریایی و فارابی ارتش جمهوری اسلامی ایران به اجرا در آمده و تا زمان نگارش این کتاب بیش از ۲۲ هزار نفر از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های مزبور را در دو مرحله نظری و میدانی مورد آموزش

داده است. از سال ۱۳۹۴، آموزش معارف جنگ برای دانشجویان سال ۳ دانشگاه قرارگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء (ص) نیز به اجرا درآمد.

هیئت معارف جنگ همچنین از سال ۱۳۸۸ آموزش کارکنان وظیفه در مقاطع تحصیلی فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکترا در مراکز آموزش وظیفه را پی‌ریزی نمود و این عزیزان در زمان آموزش مقدماتی و قبل از عزیمت به یگان‌های سازمانی خود به مدت ۱۶ ساعت آموزش معارف جنگ را در ساعات فوق برنامه طی نموده که تا زمان چاپ این کتاب بیش از ۲۷۰ هزار نفر از کارکنان وظیفه که فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور می‌باشند، آموزش نظری معارف جنگ را فرا گرفته‌اند. از سال ۱۳۹۰ افسران دوره عالی رسته‌ای، در هر دوره به مدت ۸ ساعت و تا سال ۹۴ تعداد ۳۰۴۳ نفر آموزش معارف جنگ را طی نموده‌اند. از بهمن سال ۱۳۹۳ تا کنون نیز تعداد ۱۲۰ هزار نفر سربازان دیپلم و زیر دیپلم نیز در هر دوره به مدت ۸ ساعت تحت آموزش معارف جنگ قرار گرفته‌اند.

هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیادشیرازی»

پیشگفتار

هیئت معارف جنگ نهادی است که توسط شهید والا مقام امیر سپهبد علی صیاد شیرازی بنیانگذاری شد. در بدو تأسیس این نهاد دو هدف عمده مد نظر آن شهید بزرگوار بود :

۱- ثبت و ضبط حوادث هشت سال دفاع مقدس

۲- انتقال تجربیات جنگ به نسل‌های آینده ارتش

در اجرای هدف اول تعدادی از پیش‌کسوتان جبهه و جنگ که سال‌ها طراحی و هدایت عملیات را به عهده داشتند با تلاش شبانه‌روزی و بازسازی حوادث در مناطق عملیاتی توانستند حوادث و آنچه را که در طول هشت سال دفاع مقدس در میدان‌های جنگ اتفاق افتاده بود به صورت کتاب، نوار و فیلم‌های ویدیویی تهیه نمایند. که اینک آرشیو هیئت معارف جنگ یکی از غنی‌ترین مدارک و اسناد مربوط به جنگ تحمیلی را در خود جمع‌آوری کرده است.

در اجرای هدف دوم، برنامه‌های آموزشی برای دانشجویان دانشگاه امام علی (ع) توسط آن شهید و سایر پیش‌کسوتان به مورد اجراء گذاشته شد. به تدریج آموزش‌های نظری و میدانی در مناطق عملیاتی به سایر دانشکده‌های افسری ارتش نیز تسری یافت. سپس اجرای آموزش معارف جنگ به مراکز آموزشی درجه‌داری و مراکز آموزشی وظیفه نیروهای سه گانه ارتش جمهوری اسلامی ایران توسعه داده شد و همچنان ادامه دارد.

هیئت معارف جنگ در ادامه آموزش‌های نظری و میدانی فوق، انتقال تجربیات جنگ را به دانشجویان دوره‌های مقدماتی و عالی رسته‌های مختلف نیروی زمینی مورد توجه قرار داد.

از آنجایی‌که دانشجویان دوره‌های مقدماتی و عالی آموزش‌های معارف جنگ را قبلاً در دانشکده افسری طی کرده‌اند، تکرار آموزش‌های قبلی برای آنان ضروری تشخیص داده نشد. لذا با توجه به اینکه دانشجویان دوره مقدماتی و عالی آموزش‌های تخصصی رسته مربوطه را فراگرفته و دانشجویان دوره عالی از تجربه

خدمتی در یگان‌ها نیز برخوردار شده‌اند، نگرش تخصصی و تحلیلی به شیوه‌های طراحی، اجرا و هدایت عملیات در جنگ تحمیلی در دروس معارف جنگ برای آنان در نظر گرفته شد. بدین منظور اقدام به تهیه کتاب آموزشی برای رسته‌های مختلف با هدف انتقال تجربیات در دستور کار قرار گرفت.

کتاب حاضر خلاصه‌ای از کتاب پیاده نظام و دفاع مقدس تألیف سرتیپ ستاد ناصر آراسته و سرتیپ ۲ علی نیکفرد می‌باشد که برای آموزش در دوره‌های مقدماتی، عالی، رسته پیاده و دافوس با هدف ارتقاء سطح دانش تخصصی و آگاهی افسران پیاده از روند اداره یگان‌ها در جنگ تحمیلی و انتقال تجربیات آن دوران به این هم‌زمان عزیز تدوین شده است.

هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی»

معرفی نویسنده

سرتیپ ۲ پیاده ستاد علی‌بخشی نیکفرد در سال ۱۳۳۹ با گذراندن دانشگاه نظامی وارد خدمت ارتش شد.

نامبرده در سال ۱۳۴۷ وارد دانشکده افسری و در سال ۱۳۵۰ فارغ‌التحصیل شد و در سال ۱۳۷۳ به افتخار بازنشستگی نائل گردید. مشاغل وی در دوران خدمت در یگان‌های پیاده عبارتند از:

فرمانده دسته پیاده در لشکر ۴ پیاده (ارومیه)، افسر عملیات گردان پیاده در لشکر ۴ پیاده (پیرانشهر)، فرمانده گروهان دانشکده افسری (تهران)، استاد تاکتیک مرکز پیاده (شیراز)، استاد تاکتیک دافوس (تهران)، افسر طرح و برنامه دانشکده افسری (تهران)، افسر عملیات تیپ دانشجویان دانشکده افسری در آغاز جنگ تحمیلی (خرمشهر)، معاون عملیاتی تیپ ۱ لشکر ۲۱ پیاده سال ۱۳۶۰ (جبهه جنوب)، فرمانده تیپ ۱ لشکر ۲۱ پیاده سال ۱۳۶۱ (جبهه جنوب)، معاون عملیاتی لشکر ۶۴ پیاده سال ۱۳۶۳ (جبهه شمال-غرب)، فرمانده لشکر ۷۷ پیاده سال ۱۳۶۵ (جبهه جنوب)، جانشین معاون آموزشی نزاجا سال ۱۳۶۷ (تهران)، معاون آموزشی نزاجا سال ۱۳۶۸ (تهران)، مدیر طرح‌های استراتژیک نزاجا سال ۱۳۷۱ (تهران)

فعالیت عملیاتی در جنگ تحمیلی

شرکت در عملیات پدافندی در خرمشهر و آبادان در آغاز جنگ تحمیلی (افسر عملیات تیپ دانشجویان دانشگاه امام علی^(ع))، شرکت در کلیه عملیات‌های آفندی و پدافندی در مناطق جنوب، غرب و شمال‌غرب، به ویژه در عملیات‌های آفندی فتح‌المبین، بیت‌المقدس، رمضان، محرم، قادر و کربلا ۶ در مسئولیت‌های معاون تیپ، فرمانده تیپ، معاون لشکر و فرمانده لشکر.

فعالیت ستادی

رکن سوم گردان و تیپ، استاد تاکتیک مرکز پیاده و دافوس (قبل از انقلاب)، افسر طرح و برنامه دانشکده افسری (بعد از انقلاب)، جانشین و معاون آموزشی نیروی زمینی و رئیس طرح‌های استراتژیکی نزا (بعد از جنگ)، پس از بازنشستگی در امور تحقیقاتی، آموزشی و تدریس در دانشگاه افسری امام علی (ع) و هیئت معارف جنگ فعالیت‌های خود را ادامه داد.

تحصیلات

علمی: دیپلم ریاضی، لیسانس علوم نظامی، کارشناس ارشد مدیریت آموزشی از دانشگاه آزاد

نظامی: دوره مقدماتی پیاده (شیراز)، دوره عالی پیاده (امریکا)، دوره فرماندهی و ستاد (انگلستان)، دوره افسر رابط هوایی، دوره تکنولوژی آموزشی (امریکا) و دوره چتربازی

امتیازات: نامبرده علاوه بر دریافت جایزه به علت احراز رتبه دوم دانشکده افسری در سال ۱۳۵۰ و تقدیرنامه و تشویقات متعدد، در جنگ تحمیلی موفق به دریافت شش ماه ارشدیت و نشان فتح شدند.

تألیفات

ترجمه آئین‌نامه موشک دراگون
تألیف مدارک آموزشی پیاده نظام
نقش ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس (جلد یکم)، انتشارات عقیدتی سیاسی ارتش، سال ۱۳۷۲.

فهرست

مقدمه

۱۷

بخش یکم: کلیات

۲۱

نقش پیاده نظام در جنگ

۲۱

نیروی اصلی یا مؤثر در رزم

۲۲

آخرین سازمان نیروی زمینی قبل از انقلاب

۲۳

ویژگی‌ها و تعریف پیاده نظام

۲۴

نقش فرمانده گردان پیاده

۲۵

کاربرد گردان پیاده

۲۶

انواع گردان پیاده نظام

۲۷

گردان‌های پیاده و پیاده مکانیزه قبل از جنگ تحمیلی

۲۸

بخش دوم: وضعیت یگان‌های پیاده نظام بعد از انقلاب اسلامی تا

۳۱

پایان جنگ

وضعیت لشکرهای پیاده و پیاده مکانیزه ارتش

۳۱

وضعیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

۳۷

کنترل و فرماندهی در ارتش و سپاه

۴۳

سازماندهی یگان‌های پیاده نظام ارتش در جنگ تحمیلی

۴۵

ارزیابی یگان‌های پیاده جدید ارتش

۴۸

بخش سوم: طرح‌ریزی عملیات مشترک ارتش و سپاه

۵۱

اهمیت طراحی عملیات

۵۱

فرآیند طراحی عملیات مشترک نیروی زمینی ارتش و سپاه

۵۲

طراحی عملیات آفندی تا عملیات رمضان (تیرماه ۱۳۶۱)

۵۳

طراحی عملیات آفندی بعد از عملیات رمضان

۵۵

طراحی عملیات پدافندی

۵۶

ارزیابی طراحی مشترک

۵۷

۵۹	تجربیات طراحی مشترک
۶۱	برش تاکتیکی در طراحی‌ها
۶۲	سازماندهی رزم در طراحی‌ها
۶۴	تناسب ماهیت یگان در برش تاکتیکی و سازماندهی رزم
۶۷	فرآیند تهیه طرح‌های عملیاتی
۶۹	چگونگی فرماندهی یگان‌های پیاده نظام در عملیات مشترک
۷۰	ارزیابی فرماندهی مشترک

۷۵ بخش چهارم: عملکرد پیاده نظام در جنگ تحمیلی

۷۵	نقش نیروهای پیاده نظام در عملیات
۷۵	مراحل جنگ تحمیلی
۷۹	تاکتیک نیروهای ایران
۸۰	مرحله یکم: متوقف کردن دشمن (دو ماه اول جنگ)
۸۴	مرحله دوم: عملیات پدافندی (سال اول)
۸۵	عملیات شاخص سال اول
۸۸	عملیات آفندی نیمه گسترده سال اول جنگ
۹۰	دلایل عدم موفقیت برخی از عملیات آفندی سال اول جنگ
۹۲	مرحله سوم: عملیات آفندی (سال دوم جنگ)
۹۳	تحلیل نقش پیاده نظام در عملیات آفندی سال دوم
۹۵	مقایسه تحلیلی عملیات‌های آفندی سال اول و دوم جنگ
۹۷	مرحله چهارم: عملیات برون مرزی (شش سال پایانی جنگ)
۹۸	عملیات پس از آزادسازی خرمشهر
۹۹	اهداف نظامی
۱۰۰	راهبرد سپاه پاسداران
۱۰۱	تحلیل نقش پیاده نظام در عملیات آفندی برون مرزی (شش سال پایانی جنگ)

۱۰۳ بخش پنجم: عوامل مؤثر در کارائی عملیات پیاده نظام

۱۰۳	مبانی نظری کاربرد اصول جنگ
۱۰۴	عوامل مؤثر (سازمانی و برون سازمانی) در کارائی پیاده نظام

۱۰۶	عملکرد تاکتیکی پیاده نظام در عملیات آزادسازی سال دوم جنگ
۱۰۸	نقش پیاده نظام در عملیات موفق
۱۰۹	جدول شماره ۸: عملیات برون مرزی در شش سال پایانی جنگ
۱۱۱	بخش ششم: تحلیل نهایی
۱۱۱	نتیجه نهایی جنگ
۱۱۲	چرا خود را پیروز جنگ می‌دانیم
۱۱۲	تحلیل از دیدگاه کلی
۱۱۳	تحلیل از دیدگاه مرحله‌ای
۱۲۵	بازتاب پیروزی‌های به دست آمده در سخنان امام (ره)
۱۲۵	روایت جنگ به زبان آمار
۱۲۷	دستاوردهای جنگ
۱۲۹	دلایل پیروزی جمهوری اسلامی ایران در جنگ
۱۳۳	نقشه‌ها
۱۴۱	منابع

فهرست نقشه‌ها

تعداد ۸ نقشه عملیات مستخرجه از کتاب نبردهای ماندگار نیروی زمینی - انتشارات سازمان ایثارگران، مرکز پژوهش‌های دفاع مقدس استفاده شده است. در این نقشه‌ها زمین منطقه عملیات، استعداد نیروی خودی و دشمن و طرح عملیات نشان داده شده است.

- | | |
|------------|---|
| (۵۹/۰۶/۳۱) | نقشه شماره ۱: استعداد عراق در آغاز تجاوز |
| (۵۹/۰۷/۲۳) | نقشه شماره ۲: عملیات آفندی پای پل کرخه |
| (۵۹/۰۹/۱۵) | نقشه شماره ۳: عملیات نصر |
| (۵۹/۰۹/۲۰) | نقشه شماره ۴: عملیات توکل |
| (۶۰/۰۷/۰۵) | نقشه شماره ۵: عملیات ثامن‌الائمه |
| (۶۰/۰۹/۰۹) | نقشه شماره ۶: عملیات طریق‌القدس |
| (۶۱/۰۱/۰۲) | نقشه شماره ۷: عملیات فتح‌المبین (کربلا ۲) |
| (۶۱/۰۲/۱۰) | نقشه شماره ۸: عملیات بیت‌المقدس (کربلا ۳) |

مقدمه

به جرئت می‌توان ادعا کرد که جنگ و جدال همزاد انسان است. با توجه به مضامین آیات قرآن کریم، اولین جنگ توسط اولین فرزندان آدم(ع) و حوا به وقوع پیوست، جنگی که موجب قتل یک برادر توسط برادری دیگر شد.^۱ کشورها برای مقابله با تهدیدات بایستی دارای تدابیر، خط مشی و تمهیدات خاصی باشند، تا بتوانند آئین (دکترین) دفاعی و امنیتی خود را تبیین و آن را با سیاست‌های کلی کشور در یک راستا قرار دهند. آئین دفاعی چگونگی بهره‌گیری از امکانات و توانایی کشورها را مشخص می‌کند و یکی از عناصر مهم و مؤثر آن «قدرت نظامی» است.

بخش اعظم حفظ استقلال و حاکمیت جوامع و کشورها همواره به قدرت نظامی متکی است. گرچه این قدرت در طول تاریخ نام‌های مختلفی داشته است، ولی همان معنی و مفهوم سازمانی را دارد که به نام «ارتش» شناخته شده است.

ارتش‌ها عموماً بر سه عامل نیروی انسانی، تجهیزات و تاکتیک استوارند و سایر عوامل زیرمجموعه اصول مذکور می‌باشند.

به طور عام، نیروهای انسانی دارای ویژگی‌ها و پیچیدگی‌هایی هستند، ولی نیروی انسانی در ارتش‌ها بایستی از چنان توانایی برخوردار باشد که جان باارزش و شیرین خود را در طبق اخلاص گذاشته و نثار آرمان‌های کشور و ملتشان کنند.

توجه به نیروی انسانی ارتش‌ها برای ایفای وظیفه و رسالتی که به آن اشاره شد از جایگاه ویژه‌ای در ابعاد روحیه، آموزش، انضباط و غیره برخوردار

۱. سوره مائده، آیه ۳۲.

است. ولیکن ایجاد انگیزه برای فداکاری و ایثار در راه هدف، سایر ابعاد را تحت الشعاع قرار می‌دهد؛ از این رو، عواملی که ایجاد انگیزه می‌کنند برای فرماندهان و رؤسای سازمان‌های ارتش حائز اهمیت است و بی‌توجهی به آن ضعف‌ها به دنبال خواهد داشت.

یگان‌های رزمی شامل پیاده نظام، پیاده مکانیزه، هوابرد، تکاور و زرهی، عامل اصلی رزم می‌باشند. در هشت سال دفاع مقدس یگان‌های پیاده نظام، نقش اصلی را بر عهد داشتند.

یگان‌های پشتیبانی رزمی (توپخانه، نیروی هوایی، هوانیروز، پدافند هوایی، مهندسی و...) و یگان‌های پشتیبانی خدمات رزمی (آمد، تعمیر و نگهداری، ترابری، بهداری) با تجهیزات پیشرفته موجب افزایش تحرک، قدرت آتش، حفاظت و تأمین سایر نیازمندی‌های آمادی یگان‌های رزمی شده‌اند و توان رزمی را به میزان زیادی افزایش داده‌اند، ولی آنها هیچ‌گاه نمی‌توانند بدون یگان رزمی (پیاده، پیاده مکانیزه و زرهی) موجب پیروزی شوند. در واقع، چنانچه یگان‌های رزمی حضور نداشته باشند، حضور سایر یگان‌ها ضرورتی پیدا نمی‌کند. لذا هنوز هم نیرویی که بایستی در میدان نبرد سینه به سینه در مقابل دشمن بایستد و با او دست و پنجه نرم کند، یگان‌های رزمی به ویژه نیروی «پیاده نظام» می‌باشد.

این کتاب حاصل تجربه شرکت در انواع عملیات در سطوح مختلف فرماندهی در طول دفاع مقدس می‌باشد. البته در زمینه جنگ تحمیلی کتاب‌های متعددی توسط نویسندگان و پیش‌کسوتان تألیف و انتشار یافته است. تمامی کتب تهیه‌شده شرح حوادث را در انواع عملیات رزمی به‌طور مشروح بیان کرده‌اند. در بعضی از کتاب‌ها نگرش تحلیلی به بعضی از عملیات‌ها شده است. کتابی که گردش فعالیت‌ها را در ستادهای عملیاتی

برای تهیه طرح، اجراء و همچنین ارزیابی کامل از عملیات رزمی موفق و ناموفق به صورت علمی و تخصصی بیان دارد، کمتر تهیه شده است.

در دفاع مقدس، علاوه بر ارتش جمهوری اسلامی (نزاجا، نهاجا، نداجا و پدافند هوایی) نیروی جدیدی به نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با استفاده از نیروهای مردمی داوطلب (بسیج) به عنوان نیرویی عمده حضوری فعال داشت. چگونگی همکاری چنین نیرویی در هیچ یک از آئین‌نامه‌های تخصصی ارتش تبیین نشده بود، ولی این نیرو در کلیه مراحل طراحی و اجرای عملیات رزمی در میدان رزم، حضوری فعال و بالارزش داشت. روند فعالیت‌های ارتش و سپاه در طراحی و اجرای عملیات تجربه جدیدی است که بایستی به آن توجه شود. لزوم تهیه مجموعه‌ای که بتواند روند فعالیت‌های ستادی و اجرائی در یگان‌های ارتش و سپاه را در جنگ به صورت تحلیلی بیان کند، ضروری می‌باشد.

گرچه عنصر پیاده نظام نقش اساسی در شکست و پیروزی دارد، ولی باید اذعان کرد هر فعالیتی نیاز به همکاری مجموعه‌های دیگری دارد که در صورت نارسایی و عدم هماهنگی کلیه عناصر، نتیجه‌ای از فعالیت حاصل نخواهد شد؛ لذا نقش هریک از رسته‌های مختلف ارتش در همکاری و پشتیبانی از عملیات پیاده نظام را نمی‌توان و نبایستی نادیده گرفت. لیکن چون این نوشتار به پیاده نظام اختصاص دارد، فعالیت‌های مذکور در آن لحاظ نشده است. امید است سایر رسته‌ها نیز به تبیین نقش رسته مربوطه در جنگ تحمیلی اقدام کنند تا این نیاز تخصصی مرتفع گردد.

به منظور درک بیشتر مفاهیم و اصطلاحات مندرج در متن کتاب، در آغاز برخی از بخش‌ها، اصطلاحات و مفاهیم مربوط به آن بخش توضیح داده شده است.

امید است با بهره‌گیری از این کتاب و نکات تجربی مندرج در آن، مبادی ذیربط تجدید نظرهای لازم را در آئین‌نامه‌ها و روش‌های آموزشی در مراکز آموزش تخصصی معمول دارند.

بدین‌وسیله ضمن تشکر از هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیادشیرازی»، به ویژه امیر دانشمند ناصر آراسته که با راهنمایی‌ها و پشتیبانی خود غنای بیشتری به این کتاب دادند، از کلیه خوانندگان نیز خواهشمند است با ارسال انتقادات و نظریات تکمیلی در هرچه غنی‌تر کردن کتاب، اینجانب را یاری فرمایند.

سرتیپ ۲ ستاد علی نیکفرد

بخش یکم

کلیات

نقش پیاده نظام در جنگ

بیش از ۳۵ قرن از تاریخ مکتوب بشر می‌گذرد و جهان در ۹۲٪ این مدت درگیر جنگ‌های قبیله‌ای، منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای بوده است.^۱ عنصر اصلی میدان‌های جنگ را همواره نیروی انسانی تشکیل داده است. در سال‌های قبل از پیدایش جنگ‌افزار گرم، نیروی اصلی در میدان رزم عبارت بود از رزمندگانی که با نیروی جسمانی خود با دشمن به نبرد پرداخته و از جنگ‌افزار سرد برای نابودی طرف مقابل استفاده می‌کردند. این نیرو فرسنگ‌ها مسافت را با پای پیاده یا سوار بر اسب برای رسیدن به میدان رزم طی کرده تا پس از رسیدن به دشمن صف‌آرایی و سپس برای چند ساعتی نبردی سخت را آغاز کند که حاصل آن پیروزی یا شکست بود. در چنین نبردی، به هر میزانی که قدرت جسمانی رزمندگان بالاتر بوده و در کاربرد جنگ‌افزارهای خود مهارت بیشتری داشتند، به همان میزان اطمینان از پیروزی آنان بیشتر می‌شد.

در قرن گذشته پیشرفت صنایع و فناوری موجب پیدایش جنگ‌افزارهای گرم (سبک و سنگین) شده است و در عصر حاضر انواع جنگ‌افزارها (متعارف، غیرمتعارف و بین قاره‌ای) در صحنه‌های نبرد به کار گرفته شده‌اند.

۱. سرتیپ ۲ ستاد شهرام رامتین، *تاریخ نظامی و هنر جنگ*، تهران، دانشگاه افسری امام علی (ع)،

امروزه علاوه بر تقویت آتش زمینی و هوایی با پیدایش امکانات ترابری زمینی، هوایی و دریایی تحرک و قدرت آتش پیاده نظام نیز افزایش یافته است.

گرچه تمامی امکانات و تجهیزات پیشرفته موجب کاهش نیازمندی نیروهای رزمی به ویژه پیاده نظام شده است، ولی همچنان اعتقاد بر آن است که:

«هنوز هم کسی که بایستی سینه به سینه در مقابل دشمن بایستد و با او دست و پنجه نرم کند، نیروی پیاده نظام است. نیروهای پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی تنها می‌توانند نیروهای رزمی را پشتیبانی کنند، ولی خود به تنهایی نمی‌توانند موجب پیروزی گردند.»

نیروی اصلی یا مؤثر در رزم

نیروی اصلی رزم در گذشته، پیاده نظام و سواره نظام بوده و امروزه نیروی زرهی به آن اضافه شده است. نیروی سواره نظام (مکانیزه) و زرهی علاوه بر وابسته بودن به افراد متخصص و همچنین وابستگی شدید به امکانات غیرانسانی (سوخت، قطعه، تعمیر و نگهداری و...) در مقابل آتش‌های سنگین زمینی و هوایی و عبور از موانع طبیعی و مصنوعی با محدودیت فراوانی مواجه‌اند. این نیروها در دفاع مقدس عملاً به تقویت‌کننده نیروهای پیاده تبدیل می‌شدند و یا بالاجبار نقش پیاده نظام را پیدا می‌کردند. نیروهای پشتیبانی رزمی (توپخانه، مهندسی، مخابرات و...) و حتی نیروهای پشتیبانی خدمات رزمی نیز در صورت نیاز بایستی مانند پیاده نظام عمل کنند.

بنابراین، نیرویی که در میدان رزم می‌بایستی با دشمن به نبرد بپردازد و او را شکست دهد همچنان نیروی پیاده نظام است. لذا می‌توان گفت: چنانچه پیاده نظام در صحنه نبرد در مقابل دشمن قرار نگیرد، وجود سایر نیروها لزومی پیدا نمی‌کند؛ هدفی فتح نمی‌شود مگر آنکه پیاده نظام بر روی آن قدم گذارد و در آن مستقر گردد و همچنین منطقه‌ای به اشغال دشمن در نمی‌آید مگر آنکه پیاده نظام خودی با شکست مواجه گردد.

بنابراین، رزمنده پیاده نظام در میدان نبرد تنها نیرویی است که بایستی او را گرامی داشت و به همین دلیل در طول تاریخ پیاده نظام «عروس میدان نبرد» لقب گرفته است. یادآوری می‌شود که امروزه با پیشرفت تکنولوژی و تغییرات وسیع و عمیق در تجهیزات و تسلیحات، جنگ‌هایی نیز بدون حضور پیاده نظام صورت می‌گیرد، ولی پیروزی نهایی زمانی حاصل می‌شود که پیاده نظام وارد صحنه جنگ گردد.

آخرین سازمان نیروی زمینی قبل از انقلاب اسلامی

در سال ۱۳۵۳، تغییراتی به شرح زیر در سازمان نیروی زمینی به عمل آمد که تا سال ۱۳۵۷ شمسی (قبل از انقلاب) ثابت ماند.

جدول (۱)

ردیف	نوع لشکر	محل استقرار
۱	گارد شاهنشاهی ^۱	تهران
۲	لشکر ۶۴ پیاده	ارومیه
۳	لشکر ۷۷ پیاده	خراسان

۱. گارد شاهنشاهی شامل: گارد جاویدان و مرکز آموزش سلطنت‌آباد و لشکر پیاده گارد.

۴	لشکر ۲۸ پیاده کوهستانی	سنندج
۵	لشکر ۱۶ زرهی	قزوین
۶	لشکر ۸۱ زرهی	کرمانشاه
۷	لشکر ۹۲ زرهی	اهواز
۸	تیپ ۸۸ زرهی	زاهدان ^۱
۹	تیپ ۸۴ پیاده	خرم آباد ^۲
۱۰	تیپ ۴۰ پیاده	سراب
۱۱	تیپ ۵۵ پیاده هوابرد	شیراز
۱۲	تیپ ۲۳ نیروهای ویژه هوابرد (نیروی مخصوص)	تهران

ویژگی‌ها و تعریف پیاده نظام

چنانچه در گذشته روحیه و انگیزه، توان فیزیکی و مهارت در کاربرد جنگ‌افزارهای سرد شاخصه اصلی پیاده نظام بود، امروزه علاوه بر روحیه و توان فیزیکی، توان فکری نیز بایستی به گونه‌ای تقویت شود که: اولاً جوابگوی میدان‌های رزم باشد و ثانیاً در بکارگیری جنگ‌افزارهای نوین و بهره‌گیری از سایر نیروهای پشتیبانی‌کننده توانایی لازم را داشته باشد.

رزمنده‌ای که به عنوان پیاده نظام در خط مقدم نبرد حضور می‌یابد، بایستی کلیه نیازهای وی تأمین و پشتیبانی شود، علاوه بر دارا بودن ایمان، علاقه و انگیزه، بایستی بتواند از قدرت جسمی و فکری و مهارت خود برای

۱. تیپ ۸۸ زرهی بعد از انقلاب و در جنگ تحمیلی تبدیل به لشکر ۸۸ زرهی شد.

۲. تیپ ۸۴ خرم‌آباد هم در جنگ تحمیلی تبدیل به لشکر ۸۴ پیاده شد.

تفوق بر دشمن بهره‌گیری نماید. به هر میزانی که این عوامل اصولی، معقول و همراه با ایمان و اعتقاد عمیق، انگیزه و روحیه جنگجویی واقعی باشد، آمادگی وی برای رزم بیشتر است.

رزمنده پیاده نظام زمانی می‌تواند با توکل بر خداوند با دشمن بجنگد که از هر حیث آماده گردد تا مانند صفی پولادین در مقابل دشمن بایستد و مصداق آیه شریفه ذیل باشد:

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُورٌ»^۱

با توجه به ویژگی‌های فوق، تعریف پیاده نظام در جمهوری اسلامی عبارت است از:

کلیه رزمندگانی که با جنگ‌افزار انفرادی و اجتماعی در رده گروه، دسته، گروهان و گردان پیاده در میدان جنگ حضور یافته و با توکل به خداوند متعال و با اعتقاد و یقین به وعده بر حق الهی (پیروزی یا شهادت) سینه به سینه با دشمن به نبرد پردازد.

این تعریف شامل کلیه رزمندگانی است که در ارتش، سپاه پاسداران، بسیج، نیروی انتظامی و نیروهای داوطلب مردمی سازماندهی شده و در جبهه‌های جنگ حضور می‌یابند.

نقش فرمانده گردان پیاده

ارتش‌های جهان در طول تاریخ ساختار و سازمان‌های متفاوتی را تجربه کرده‌اند. در سازماندهی‌ها، همواره عنصر رزم را پیاده نظام تشکیل داده است. آنچه که امروزه، به ویژه در قرن اخیر، در رده‌بندی نیروهای رزمی معمول

۱. سوره صف، آیه ۴.

گردیده عبارت است از: گروه ارتش‌ها، سپاه، لشکر، تیپ، گردان، گروهان، دسته و گروه.

از گروه ارتش‌ها تا رده تیپ در جنگ مسئولیت طراحی، هدایت، تأمین نیازها و نظارت را بر عهده دارند، ولی عملکرد تاکتیکی کلیه این رده‌ها بستگی تام به گردان رزمی و پایین‌تر دارد.

گردان پیاده، یگانی است تاکتیکی و اداری که مسئولیت اجرای عملیات طراحی شده توسط ستاد رده بالاتر را به عهده دارد. کیفیت و چگونگی اجرای عملیات در صحنه نبرد بستگی کامل به عملکرد گردان و پایین‌تر داشته، لذا گردان‌های پیاده نیاز به فرماندهانی دارد که دارای شایستگی لازم برای هدایت عناصر پیاده نظام باشند.

فرمانده گردان پیاده برای بکارگیری و رهبری در میدان نبرد، بایستی از تفکر منطقی برخوردار باشد. تفکر منطقی نیازمند داشتن علم و تخصص*، هوش، ابتکار، خلاقیت و نوآوری است تا بتواند با انگیزه و اراده‌ای قوی به گونه‌ای عمیق، همه‌جانبه و منعطف، فکر و عمل نماید.

کاربرد گردان پیاده^۱

- ۱- گردان‌های پیاده در لشکرهای پیاده و هوابرد، عناصر اصلی رزم می‌باشند و معمولاً زیر امر تیپ مانورکننده قرار می‌گیرند.
- ۲- در صورتی که گردان پیاده زیر امر لشکر زرهی و مکانیزه قرار گیرد، ضمن افزایش استعداد قدرت لشکر، در حقیقت جایگزین گردان‌های مکانیزه

* علم در خصوص مدیریت و تاکتیک و تخصص در زمینه کار با کلیه سلاح‌های سازمانی گردان و بکارگیری آنهاست.

۱. دستور رزمی لشکر ۱۰۰-۶۱، بندهای ۳-۱۱، انتشارات دافوس، ۱۳۵۰، ص ۱۶.

شده و نقش گردان پیاده مکانیزه را دارد. با واگذاری خودرو محدودیت تحرک آنان برطرف شده و سرعت جابجایی افزایش می‌یابد؛ ولی در چگونگی انجام مأموریت و نحوه جنگیدن تغییری حاصل نمی‌شود.

۳- گردان پیاده با آتش و حرکت به دشمن نزدیک شده، او را نابود و یا اسیر می‌سازد.

۴- گردان پیاده به وسیله آتش و رزم نزدیک قادر است پاتک نموده و تهاجم دشمن را دفع کند.

۵- گردان پیاده برای نگهداری زمین (پدافند) و عملیات آفندی در زمین‌های دشوار و هوای نامساعد، شکافتن مواضع پدافندی ثابت، نزدیک شدن به دشمن از طریق زمین و هوا و انهدام پدافند ضدزره دشمن مناسب است.

۶- گردان پیاده قادر به اجرای عملیات ضدچریک در صحرا، کوهستان و جنگل می‌باشد.

انواع گردان پیاده نظام

انواع گردان پیاده نظام عبارتند از: گردان پیاده، گردان پیاده مکانیزه، گردان پیاده هوابرد، گردان پیاده تکاور که اصول به کار بردن آنها در رزم مشابه می‌باشد، ولی از جهت سازمان و تجهیزات و انجام عملیات رزمی و وظایف عادی، مختصری اختلاف با یکدیگر دارند، ولی هر چهار گردان دارای این خاصیت مشترک هستند که می‌توانند در هر نوع عملیات زمینی مورد استفاده قرار گیرند.

گردان‌های پیاده و پیاده مکانیزه قبل از جنگ تحمیلی

برابر سوابق موجود، قبل از جنگ تحمیلی تعداد ۹۵ گردان پیاده در انواع مختلف در لشکرها و تیپ‌های مستقل نزاجا برابر جداول ۱ و ۲ سازماندهی شده بود. پس از جنگ تحمیلی (در مدت هشت سال) تعدادی گردان پیاده با شماره ردیف‌های ۸۰۰ و تعدادی گردان پیاده قدس با ردیف‌های ۱۹۰۰ به آن اضافه شد.

نیروی انسانی گردان‌های جدید با تعدیل و برداشت از گردان‌های سازمانی موجود و سایر منابع، تأمین می‌شد و نیازمندی‌های دفاعی نزاجا را در بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر خط پدافندی در مقابل دشمن (در مدت هشت سال) تأمین می‌کرد.

جدول (۲) تعداد گردان پیاده لشکرها و تیپ‌های پیاده قبل از جنگ تحمیلی

ردیف	یگان	تعداد گردان پیاده	شماره گردان پیاده/پیاده مکانیزه
۱	لشکر ۲۱ پیاده	۱۲	۱۰۲، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۴
۲	لشکر ۲۸ پیاده	۹	۱۰۷، ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۷، ۱۳۰، ۱۵۵، ۱۸۷
۳	لشکر ۶۴ پیاده	۹	۱۰۳، ۱۰۹، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۷، ۱۷۳، ۱۹۸
۴	لشکر ۷۷ پیاده	۱۱	۱۰۴، ۱۱۰، ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۳، ۱۶۳، ۱۷۸
۵	تیپ ۵۵ هوارد	۵	۱۰۱، ۱۲۶، ۱۳۵، ۱۴۶، ۱۵۸
۶	تیپ ۸۴ پیاده	۴	۱۱۱، ۱۳۹، ۱۵۹، ۱۸۲
۷	تیپ ۵۸ ذوالفقار	۴	۱۶۸، ۱۸۳، ۱۸۶، ۱۹۳

۱۹۲، ۱۸۱، ۱۷۲، ۱۵۴، ۱۳۷	۵	تیپ ۲۳ نیرو مخصوص	۸
۱۹۹، ۱۷۵، ۱۵۲	۳	تیپ ۴۰ سراب	۹
۱۹۰، ۱۸۹، ۱۸۸، ۱۷۰، ۱۴۷	۵	تیپ ۳۰ گرگان	۱۰
۶۷		جمع:	

جدول (۳) تعداد گردان‌های پیاده زرهی لشکرها و تیپ‌های زرهی
قبل از جنگ تحمیلی

ردیف	یگان	تعداد گردان مکانیزه	شماره گردان پیاده/پیاده مکانیزه
۱	لشکر ۱۶ زرهی	۵	۱۸۵، ۱۷۶، ۱۲۵، ۱۲۴، ۱۱۴
۲	لشکر ۱۱ زرهی	۹	۱۰۸، ۱۱۳، ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۲۸، ۱۴۳، ۱۶۴، ۱۸۴، ۱۹۵
۳	لشکر ۱۸ زرهی	۵	۱۹۷، ۱۹۶، ۱۶۱، ۱۵۷، ۱۵۶
۴	لشکر ۹۲ زرهی	۶	۱۶۵، ۱۵۱، ۱۴۵، ۱۲۱، ۱۰۵، ۱۰۰
۵	تیپ ۳۷ زرهی	۳	۱۹۹، ۱۷۵، ۱۵۲
جمع:		۲۸	

توضیح: تعدادی از گردان‌های سوارزرهی تا واگذاری نفربر زرهی به صورت پیاده
نظام سازماندهی شده بودند.

بخش دوم

وضعیت یگان‌های پیاده‌نظام از انقلاب اسلامی تا پایان جنگ تحمیلی

وضعیت لشکرهای پیاده و پیاده مکانیزه ارتش

تحولات یگان‌های پیاده نظام ارتش، از نظر استعداد و قابلیت‌ها، نیروی انسانی، آموزش، انضباط، روحیه و انگیزه بعد از انقلاب اسلامی تا پایان جنگ تحمیلی در سه مقطع متوالی به شرح زیر می‌باشد:

۱- استعداد و قابلیت

الف) سال ۵۹-۵۸ (یک سال قبل از جنگ)

نیروی زمینی ارتش در آغاز جنگ دارای ۴ لشکر پیاده (۳ تیپی) و ۴ تیپ مستقل پیاده بود و توان رزمی یگان‌ها به دلایل مختلف - که فرصت طرح آن در این نوشتار نیست - در حداقل آمادگی رزمی قرار داشت. در سازمان نیروی زمینی لشکر پیاده مکانیزه وجود نداشت، ولی در هر لشکر زرهی یک تیپ مکانیزه منظور شده بود که به علت عدم تکمیل نفربرهای زرهی، ماهیت پیاده نظام داشته و در تابعیت لشکرهای زرهی قرار داشتند.

ب) سال ۶۲-۵۹ (سه سال اول جنگ)

با تشکیل تیپ‌های چهارم در لشکرهای پیاده و تشکیل ۲ تیپ پیاده مستقل جدید استعداد یگان‌های پیاده ارتش جمعاً به ۴ لشکر پیاده

(۴ تیپی) و ۶ تیپ پیاده مستقل افزایش یافت. توان رزمی یگان‌ها با تلاش فرماندهان نسبتاً افزایش یافت و به طبقه ۳ آمادگی رزمی رسید.

ج) سال ۶۷-۶۲ (سال چهارم تا هشتم جنگ)

با تبدیل ۴ تیپ پیاده مستقل به لشکر پیاده و تشکیل ۳ تیپ تکاور و تیپ ۶۵ نوه‌د استعداد نیروی زمینی به ۸ لشکر پیاده و ۶ تیپ پیاده مستقل افزایش یافت. ضمناً در این سال‌ها حدود ۶۰ گردان قدس به تناوب توسط معاونت احتیاط نزاجا سازماندهی شد که همواره حدود ۲۰ گردان فعال در منطقه به ویژه در منطقه شمال غرب در پدافند داخلی شرکت داشتند. علاوه بر آن تعدادی گردان‌های موسوم به سری ۷۰۰ در لشکرها سازماندهی شدند. یگان‌های جدید با برداشت از موجودی لشکرها و تیپ‌های پیاده تشکیل می‌شد. لذا عملاً تعداد یگان‌ها افزایش می‌یافت، ولی در مجموع توان رزمی یگان‌های پیاده تغییر عمده‌ای نداشت.

به طور کلی تعداد ۱۶۰ گردان رزمی پیاده نظام در جنگ سازماندهی و استعداد سازمانی هر گردان پیاده ارتش حدوداً ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ نفر بود.

۲- وضعیت نیروی انسانی، آماد و پشتیبانی

الف) سال ۵۹-۵۸ (قبل از جنگ)

لشکرهای پیاده از نظر نیروی انسانی و آماد و پیش وضعیت نسبتاً آشفته‌ای داشتند. استعداد نیروی انسانی در اکثر یگان‌ها حدود ۵۰٪ بود.

ب) سال ۶۲-۵۹ (سال اول و دوم جنگ)

با آغاز جنگ تحمیلی و اعلام شرایط جنگی در کشور، تلاش فرماندهان و مسئولین کشور به بسیاری از آشفتگی‌ها خاتمه داد و لشکرهای پیاده تا حدودی از نظر نیروی انسانی و آماد و پیش به ویژه تعمیر و نگهداری و تلاش برای خودکفائی در وضعیت بهتری قرار گرفتند.

ج) سال ۶۷-۶۲ (سال سوم تا هشتم جنگ)

در این دوره وضعیت نیروی انسانی و تعمیر و نگهداری در یگان‌های پیاده مجدداً تا حدودی به علل زیر تضعیف شد:

۱) بکارگیری یگان‌های سازمانی لشکرها به طور مجزا در مناطق مختلف عملیاتی؛

۲) تشکیل تیپ‌های مستقل جدید و ارتقاء آنان به سطح لشکر؛

۳) تشکیل تیپ چهارم لشکرها با برداشت از سایر تیپ‌ها؛

۴) کسورات پرسنلی ناشی از تلفات رزمی و عدم جایگزینی به ویژه در سطح افسران و درجه‌داران؛

۵) کمبود فرماندهان متناسب در رده دسته، گروهان و گردان به علت تلفات و عدم جایگزینی آنان؛

۶) کمبود وسایل، تجهیزات و جنگ‌افزار و مهمات به ویژه مهمات ضدتانک و توپخانه با برد بلند؛

۷) ضعف تعمیر و نگهداری به علت کمبود قطعات؛

۸) کاهش اعتبارات؛

۹) خستگی نیروهای انسانی به علت حضور طولانی مدت در جبهه (سربازان ۲۰ ماه و نیروهای کادر به طور مداوم)؛

۱۰) در هشت سال دفاع مقدس قریب به ۲۱۷ هزار نفر نیروهای پایور با متوسط زمانی شصت ماه و نزدیک به دومیلیون و پانصد هزار نفر افراد وظیفه با متوسط زمانی ۲۰ ماه در جنگ حضور داشتند.

۳- آموزش

الف) سال ۵۹-۵۸

- ۱) آموزش انفرادی نیروهای پایور و وظیفه در مراکز آموزشی و یگان‌ها با رکود مواجه شده بود.
- ۲) عدم اجرای اکثر دوره‌های آموزشی طولی و عرضی در مراکز آموزش تخصصی.
- ۳) آموزش یگانی در تمامی سطوح اجرا نمی‌شد.

ب) سال ۶۲-۵۹

- ۱) آموزش انفرادی نیروهای پایور و وظیفه مجدداً احیا شد.
- ۲) دوره‌های عرضی کماکان با رکود مواجه بود. لشکرهای پیاده برای جبران آموزش با تشکیل دوره‌های تخصصی به آموزش نیروها پرداختند. همچنین لشکرها با تشکیل آموزشگاه گروهبانی تعدادی از سربازان منتخب را با آموزش کوتاه‌مدت تربیت و به عنوان کادر درجه‌داری از آنان استفاده می‌کردند.
- ۳) لشکرها با تشکیل مجتمع آموزشی در منطقه عملیات سربازان جدیدالتحويل از مراکز آموزش را قبل از تقسیم به یگان‌ها، با آموزش تکمیلی برای مشاغل مختلف و مورد نیاز آموزش داده و سپس به یگان‌های تابعه اعزام می‌کردند. آموزش‌ها در یگان‌های خط مقدم مستمراً ادامه داشت.

وضعیت یگان‌های پیاده‌نظام بعد از انقلاب اسلامی ... / ۳۵

۴) دوره‌های عالی و دافوس مجدداً بازگشائی شد.

۵) دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت برای ارتقاء دانش فرماندهان تا رده

گروهان در مناطق عملیاتی توسط بعضی از لشکرها اجرا می‌شد.

۶) علاوه بر آموزش در خطوط مقدم، در بعضی از لشکرها با تعویض

یگان‌ها به طور نوبه‌ای و استقرار آنان در منطقه عقب آموزش یگانی به صورت

تمرینات رزمی اجرا می‌شد.

ج) سال ۶۷-۶۲

۱) آموزش انفرادی نیروهای پایور و وظیفه در دانشگاه‌ها، مراکز

آموزشی انفرادی و تخصصی هم‌چنان فعال بود.

۲) دوره‌های عرضی و طولی در مراکز آموزشی تخصصی و دافوس پی-

گیری شد.

۳) دوره‌های آموزشی در مراکز لشکرها برای نیروهای پایور و وظیفه

برحسب نیاز یگانی ادامه یافت.

۴) آموزش‌های یگانی با گسترش یگان‌ها در مناطق مختلف امکان‌پذیر

نبود.

۴- انضباط، روحیه، ایمان، انگیزه

الف) سال ۵۹-۵۸

۱) وضعیت انضباط در یگان‌های پیاده تحت تأثیر بحران‌ها و

آشفته‌گی‌های بعد از انقلاب به پایین‌ترین حدّ خود تنزل کرده و برای احیای

مجدد آن و ایجاد انضباط معنوی، به جای انضباط صوری، نیاز به زمان و طی

دوران گذار بود.

- ۲) روحیه نیروهای انسانی به ویژه نیروهای پایور به علت برخوردهای غیراصولی و بداخلاقی‌ها وضعیت مناسب و ایده‌آلی نداشت.
- ۳) ایمان و میل انجام وظیفه در نیروهای ارتش در اجرای امر امام راحل در راه حفظ کشور و پشتیبانی از ملت بزرگ ایران هیچ‌گاه با کاهش مواجه نشد و نشانه آن شرکت فعال در بازسازی یگان‌ها و حضور در جبهه‌ها و تقدیم ۴۸۰۰۰ شهید بود.

ب) سال ۶۲-۵۹

- ۱) وضعیت انضباط در یگان‌های رزمی بالأخص در یگان‌های پیاده به تدریج مستحکم و دستورات برابر مقررات انضباطی اجرا می‌شد.
- ۲) روحیه نیروهای پرسنلی در تمامی سطوح افزایش یافت.
- ۳) ایمان و میل جنگجویی نیروهای ارتش با حمایت‌های حضرت امام راحل به سرعت افزایش یافت، همچنین درگیر بودن در جنگ، تلاش فرماندهان و توجه به بالا بردن توان رزمی موجب تسریع در افزایش ایمان و میل جنگجویی نیروها شد، به طوری که حضرت امام (ره) در آخرین پیام خود خطاب به نیروی زمینی فرمودند:
- «نیروی زمینی قهرمان که در حقیقت در تمامی حوادث در نوک پیکان حملات ناجوانمردانه دشمنان بوده است، به حق چهره راستین و شکست ناپذیر و استوار خویش در دفاع از مرزهای غرب و جنوب و شمال‌غرب با آن همه خصوصیات جغرافیایی و با سرما و گرمای طاقت فرسای مناطق، آن هم با کمبودها و محاصره‌ها کار آسانی نبوده است.»^۱

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۵۶.

ج) سال ۶۷-۶۲

- ۱) وضعیت انضباط در یگان‌ها با طولانی شدن جنگ و بروز مشکلات خانوادگی کارکنان و افزایش نابسامانی‌ها، در رسیدگی به وضعیت آنان از متوسط تا خوب متغیر بود.
- ۲) روحیه نیروهای انسانی با تلاش سلسله مراتب و مسئولین در سطح خوبی قرار داشت.
- ۳) ایمان و میل جنگجویی نیروهای ارتش تا پایان جنگ در حد عالی ارزیابی می‌گردد.

وضعیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

پس از انقلاب اسلامی و آغاز فعالیت‌های ضدانقلابی، سپاه پاسداران که بنا به نیاز تأمین امنیت داخلی در ۵/۲/۵۸، سالروز میلاد امام حسین(ع)، به فرمان حضرت امام(ره) تشکیل شد و در اصل ۱۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رسمیت یافته است، سازماندهی و همگام با نیروهای ارتشی در مناطق ناآرام (کردستان و آذربایجان غربی) اقدام به برقراری امنیت و پدافند داخلی کردند.

یگان‌های سپاه پاسداران از نیروهای مردمی و داوطلب تشکیل می‌شد و مسلح به جنگ‌افزار سبک بودند. تحولات سپاه پاسداران پس از آغاز فعالیت تا پایان جنگ تحمیلی به شرح زیر بوده است:

۱- استعداد، و قابلیت‌ها

الف) سال ۵۹-۵۸

اولین گردان‌های پیاده سپاه با آغاز شورش ضدانقلاب در فروردین سال ۱۳۵۹ در پادگان ولیعصر تهران به استعداد ۲ گردان تشکیل گردید و به

منطقه کردستان اعزام شد (گردان ۲ به فرماندهی احمد اسلیمی با دو گروهان به فرماندهی شهید موحد دانش و برادر سپاهی بختیار بود که در آزادسازی کردستان شرکت داشتند) و سپس در منطقه عملیاتی شمال غرب همراه با یگان‌های اعزامی از ارتش نسبت به تأمین امنیت اقدام کردند. تابعیت این نیروها و سلسله مراتب آنان نامشخص بود و به طور مستقل از یکدیگر عمل می‌کردند.

ب) سال ۶۰-۵۹

۱) با آغاز جنگ تحمیلی، سپاه با کمک افسران ارتش و با الگو گرفتن از ساختار ارتش به سازماندهی یگان‌های سبک برای شرکت در جنگ تحمیلی اقدام کرد.^۱

۲) در سال اول جنگ عناصری از نیروهای مردمی، که بعداً به سپاه پیوستند، در گروه‌های ۱۰ الی ۲۰ نفری در نقاط مختلف جبهه، پاسگاه‌های ژاندارمری و نیروهای ارتش را تقویت می‌کردند.

۳) با شکل‌گیری سازمان مرکزی سپاه، اولین گردان‌های رزمی سپاه به فرماندهی برادر رحیم صفوی در ۱۳۶۰/۳/۳۱ در دارخوین تشکیل شد. استعداد هر گردان حدود ۲۰۰ نفر و مجهز به جنگ‌افزار سبک و فاقد آتش پشتیبانی سازمانی بودند.

ج) سال ۶۲-۶۰

رده سازمانی یگان‌های سپاه پس از عملیات ثامن‌الائمه (ع) به تدریج از سطح گردان بدین شرح تغییر کرد:

۱. یگان‌هایی که مجهز به جنگ‌افزار سبک و فاقد جنگ‌افزار سنگین باشند، یگان سبک نامیده می‌شوند.

وضعیت یگان‌های پیاده‌نظام بعد از انقلاب اسلامی ... / ۳۹

- (۱) در عملیات طریق‌القدس گردان‌های سبک تبدیل به تیپ پیاده سپاه شدند و استعداد هر تیپ از ۲ الی ۸ گردان سبک متفاوت بود.
- (۲) سپاه پاسداران در عملیات فتح‌المبین قرارگاه‌های لشکری را تشکیل داد، ولی عناوین تیپ هم‌چنان باقی ماند و تعداد گردان‌ها در هر تیپ به ۵ تا ۱۰ گردان سبک افزایش یافت.
- (۳) در عملیات بیت‌المقدس تیپ‌های پیاده به لشکر تبدیل و قرارگاه‌های لشکری سپاه به قرارگاه سپاه تغییر نام دادند.
- (۴) در عملیات طریق‌القدس سپاه دارای ۴ تیپ پیاده شد.
- (۵) در عملیات فتح‌المبین سپاه دارای ۴ قرارگاه لشکری (فجر، نصر، قدس، فتح) شد.
- (۶) در عملیات بیت‌المقدس سپاه دارای ۳ لشکر (قدس، نصر، فتح) شد.

د) سال ۶۷-۶۲

- (۱) استعداد نیروی انسانی سپاه به توان بسیج نیروهای مردمی بستگی داشت که از نقاط مختلف کشور به جبهه اعزام می‌شدند.
- (۲) مجموع کل عناصر پایور سپاه (در نیروهای سه‌گانه سپاه) در میدان نبرد در طول هشت سال دفاع مقدس بنا به گفته فرماندهان سپاه و محاسبات انجام‌شده در معارف جنگ حداکثر قریب ۲۰ الی ۲۵ هزار نفر بوده است.
- (۳) از عملیات کربلا ۴ به بعد در سال ۶۵، سپاه با کاهش نیروهای بسیجی مواجه شد و چون استمرار حضور رزمنده پیاده نظام در جبهه ضرورت داشت، لذا به ناچار خواستار سهمیه‌ای معادل ۶۰ هزار نفر از سربازان وظیفه ارتش شد.

- ۴) سپاه در عملیات کربلا ۵ با تعداد ۶۸ هزار نفر سرباز پاسدار در عملیات شرکت کرد.^۱
- ۵) به طور کلی تعداد ۱۹ لشکر در طول جنگ تحمیلی در سپاه عنوان شده است که در تابعیت سلسله مراتب خود و قرارگاه‌های عملیاتی قرار داشتند.^۲

۲- وضعیت نیروی انسانی و آماد و پشتیبانی

الف) نیروهای رزمنده سپاه از طریق بسیج نیروهای داوطلب مردمی تأمین می‌شد. این نیروها در شهرها، شهرستان‌ها و استان‌ها از طریق کمیته‌های جذب نیرو جمع‌آوری شده و پس از ثبت نام در پایگاه‌های محل اقامت (معمولاً مساجد) به صورت گروهان و گردان سازمان‌دهی و تجهیز شده و به جبهه‌ها اعزام می‌شدند تا در اختیار تیپ‌ها و لشکرهای سپاهی منطقه سرزمینی خود قرار گیرند.

به طور متوسط هر گروهان پیاده سپاهی از ۱۰۰ نفر و هر گردان حداکثر از ۳۰۰ نفر رزمنده داوطلب و یا بسیجی مجهز به جنگ‌افزار سبک تشکیل می‌شد. این تعداد معادل یک‌سوم نفرات یگان‌های مشابه در ارتش بودند.

ب) آماد و پیش در نیروهای سپاه از طریق وزارت سپاه با بکارگیری امکانات کلیه استان‌های اعزام‌کننده نیرو و امکانات کشور و تجار بازار در قالب پشتیبانی بسیج و کمک‌های مردمی تأمین می‌گردید. فرماندهان سپاه هیچ‌گاه دغدغه امور آماد و پیش، اقدامات پرسنلی، بهداشتی و درمان را نداشتند و وظیفه اصلی آنان عملیات و اطلاعات بود.

۱. طبق اظهار سپاه، این نیروها اکثراً در کارهای پشتیبانی رزمی به کار گرفته شدند.

۲. توضیح اینکه تاکنون هیچ مدرک رسمی از استعداد رسمی یگان‌های سپاه منتشر نشده و اطلاعات فوق بر اساس مشاهدات عینی و اظهارات فرماندهان سپاه می‌باشد.

ج) پشتیبانی‌های مهندسی و آمادی در منطقه عملیات توسط مهندس رزمی جهاد سازندگی و نهادهای مردمی استان‌های اعزام‌کننده نیرو و شهرهای محل استقرار تیپ‌ها و لشکرهای سپاه معمول می‌شد.

د) پشتیبانی‌های آتش و سایر پشتیبانی‌های رزمی سپاه توسط توپخانه، هوانیروز، نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش معمول می‌شد (گرچه سپاه از سال دوم جنگ به بعد با به‌کارگیری توپ‌های اغتنامی یگان‌های توپخانه خود را نیز تشکیل داد، ولی تا پایان جنگ پشتیبانی آتش همچنان توسط ارتش معمول گردید).

۳- آموزش سپاه

تعدادی از فرماندهان سپاه خدمت سربازی را در درجات سربازی، درجه‌داری و افسری وظیفه در ارتش و تعدادی اندک نیز آموزش جنگ‌های چریکی را در خارج از کشور و در مبارزات سیاسی قبل از انقلاب طی کرده بودند.

سپاه فاقد مراکز آموزشی برای نیروهای پایور سپاه و بسیجی بود. آنان ضمن داشتن مراکزی در استان‌ها برای آموزش اولیه از پادگان‌های ارتش استفاده می‌کردند.

نیروی زمینی ارتش جهت کمک به آموزش بسیج در سپاه پاسداران، طرح آموزش کربلا ۱ را با مسئولیت سرتیپ امامی در ۲۰ پادگان ارتش اجرا کرد. با تشکیل دوره‌های عالی و مقدماتی ارتش در مراکز آموزشی، همه ساله تعدادی از برادران سپاه در دوره‌های مزبور شرکت می‌کردند. همچنین سپاه از سال ۶۱ با گشایش دانشکده فرماندهی ستاد (دافوس) ارتش همواره تعدادی از فرماندهان سپاه را در هر دوره برای آموزش اعزام می‌کرد.

عناصر پایور سپاه در طول جنگ ضمن آموزش هم‌زمان با نیروهای ارتش در جلسات ستادی، در کلاس‌های آموزشی که بعضاً توسط قرارگاه‌های عملیاتی ارتش در منطقه تشکیل می‌گردید و یا با شرکت در دوره‌های عالی و دافوس ارتش آموزش لازم را دریافت می‌کردند.

نیروهای اعزامی بسیجی در صورتی که خدمت سربازی را طی نکرده بودند مدت یک تا دو هفته در استان‌های محل اعزام و یا در پایگاه‌های آموزشی عقب جبهه آموزش ابتدایی را طی کرده و به جبهه اعزام می‌شدند. پادگان دوکوهه و کرمانشاه از مراکز آموزشی افراد اعزامی در منطقه جنوب و غرب بودند.

برداشت صوتی و تصویری از جلسات و مباحثات عملیاتی در قرارگاه‌های ارتش و قرارگاه‌های مشترک و جلسات پرسش و پاسخ عملیاتی در قرارگاه‌های مزبور نقش اساسی در ارتقاء آموزش فرماندهان سطوح بالای سپاه داشت.

۴- انضباط، روحیه، ایمان، میل جنگ‌جویی (انگیزه)

از آنجایی که نیروهای سپاه از افراد داوطلب انقلابی تشکیل می‌شد و عناصر پیاده نظام یگان‌های سپاه را بسیجان مخلص و شهادت‌طلب تشکیل می‌دادند. لذا یگان‌های سپاه از روحیه، ایمان و میل جنگ‌جویی و شجاعت بالایی برخوردار بوده ولی انضباط آنان به دلیل طی نکردن دوره‌های نظامی بلندمدت و زندگی نکردن در شرایط و محیط نظامی و پادگانی از وضعیت مناسب نظامی برخوردار نبود.

کنترل و فرماندهی در ارتش و سپاه

فرماندهی کردن بر فردی که برای انجام وظیفه قانونی (قانون محور) برای مدت ۲ سال وارد خدمت شده و تمایل به پایان دوران خدمت همراه با سلامت دارد و فرمانده هم موظف به حفظ سلامت اوست، با فرماندهی کردن بر فردی که داوطلب و مشتاقانه برای انجام تکلیف و رسیدن به فیض شهادت به جبهه شتافته (تکلیف محور) تفاوت زیادی دارد. فرماندهی بر نیروهای «قانون محور» با داشتن مسئولیت پاسخگویی و کلیه امور مربوطه، با فرماندهی بر نیروهای «تکلیف محور» بدون داشتن مسئولیت پاسخگویی و سایر امور مربوطه، به مراتب مشکل‌تر است. با توجه به مقدمه فوق وضعیت فرماندهی و کنترل در ارتش و سپاه عبارت است از:

۱- کنترل و فرماندهی در ارتش

سلسله مراتب فرماندهی در ارتش مسئول کلیه امور خوب و بد یگان تحت امر می‌باشد. آنان در شرایط صلح موظف به مدیریت نیروی انسانی از نظر ترفیعات، انتصابات، انضباط، آموزش، رفاه و از طرفی تعمیر و نگهداری، آماد و انبارداری و سلامت جسمی و روانی، قدرت بدنی و بهداشت و درمان و غیره می‌باشند، تا بدین ترتیب در بالا نگهداشتن توان رزمی یگان مربوطه مؤثر باشند. در شرایط جنگ علاوه بر موارد فوق موظفند که در حفظ سلامت ابواب جمعی بکوشند و مأموریت را با حداقل تلفات به پایان برسانند. فرماندهان موظفند هرگونه عملیات را با رعایت اصول و روش‌های علمی توأم با عقلانیت طراحی، اجرا و هدایت کنند.

نیروهای وظیفه ارتش طبق قوانین و مقررات موظفند در هر شرایطی از سلسله مراتب تبعیت نموده و برابر دستور و طرح آنان عمل کنند.

نگرش کلی نیروهای ارتش در رزم به ویژه افراد وظیفه عبارت است از «کشتن و کشته نشدن به منظور حفظ توان اجرای انجام مأموریت»^{*}، که در آموزش‌های دوره مقدماتی آموزش به آنان تفهیم می‌شد.

نگرش فرماندهان و نیروهای پایور برای کشته نشدن افراد تحت امر خود به عنوان وظیفه‌ای مهم به منظور حفظ استعداد یگان و امکان ادامه مأموریت ابلاغی تلقی می‌شد. این نگرش در بطن خود با نداشتن هراس از مرگ و خطرپذیری با اتکاء به فلسفه شهادت همراه بود و البته روحیه شهادت‌طلبی هر روز به ویژه در سال‌های ۶۰ الی ۶۲ با همراهی نیروهای بسیجی بیشتر شد.

بنابراین اعمال فرماندهی و کنترل با توجه به شرایط، محدودیت‌ها و سایر ملاحظات سیاسی، اجتماعی بر نیروهای وظیفه وفق قوانین و آئین‌نامه‌ها و آموزش‌ها مشکلات خاص خود را در پی داشت و دارد. مسلماً اینگونه مشکلات در شرایط بحرانی نظیر دوران انقلاب و صحنه جنگ ملموس‌تر بود. البته بزرگ‌ترین و اساسی‌ترین ویژگی و امتیاز آن انجام مأموریت رزمی با حداقل تلفات بود.

۲- کنترل و فرماندهی در سپاه پاسداران

سلسله مراتب فرماندهی در سپاه پاسداران به علت وجود نیروهای داوطلب اعم از فرماندهان و رزمندگان و نبودن قوانین و مقررات مدوّن و مصوب (در دوران جنگ) نسبت به ارتش متفاوت بود، اما در سلسله مراتب کم و بیش تبعیت از دستور وجود داشت.

*. از اصول مهم رزم انفرادی در آئین نامه ۱۴-۷-ز.

نیروهای انسانی (مردمی و بسیجی) که برای رزم به طور داوطلب در جبهه حضور می‌یافتند، شرکت فعال در رزم را تکلیف شرعی دانسته، بالنتیجه نیازی به اعمال کنترل مستمر نداشتند. فرماندهان سپاه با در اختیار گرفتن نیروهای داوطلب، موظف بودند آنان را به کار گرفته و در سایر امور مربوط به مدیریت نیروی انسانی و امور آمادی، بهداشت و درمان، تعمیر و نگهداری و غیره وظیفه‌ای نداشتند. لذا محدودیت‌های انضباطی و شاق خدمتی در یگان‌های سپاه وجود نداشت، که خود انگیزه حضور نیروهای مردمی شهادت‌طلب را بیشتر می‌کرد، ولی انضباط خدمتی و تحفظ اطلاعاتی را کاهش می‌داد و در نهایت به صورت نسبی افزایش ضایعات و تلفات را در پی داشت.

از طرفی نگرش نیروهای داوطلب در رزم عبارت بود از «کشتن یا شهادت»، لذا با این نگرش، فرماندهی بر چنین نیروهایی بسیار سهل و آسان است. ضمن اینکه فرماندهان در سپاه فقط مسئولیت تاکتیکی عملیات را داشته نه مسئولیت‌های دیگر که قبلاً ذکر شد.

سازماندهی یگان‌های پیاده نظام ارتش در جنگ تحمیلی

تشکیل بسیج نیروهای داوطلب موجب شد قسمت قابل توجهی از نیروهایی که احتیاط ارتش را بایستی تشکیل دهند جذب بسیج شده و در اختیار سپاه پاسداران قرار گیرند. سپاه با بکارگیری نیروهای بسیج و داوطلب مردمی، یگان‌های پیاده (گردان، تیپ لشکر) را تشکیل داد.

در جنگ تحمیلی، ارتش ایران در مقابل ارتش عراق قرار گرفت که با وجود جمعیت کمتر، دارای استعداد و توان رزمی بیشتری بود. همچنین طولانی بودن جبهه‌ها، درگیری حداقل ۱/۳ نیروهای ارتش در مناطق

آشوب زده داخلی و کاهش استعداد نیروها به علت بحران‌های ناشی از انقلاب، مشکلات ارتش را مضاعف کرده بود.

بنا به اعتقاد تحلیل‌گران، تشکیل سپاه پاسداران با جذب نیروهای مردمی (بسیج) تا حدود زیادی کمبود استعداد ارتش را در دفاع مقدس جبران کرد، به طوری که این دو نیرو توانستند از عهده انجام مأموریت‌ها در طول هشت سال دفاع مقدس برآیند.

پیشکسوتان ارتش در دفاع مقدس اذعان دارند که:

«... نه تنها ارتش، که برادران سپاهی همه مدیون بسیج هستیم، آری! همه می‌دانیم: چرا که بسیجیان داوطلبانه آمدند و نیرویی موظف نبودند و در تمامی مراحل یاوران مخلص، پاکباز و عاشق شهادت برای ما نظامیان و رهروان وفادار و عاشق مولایشان امام راحل بودند و در این راستا بیشترین شهدا را تقدیم کردند.»

هم چنین اعتقاد بر این است که:

«اگر بسیج نبود ما در سپاه بلوغ ساختاری و سازمانی و عملیاتی را شاهد نبودیم و اگر بسیج نبود ارتش آن زمان به تنهایی قادر به بیرون کردن دشمن متجاوز بعثی از کشور اسلامی‌مان نمی‌شد.»^۱

ارتش در طول جنگ، پویایی خود را حفظ و با تشکیل یگان‌های جدید به بالابردن استعداد خود کمک کرد. توسعه یگان‌های پیاده نظام از سال اول جنگ تا پایان را می‌توان بدین شرح خلاصه کرد:

- گردان‌های چهارم در تیپ‌های پیاده؛
- تیپ‌های چهارم از گردان‌های چهارم در لشکرهای پیاده؛

۱. سرتیپ ستاد ناصر آراسته، چرا و چگونه، هیئت معارف جنگ، ایران سبز، ۱۳۹۱، ص ۸.

- تیپ‌های جدید پیاده نظام (تیپ ۳۰ گرگان، تیپ ۵۸ ذوالفقار)؛
- تبدیل چهار تیپ پیاده به لشکر پیاده (لشکر ۳۰ گرگان، لشکر ۵۸ ذوالفقار، لشکر ۸۴ خرم‌آباد، لشکر ۲۳ نوه‌د)؛
- گردان‌های تکاور در لشکرهای پیاده؛
- سه تیپ تکاور از گردان‌های تکاور؛
- گردان‌های ۷۰۰ در لشکرها (در سال‌های آخر جنگ)؛
- گردان‌های قدس: از سال سوم جنگ به بعد از طریق معاونت احتیاط نیروی زمینی در مجموع ۶۰ گردان قدس تشکیل شد (در هر مرحله حدود ۲۰ گردان فعال بود).
- گردان‌های شهادت‌طلب موقت مانند گردان‌های بلال و شهادت و تیپ شهدای حضرت ابوالفضل(ع)؛
- ستاد مشترک ارتش در سال اول جنگ، یک گردان از عناصر ستاد به فرماندهی سرهنگ علیپور تشکیل داد و به منطقه غرب اعزام کرد.
- فعال شدن گروه پشتیبانی اطلاعات رزمی (گپار) از سال دوم جنگ در قرارگاه‌های لشکرهای پیاده و زرهی البته با بهره‌گیری از عناصر رسته پیاده. در سال اول جنگ تحمیلی یگان‌های آموزشی نیروی زمینی مکلف شدند کارکنان خود را به صورت یگان‌های پیاده سبک سازمان‌دهی و به طور موقت به جبهه‌ها اعزام دارند؛ مانند تیپ دانشجویان دانشکده افسری، گردان پیاده مرکز پیاده شیراز و گردان پیاده مرکز آموزش کرمان. این یگان‌ها پس از حضور در جبهه، عملکرد بسیار مثبتی از خود به جای گذاشتند و پس از سامان یافتن جبهه‌ها به مراکز آموزشی مربوطه مراجعت کردند.

یگان‌های جدید اکثراً با برداشت از نیروهای انسانی، تجهیزات و جنگ‌افزار لشکرهای موجود و منابع نیروی زمینی انجام شد و اگرچه از نظر کمی تعداد یگان‌ها را افزایش داد ولی تا حدودی موجب تضعیف یگان‌های قبلی شده؛ با این حال در کل در کیفیت توان رزمی تا حدود مناسبی تأثیر مثبت داشت. این یگان‌ها توانستند در طول خط مرز (حدود ۱۳۰۰ کیلومتری) در خط پدافندی مستقر شده و اقدام به مراقبت و کنترل حرکات دشمن کردند. در ضمن خطوط پدافندی را تقویت و شرکت یگان‌های دیگر را برای عملیات تهاجمی تسهیل کردند.

ارزیابی یگان‌های پیاده جدید ارتش

الف - نقاط ضعف

- ۱- ضعف در کنترل، نظارت و هدایت گروهان به علت سازمان‌دهی و بکارگیری افراد وظیفه در کادر فرماندهی مربوطه به ویژه از سال سوم جنگ.
- ۲- ضعف در پشتیبانی لجستیکی و عدم تحرک کافی.
- ۳- کارا نبودن اکثر جنگ‌افزارهای اجتماعی خریداری شده در مقایسه با جنگ افزارهای مشابه دشمن.
- ۴- ضعف بودن تجهیزات مخابراتی.

ب- نقاط قوت

- ۱- توانایی بکارگیری در کلیه مناطق و در تمام شرایط جوی.
- ۲- شرکت در انواع عملیات، به ویژه در جنگ‌های نامنظم و آرام‌سازی مناطق بحرانی داخلی و...
- ۳- اجرای عملیات در تمامی اوقات شبانه‌روز و دید محدود.
- ۴- توانایی اجرای هرگونه عملیات محدود.

نتیجه

با توجه به شرایط جنگی، از آغاز تا پایان جنگ یگان‌های ارتش به ویژه گردان‌های پیاده در همه عملیات آفندی شرکت داشته و همچنین ۹۵٪ مسئولیت خطوط پدافندی را به عهده داشتند.

فرماندهان یگان‌های پیاده با وجود کمبودها، نواقص و پایین بودن توان رزمی در تمام شرایط با ایثار و فداکاری و توکل به خداوند متعال وظایف خود را به نحو احسن انجام دادند. ضمناً یگان‌هایی که از آموزش برتر و فرماندهان مجرب برخوردار بودند موفقیت بیشتری را کسب کردند. در حقیقت می‌توان گفت بیشتر پیروزی‌های به‌دست آمده مدیون یگان‌های ارتش به ویژه گردان‌های پیاده نظام می‌باشد.

بخش سوم

طرح‌ریزی عملیات مشترک ارتش و سپاه

ارتش و سپاه در جنگ تحمیلی به صورت ادغامی علیه دشمن اقدام به اجرای عملیات کردند که آن را «عملیات مشترک» نامیده‌اند. این نامگذاری با تعاریف عملیاتی نظامی مغایرت دارد، زیرا عملیات مشترک عبارتست از عملیاتی که توسط دو نیرو یا بیشتر (زمینی، هوایی، دریایی) از نیروهای مسلح یک کشور اجرا می‌گردد. در این تعریف طبق آئین‌نامه بایستی قسمت‌های عمده از دو نیرو تحت فرمان یک فرمانده باشند.^۱ ولی از نظر اینکه انواع عملیات انجام‌شده با شرکت نیروی زمینی، هوایی و بعضاً نیروی دریایی اجرا می‌شد، می‌توان به آن عملیات مشترک گفت.

در جنگ تحمیلی عملیاتی را که با ادغام نیروهای زمینی ارتش و سپاه انجام شد نمی‌توان عملیات مشترک (ارتش و سپاه) نامید و اصلح است به آن عملیات ادغامی ارتش و سپاه گفته شود، به هر حال در جنگ تحمیلی عملیاتی که با ادغام نیروهای ارتش و سپاه اجرا شد، به نام عملیات مشترک مصطلح شده است. لذا در این نوشتار نیز این اصطلاح را با این مفهوم به کار می‌بریم.

اهمیت طراحی عملیات

ارتش و سپاه پاسداران دو عنصر عمده و اساسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران می‌باشند. این دو عنصر در جنگ تحمیلی در کنار هم و دوش‌به‌دوش یکدیگر توانستند با دشمن متجاوز به مقابله پردازند. ارتش

۱. رستمی، محمود، سرتیپ ستاد؛ فرهنگ واژه‌های نظامی، انتشارات ایران سبز، تهران، ۱۳۸۶.

پس از متوقف کردن دشمن در سال اول، در خطوط پدافندی مستقر و برای عملیات آفندی آماده شد.

در سال دوم جنگ، پس از سازماندهی یگان‌های سپاه پاسداران با بسیج مردمی، طرح‌ریزی عملیات مشترک (ادغامی) برای دفع تجاوز دشمن، مشترکاً آغاز شد. ارتش و سپاه با اجرای طرح‌های تهیه شده توانستند مناطق اشغال‌شده را آزاد و سپس به منظور تنبیه متجاوز، دشمن را در داخل خاک عراق تعقیب کنند.

پیروزی‌های بدست‌آمده حاصل ترکیب مقدس دو عنصر ارتش و سپاه بود. فرمانده بزرگوار و شهید نیروی زمینی ارتش امیر سپهبد شهید علی صیادشیرازی ترکیب مقدس را در عبارت ماندگار زیر بیان کرد:

«ارتشی و سپاهی یک لشکر الهی»

هریک از این دو عنصر مکمل یکدیگر بودند، به طوری که می‌توان گفت چنان‌چه ارتش نبود، سپاه موفقیتی حاصل نمی‌کرد و چنان‌چه سپاه نبود تهیه نیازهای ارتش برای جنگ مشکلاتی را برای کشور به‌همراه داشت و ارتش به تنهایی به نتیجه مطلوب نمی‌رسید.

فرآیند طراحی عملیات مشترک نیروی زمینی ارتش و سپاه

در جنگ تحمیلی، ستاد قرارگاه‌های عملیاتی و قرارگاه‌های لشکر مستقر در مناطق، مسئولیت تهیه طرح‌های عملیاتی را به عهده داشتند و رده‌های پایین‌تر اجراکننده بودند.

یگان‌های نیروی زمینی در رده‌های گردان، تیپ و لشکر دارای ستاد می‌باشند، ولی یگان‌های سپاه پاسداران در رده گردان و تیپ فاقد ستاد و در لشکر دارای نوعی ستاد بودند که با ساختار ستاد لشکرهای ارتش متفاوت بود.

در سال اول جنگ، سپاه پاسداران در طراحی‌ها، تهیه برآوردهای مختلف ستادی و ارائه راه‌کارهای عملیاتی از روش علمی نظامی تبعیت نمی‌کرد، البته طراحی برای یگان‌های پیاده نظام مسلح به اسلحه انفرادی را معمول می‌داشت. در این مرحله آنان با ارائه ایده‌های عملیاتی، به طور مشترک به ستادهای ارتشی که دارای عناصر متخصص نظامی بودند همکاری می‌کردند. عملیات و اطلاعات سپاه پاسداران با استفاده از عناصر جسور، باهوش و شهادت‌طلب با نفوذ به مواضع دشمن و با شناسایی دقیق زمین و دشمن و کسب اطلاعات دقیق به ستادهای لشکر و تیپ کمک می‌کردند. همچنین در سطوح بالاتر نظرات خود را در زمینه پیشنهادات (راه‌کارها) عملیاتی به طور شفاهی اعلام تا با هماهنگی فرماندهان رده مربوطه در دستورات عملیاتی گنجانده شود.

در قرارگاه‌های عملیاتی طرح‌ها پس از شورهای ستادی در جلسات مشترک ارتش و سپاه، به طور کامل توسط ارتش تهیه و گاه با دو امضاء صادر می‌شد.

سپاه پاسداران با شرکت فعال در شورهای ستادی ارتش و با علاقمندی شیوه‌های طراحی و تهیه برآوردهای ستادی را که به صورت علمی انجام می‌گرفت به صورت صوتی و تصویری ضبط کرده و با بهره‌برداری از آن تلاش می‌کردند در مراحل بعد، از آن روش‌ها الگوبرداری کنند.

طراحی عملیات آفندی تا عملیات رمضان (تیرماه ۱۳۶۱)

تا قبل از عملیات ثامن‌الائمه (ع)، یگان‌های سپاه به استعداد دسته و گروهان در مناطق مختلف با هماهنگی نیروهای ارتشی و گاه بدون هماهنگی

به طور محدود مبادرت به عملیات، نظیر اعزام گشتی شناسائی، گشتی رزمی، تاخت و دستبرد می‌کردند.

عملیات ثامن‌الائمه (ع) اولین عملیات مشترک (ادغامی) بود که توسط نیروهای سه‌گانه ارتش و رزمندگان زمینی سپاه انجام شد، نیروهای سپاه در جمع‌آوری اطلاعات از دشمن به طرح‌ریزی و تهیه راه‌کارها کمک کردند، ولی طراحی عملیات به صورت مشروح و تهیه دستور عملیاتی همراه با پیوست‌های مربوطه توسط لشکر ۷۷ پیاده ارتش انجام شد. سپاه نیز طرحی را تهیه کرده بود که دستور داده شد با طرح لشکر ۷۷ پیاده هماهنگ و مورد استفاده قرار گیرد.

در طرح عملیاتی لشکر ۷۷، اصول علمی و کلاسیک در بکارگیری نیروهای پیاده، زرهی، توپخانه، نیروی هوایی، هوانیروز، پدافند هوایی، عناصر آماد و پشتیبانی و یگان‌های سبک پیاده نظام سپاه به خوبی لحاظ شده بود. بعد از انتصاب شهید سپهبد علی صیادشیرازی به فرماندهی نیروی زمینی ارتش، قرارگاه کربلا متشکل از اساتید دافوس، عناصر رده مقدم نیروی زمینی و عناصری از سپاه پاسداران تشکیل شد. این قرارگاه هدایت عملیات طریق‌القدس را برابر طرح لشکرهای ۱۶ و ۹۲ زرهی که قبلاً تهیه شده بود، به عهده گرفت. پس از آن، طراحی و هدایت عملیات روال بهتری پیدا کرد و در عملیات فتح‌المبین و بیت‌المقدس تکمیل شد. سپاه پاسداران همواره تلاش می‌کرد نظرات خود را اعمال کند و در مواردی نیز با موافقت فرماندهی نزاجا به این کار موفق می‌شد، اما کماکان راه‌کارهای کلی اولیه و طرح‌ریزی کامل علمی و تهیه دستور عملیاتی با نیروهای ارتش بود و این شیوه تا پایان عملیات رمضان ادامه داشت.

یادآوری می‌شود دستورات عملیاتی قرارگاه کربلا با عنوان «قرارگاه مشترک ارتش و سپاه» تهیه و به امضاء فرمانده نزاجا و سپاه منتشر می‌شد. از این رو عملیات مشترک به جای عملیات ادغامی مصطلح شد.

علاوه بر صدور دستور عملیاتی از طریق قرارگاه مقدم نیروی زمینی به کلیه یگان‌های ارتشی و سپاهی، دستور عملیاتی جداگانه‌ای نیز از طریق سپاه پاسداران به یگان‌های تابعه سپاه ارسال می‌شد که در آن وظیفه یگان‌های سپاه گنجانده می‌شد.

طرح‌ریزی در سطح لشکرها و تیپ‌ها توسط ستاد نیروهای ارتشی با هماهنگی شفاهی فرماندهان سپاه انجام می‌شد. در رده لشکرها و تیپ‌های سپاه طرح و دستور کتبی مشاهده نشده است.

در سطح گردان‌های ارتش و سپاه طرح‌ریزی به صورت حضوری بر مبنای طرح‌های قرارگاه رده بالاتر (لشکر و تیپ) هماهنگ شده و به رده‌های تابعه ابلاغ می‌شد.

عملیات آفندی ادغامی برابر طرح‌های ابلاغ‌شده انجام می‌گرفت، ولی هدایت و فرماندهی در یگان‌های سپاهی با سپاه و در یگان‌های نظامی با فرماندهان ارتش بود، البته در رده گردان‌ها کمتر اثری از ادغام دیده می‌شد.

طراحی عملیات آفندی بعد از عملیات رمضان

بعد از عملیات رمضان، سپاه پاسداران با احساس رسیدن به بلوغ عملیاتی از طرح‌ریزی تا اجرا و هدایت عملیات تلاش می‌کرد با انتخاب منطقه عملیات و تعیین شکل کلی مانور طراحی عملیات را عهده‌دار شود. در این مرحله ارتش تلاش می‌کرد نقاط ضعف طرح‌ها را با دیدگاه‌های اصولی

گوشزد کند، ولی در نهایت ارتش طبق طرح مشترک (مورد توافق یا تعدیل - شده) در عملیات شرکت می‌کرد.

سپاه پاسداران در سال سوم جنگ خواهان اجرای عملیات مستقل، البته با در اختیار گرفتن بخشی از تجهیزات ارتش (توپخانه، هوانیروز، پدافند و نیروی هوایی) شد. سپاه در این مرحله تلاش می‌کرد تأیید و حمایت فرماندهی جنگ را برای زیر امر گرفتن یگان‌های ارتش به دست آورد و بر فرماندهان لشکر و تیپ‌های ارتش تسلط عملیاتی و فرماندهی پیدا کند.

از سال چهارم جنگ به بعد، سپاه خواهان عملیات مستقل با جدایی محورها و مناطق عملیاتی شد. بدین ترتیب، ترکیب مقدس اولیه ارتش و سپاه، جای خود را به پشتیبانی‌های آتش زمینی، هوایی و پدافند هوایی ارتش به نیروهای سپاه داد. در پاره‌ای موارد یگان‌های پیاده ارتش برای تقویت مانور زمینی سپاه و یا به عنوان احتیاط تحت کنترل سپاه قرار می‌گرفتند و این وضعیت تا پایان جنگ ادامه داشت.

سپاه در بعضی از عملیات مستقل آفندی، تعدادی یگان رزمی ارتش (پیاده و زرهی) را تحت امر می‌گرفت، لکن از یگان‌های رزمی تازه تأسیس خود در تلاش اصلی و از یگان‌های رزمی ارتش در تلاش پشتیبانی و از یگان‌های پشتیبانی رزمی ارتش (آتش توپخانه، هوانیروز، نیروی هوایی و پدافند هوایی) استفاده می‌کرد، این یگان‌ها نقش اساسی و محوری در پشتیبانی از عملیات را به عهده داشتند.

طراحی عملیات پدافندی

سپاه از سال پنجم، پدافند بعضی از مناطق عملیاتی را به عهده گرفت و البته بعداً عنوان نمود همین امر باعث کاهش توان آفندی آنان شده است.

نیروهای ارتشی همواره مأموریت پدافند و آفند را به عهده داشتند، البته بعضاً نیز با تقویت نیروهای سپاهی در خط پدافندی مستقر بودند.

در مواردی که سپاه مبادرت به طراحی و اجرای عملیات آفندی به طور مستقل می کرد، در آن منطقه یگان های ارتشی را تعویض و در خط پدافندی مستقر می شد و پس از عملیات، پدافند از مناطق تصرف شده را به ارتش واگذار می کرد، مانند جزایر مجنون، والفجر ۹ و... دلیل عمده چنین اقدامی را در ماهیت یگان های سپاه و ارتش شامل موارد زیر می توان جستجو کرد:

- ۱- یگان های سپاه از کمیت نیروی انسانی بسیجیان مخلص بهره مند بودند.
- ۲- بسیجیان دارای شور و شوق و روحیه شهادت طلبی آفندی بودند، ولی فاقد صبر و حوصله و استمرار ماندگاری در خطوط پدافندی و دادن ضایعات و تلفات، بدون مشاهده تصرف مواضع دشمن بودند.
- ۳- بسیجیان شهادت طلب، پس از اعزام به جبهه مشتاق و آرزومند پیروزی یا شهادت در فاصله زمانی ۲ یا ۳ ماهه بودند، در غیر این صورت باید به موطن و مشاغل خود باز می گشتند تا در عملیات بعدی با فراخوان مجدد به همین نحو شرکت کنند.
- ۴- یگان های ارتش از روحیه استمرار و مداومت مقاومت در خطوط پدافندی برخوردار بوده و الزاماً خلأ بسیجیان را پر می کردند.

ارزیابی طراحی مشترک

معایب

- ۱- نابرابری دانش و تخصص نظامی ارتش و سپاه موجب صرف وقت برای ایجاد درک متقابل شده و لذا صبر و حوصله بیشتر ارتشیان در متقاعد کردن سپاهیان ضرورت داشت؛

- ۲- بی توجهی به ماهیت اصلی یگان‌ها: مثلاً بکارگیری تیپ نوه‌د و یگان‌های تکاور در عملیات آفندی و پدافندی مانند یگان پیاده نظام؛
- ۳- بی توجهی به نیازهای عملیاتی، مثلاً داشتن برتری هوایی در بکارگیری زرهی؛
- ۴- عدم پیش‌بینی امکانات ترابری برای جابه‌جایی سریع نیرو، پای کار آوردن به موقع احتیاط، جابه‌جایی سریع توپخانه؛
- ۵- ضعف پنداشتن دشمن و بی توجهی به توانایی او؛
- ۶- کمبود بصیرت و دوراندیشی در طراحی؛
- ۷- عدم مقایسه توان رزمی خودی و دشمن.

محاسن

- ۱- افزایش بینش و دانش عملیاتی در فرماندهان جوان سپاه پاسداران؛
- ۲- بهره‌مندی از جسارت و پویایی در کسب اطلاعات تاکتیکی از دشمن توسط عناصر اطلاعات و عملیات سپاه؛
- ۳- ارائه ایده‌های عملیاتی و قبول مباحثات عملیاتی طولانی و فشرده؛
- ۴- توجه و تمرکز به دفع تجاوز دشمن علی‌رغم تفاوت نگرش‌ها، افکار، روحیه و دانش در نیروها؛
- ۵- تعامل دانش و آگاهی تخصصی، بالا رفتن انگیزه، نشاط و پویایی و دمیده شدن روحیه شهادت‌طلبی به دلیل حضور بسیجیان عزیز در کلیه یگان‌های ارتش و سپاه پاسداران؛
- ۶- رفع اختلافاتی که دشمن امید به افزایش و عمیق‌تر شدن آنها داشت، به ویژه تا سال چهارم جنگ.

تجربیات طراحی مشترک

در جنگ تحمیلی حقایق زیر عملاً اثبات شد، گرچه در مواردی برای حصول این تجربیات هزینه‌های گزافی پرداخت شده است.

۱- دیپلماسی قوی و کارآمد و همچنین داشتن دکترین و استراتژی نظامی مشخص و پیش‌بینی شده می‌تواند از وقوع جنگ و ازدیاد تلفات جلوگیری کند.

۲- ارتقاء دانش و تخصص نظامی در فرماندهان نظامی از واجبات است.

۱- لزوم به‌کارگیری علم و تکنولوژی در جنگ، متناسب با تهدیدات؛

۲- آگاه شدن از ماهیت صحنه‌های جنگ با دشمن و تفاوت آن با صحنه خیزش‌های دوران انقلاب.

۳- ایستادگی و شهادت‌طلبی انقلابی همراه با مقاومت عالمانه، از ضروریات جنگ است که عملیات را نتیجه‌بخش می‌سازد.

۴- انجام رزمایش (مانور) با شرایط جنگی در زمان صلح در عملیات مشترک و ادغامی، به ویژه در زمینه فرماندهی و کنترل، ضرورتی انکارناپذیر است.

۵- عدم مداومت منابع اقتصادی در پشتیبانی از جنگ، رسیدن به اهداف را با مشکل اساسی مواجه ساخته و یا غیرممکن می‌کند.

۶- احساسات ملی و شور مذهبی، انگیزه، روحیه ایثار و شهادت چنانچه با تعقل، علم، تدبیر و حکمت (بصیرت) همراه باشد علاوه بر حصول پیروزی هزینه‌های انسانی را کاهش می‌دهد.

۷- به‌کارگیری دیپلماسی مدبرانه و فعال در سطح بین‌المللی همراه با قدرت نظامی در جنگ، لازم و ملزوم یکدیگرند.

۸- خودکفائی در تهیه تجهیزات و تسلیحات نظامی به ویژه در پدافند هوایی و موشک‌های دوربرد و قدرت آتش و تحرک بالا از ضروریات برای استمرار عملیات و حصول پیروزی است.

۹- داشتن دوست و یا دوستان استراتژیک قدرتمند از لحاظ سیاسی و کمک‌های تجهیزاتی می‌تواند هزینه‌های مختلف مادی و معنوی جنگ را کاهش دهد.

۱۰- ایثارگری مستمر در صحنه نبرد و ایستادگی ملی زمانی نتیجه‌بخش است که با تهیه و تولید تجهیزات پیشرفته نظامی به ویژه بومی و توزیع بموقع آن همراه باشد، تا کفایت در توانایی رزمی و ایستادگی ملی حاصل شود.

۱۱- بزرگترین عامل وحدت، قدرت روحی و میل جنگجویی رزمندگان همانا رهبری ولی فقیه است.

۱۲- حداکثر بهره‌مندی از بسیجیان جان برکف و عاشورائی در عملیات آفندی و حداقل استفاده از استعداد نیروی انسانی بسیج در عملیات پدافندی، به دلیل کاهش شور و تحرک آنان، مگر به ضرورت.

۱۳- سازمان‌دهی آموزش مستمر و برنامه‌ریزی شده برای بسیج در زمان صلح.

۱۴- وجود بسیجی آموزش‌دیده و تمرین کرده به تقلیل تلفات و ضایعات این نیروی انسانی ارزشمند در زمان جنگ کمک شایانی خواهد کرد.

۱۵- در صورت واگذاری بسیجی آموزش‌دیده به یگان‌های ارتشی نیز نیروی واگذار شود، انگیزه و میل جنگجویی یگان‌ها به ویژه سربازان وظیفه افزایش چشمگیر خواهد داشت.

برش ساختاری در طراحی‌ها

تعیین نوع و تعداد گردان‌های رزمی در یک لشکر «برش» نامیده می‌شود و بر دو نوع است.^۱

الف) برش استراتژیکی: عبارتست از تعیین سازمان‌ها قبل از گسترش در منطقه سرزمینی مأموریت.

ب) برش تاکتیکی: عبارتست از واگذاری یگان‌هایی از یک لشکر به لشکر دیگر و یا ازدیاد گردان‌های رزمی یک لشکر توسط منابع دیگر برای رفع احتیاج معین و یا کسر سازمان لشکر و یا از زیر امر خارج کردن بعضی از عناصر یا تجهیزات. این اقدام توسط رده نیروی زمینی یا بالاتر انجام می‌شود. از سال دوم تا سال چهارم جنگ قرارگاه عملیاتی کربلا (قرارگاه مشترک ارتش و سپاه) و از سال چهارم تا پایان جنگ قرارگاه خاتم‌الانبیاء در مواردی وظیفه تعیین برش تاکتیکی و در مواردی بیشتر برش استراتژیکی را باتوجه به مأموریت، منطقه عملیات، نیروی دشمن و توان خودی به شرح زیر به عهده داشت.

۱- برش تاکتیکی در عملیات مشترک (ادغامی) آفندی: در قرارگاه‌های مشترک لشکری (ارتش و سپاه)، که برحسب مورد تشکیل می‌گردید، برش لازم داده می‌شد. این امر فقط در جهت تقویت توان رزمی قرارگاه عمل‌کننده بود، ولی به هیچ‌وجه مستلزم تابعیت عملیاتی یگان‌ها نبوده و هریک ضمن انجام عملیات به صورت ادغامی، در تابعیت سلسله مراتب ارتشی یا سپاهی خود بودند. ولی چنانچه برش تاکتیکی در واحدهای ارتشی انجام می‌شد، یگان برش داده شده در تابعیت عملیاتی یگان جدید قرار می‌گرفت.

۱. آئین‌نامه ۱۰۰-۶۱ (لشکر)، انتشارات دافوس، ۱۳۵۰، ص ۲.

۲- برش تاکتیکی در عملیات مستقل آفندی:

الف) در عملیاتی که ارتش به طور مستقل انجام می‌داد، به ندرت یگان سپاهی به قرارگاه مستقل عملیاتی ارتش اختصاص داده می‌شد و در چند مورد یگان‌های سپاه عملاً در منطقه عملیات حضور نیافته و عملیات انجام نشد، مانند عملیات کمیل و والفجر ۱.

ب) در عملیاتی که سپاه به طور مستقل انجام می‌داد، یگان‌هایی از ارتش (نیروی زمینی، هوایی، دریایی و پدافند هوایی) به قرارگاه عمل‌کننده سپاه اختصاص داده می‌شد و در تابعیت عملیاتی قرارگاه سپاه قرار می‌گرفت، مانند عملیات والفجر ۸، کربلا ۴، کربلا ۵ و کربلا ۸.

۳- برش تاکتیکی در عملیات پدافندی

به طور کلی در عملیات پدافندی برش تاکتیکی به مفهوم تقویت یگان‌های ارتش توسط یگان‌های سپاه انجام نمی‌شد. اگرچنین تقویتی انجام می‌شد یگان سپاه در خاکریز جداگانه‌ای مستقر می‌شد و در موارد ویژه که لازمه آن واگذاری بخشی از منطقه پدافندی به سپاه بود، یگان‌های ارتشی از خط پدافندی خارج و در محل دیگری به کار گرفته می‌شدند.

سازماندهی رزم در طراحی‌ها

سازمان رزم (برش تاکتیکی داخلی): عبارتست از گروه‌بندی مناسب عناصر لشکر و قرار دادن آنها زیر امر تیپ‌ها و سایر قرارگاه کنترل‌کننده به نحوی که بتوانند مأموریت محوله را انجام دهند.^۱

۱- سازمان رزم در آفند

الف) نیروهای مردمی اعم از بسیجی و سپاهی خواهان استقلال عمل بودند و حضور در سازمان رزم را در عملیات مشترک (ادغامی)، به معنای قرار گرفتن تحت امر (کنترل عملیاتی) ارتش تلقی می‌کردند. آنها به شرطی حاضر به انجام عملیات به صورت ادغامی در کنار ارتش بودند که در کنترل فرماندهی سپاهی و بسیجی خود باقی بمانند.

ب) ارتش در سال اول جنگ بنا به تدبیر و دستور رئیس‌جمهور وقت نمی‌توانست توجه اساسی و پایه‌ای به نیروهای مردمی داشته باشد و آنان را در سازمان رزمی منظور کند. اما گروه‌هایی از این‌گونه نیروها مانند گروه جنگ‌های نامنظم شهید دکتر چمران و یا گمجن عشایری و غیره که شاکله اصلی آن را ارتشیان شاغل، مستعفی و داوطلب تشکیل می‌دادند در بخشی از مناطق به کار گرفته شده و حتی در عملیات آفندی شرکت می‌کردند و در پاره‌ای موارد بسیار مؤثر بودند؛ مانند عملیات الله‌اکبر.

ج) در عملیات ثامن‌الائمه نیروهای سپاه به صورت گردان در سازمان رزم طرح عملیاتی لشکر ۷۷ پیاده منظور شدند که به معنای کنترل عملیاتی بودن آنها در تیپ‌های سه‌گانه لشکر مزبور بود، ولی عملاً فرماندهان تیپ‌های لشکر کنترلی بر آنها نداشتند و سپاه اساساً منکر چنین کنترلی می‌باشد. ولی فرماندهان سپاه در اظهارات مکتوب و شفاهی حضور یگان‌های سپاه را به صورت مستقل و در کنار ارتش عنوان می‌کنند.

د) بعد از انتصاب شهید صیادشیرازی و آغاز دوران راهبرد ترکیب مقدس، قرارگاه‌های مشترکی در زیرمجموعه قرارگاه‌های عمل‌کننده به وجود آمد. فرماندهان این‌گونه قرارگاه‌ها به عنوان «همتا» نامیده می‌شدند. هماهنگی بین فرماندهان تیپ به بالا تا حدودی به وجود آمد، ولی همان‌طور

که قبلاً گفته شد یگان‌های سپاهی و ارتشی هریک تحت فرماندهی سلسله مراتب خود بودند.

ه) قرارگاه کربلا در عملیات‌های مشترک (ادغامی) با یک لشکر ارتشی و عناصری از سپاه پاسداران یک قرارگاه عملیاتی تشکیل می‌داد، مانند قرارگاه نصر، قرارگاه فتح، قرارگاه قائم. یگان‌های ارتش و سپاه در سازمان رزم این-گونه قرارگاه‌ها منظور می‌شدند ولی به طور کلی تبعیت عملیاتی از یکدیگر نداشتند. البته در مواردی تبعیت‌هایی دیده می‌شد که بستگی به میزان تفاهم فرماندهان یگان‌ها با یکدیگر داشت.

۲- سازمان رزم در پدافند

سازماندهی رزم در پدافند تا پایان جنگ به عهده نیروهای ارتشی و برابر آئین‌نامه‌های عملیاتی انجام می‌شد، به استثنای مناطقی که سپاه پاسداران مسئولیت پدافندی را به عهده می‌گرفت.

تناسب ماهیت یگان در برش تاکتیکی و سازماندهی رزم

یکی از عوامل عمده در برش تاکتیکی و سازمان رزم تناسب و هم‌خوانی ساختار و ماهیت یگان‌های عمل‌کننده با مأموریت می‌باشد. با توجه به ساختار و ماهیت یگان‌های عمل‌کننده در نظر گرفتن این تناسب در جنگ تحمیلی با مشکلاتی مواجه بود.

در جنگ هشت‌ساله کاربرد کلیه یگان‌ها ماهیتی پیاده نظام داشت و به تدریج با توجه به نوع عملکرد سپاه، که با بهره‌مندی در بسیج دارای یگان‌های پیاده سبک بود، پیاده نظام قالب کلی جنگ را تشکیل داد و به همین علت حداکثر برد و عمق پیشروی ما در جنگ از ۲۰ تا ۲۵ کیلومتر تجاوز نکرد.

در چنین وضعیتی، سازمان رزم در عملیات آفندی و پدافندی حالتی یک‌نواخت داشت و تنها افزایش توان رزمی از نظر استعداد پرسنلی، قدرت آتش و سیستم‌های آماد و پشتیبانی در برش‌های تاکتیکی و سازمان رزم مورد توجه قرار می‌گرفت.

۱- یگان‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

از آنجایی که یگان‌های سپاه همواره دارای ماهیت پیاده نظام بودند، لذا برای انجام عملیات آفندی فقط برای مدت و عمق پیشروی محدود متناسب بودند. سپاه فاقد یگان زرهی و مکانیزه سازمانی بود. از عملیات ثامن‌الائمه به بعد با استفاده از تجهیزات غنیمتی (زرهی و توپخانه) و یا زیر امر گرفتن واحدهای توپخانه و زرهی ارتش، سازمان رزم خود را تشکیل می‌داد. کاربرد یگان‌های مأمور به سپاه، بستگی به شکل و روش خاص مورد نظر سپاه داشت و در هر عملیات متفاوت بود.

۲- یگان‌های پیاده نظام ارتش

ساختار پیاده نظام ارتش دارای ماهیتی بود که برای انجام انواع مأموریت‌ها در عملیات منظم (آفند، پدافند، حرکات به عقب) و نامنظم مناسب بود. این یگان‌ها در صورت بازسازی مستمر و تقویت برای مدت نامحدود قادر به ادامه عملیات بودند. یگان‌های پیاده نظام عنصر مؤثر در سازماندهی رزم بودند که قبلاً گفته شده است.

۳- یگان‌های پیاده مکانیزه ارتش

یگان‌های پیاده مکانیزه دارای ماهیت و ساختار یگان‌های پیاده می‌باشند و قادرند در مأموریت‌های مختلف مانند یگان‌های پیاده نظام شرکت کنند. در آغاز جنگ تحمیلی کمتر از ۲۰٪ یگان‌های مکانیزه از نظر تجهیزات به ویژه خودروی زرهی تکمیل شده بود، لذا همانند یگان‌های پیاده در سازمان رزم منظور می‌شدند.

۴- یگان‌های زرهی ارتش

یگان‌های زرهی از ساختاری برخوردارند که ماهیت و مأموریت ذاتی آنان شرکت در انواع مأموریت‌های آفندی (تک هماهنگ شده، استفاده از موفقیت، تعاقب) با استفاده از تحرک، آتش و ضربت می‌باشد.

یگان‌های زرهی ارتش در ابتدای جنگ تحمیلی با مشکلات نیروی انسانی و نیازهای تعمیراتی روبه‌رو بودند. در طول جنگ نیز محدودیت در جایگزینی تانک‌ها و تجهیزات آنان تشدید شد؛ به طوری که از سال سوم به بعد تا حدود زیادی عملاً ماهیت پیاده نظام پیدا کردند و به دلیل محدودیت‌ها، کمتر توانستند در عملیات آفندی از ماهیت زرهی (تحرک، آتش، ضربت) استفاده نمایند. لذا در مأموریت‌های پدافندی به صورت پیاده نظام و در بیشتر موارد عملاً نقش پشتیبانی آتش را برای پیاده نظام ایفا می‌کردند.

۵- یگان‌های ویژه

الف) تیپ ۵۵ پیاده هوابرد:

در عملیات آفندی به علت قرار داشتن هدف در عمق کم، ضعف کسب برتری هوایی و نامناسب بودن شرایط میدان نبرد، امکان استفاده از عملیات هوابرد وجود نداشت، لذا این یگان نیز به علت کمبود وسایل ترابری هوایی و سایر محدودیت‌های عملیاتی و استراتژیکی نتوانست در مأموریت ذاتی خود شرکت کند. لذا در جنگ تحمیلی، مانند یگان‌های پیاده نظام با تحرک زمینی در عملیات آفندی و پدافندی با عملکرد بسیار خوب شرکت داشت.

ب) نیروهای ویژه هوابرد (نوه‌د) و تکاور:

۱- نیروهای ویژه هوابرد (نوه‌د) در عملیات منظم به کار گرفته نمی‌شوند، ولی ضرورت‌های پیش‌بینی نشده و کمبودها این الزام غیراصولی را باعث می‌شد.

نیروهای ویژه هواپرد (نوه‌د) علاوه بر عملیات ویژه در منطقه کردستان در سایر مناطق مانند پیاده نظام در عملیات آفندی شرکت می‌کردند.

۲- نیروهای تکاور صرفاً مانند یگان‌های پیاده نظام در عملیات آفندی و پدافندی شرکت داشتند.

فرآیند تهیه طرح‌های عملیاتی

وظیفه ستاد مشترک ارتش تبیین مأموریت، تهیه طرح‌های عملیاتی و نظارت بر اجرای آن می‌باشد، ولی در جنگ تحمیلی به ویژه پس از تشکیل قرارگاه کربلا (در سال دوم) و قرارگاه خاتم‌الانبیاء (در سال چهارم) این وظیفه به عهده آنان واگذار و ستاد مشترک ارتش عملاً کنار گذاشته شده بود و در بیشتر موارد نظرات آن ستاد به صورت توصیه و راهنمایی‌های کلی ابلاغ می‌گردید. البته در زمان ریاست شهید فلاحی با حضور ایشان در جنگ، عمدتاً جبهه مرکزی در خوزستان توسط ایشان اداره می‌شد و پس از عزل ابوالحسن بنی‌صدر، اولین رئیس جمهوری اسلامی ایران از مقام فرماندهی کل قوا، رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی(ره) طی حکمی به شرح زیر اختیارات فرماندهی کل قوا را به سرلشکر فلاحی تفویض کردند:

بسم الله الرحمن الرحيم

تیمسار ولی فلاحی، جانشین رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلام ایران تا تعیین تکلیف جانشین فرماندهی نیروهای مسلح، ستاد مشترک مجاز است با استفاده از اختیارات مقام رهبری، مأموریت‌های محوله را انجام دهید.

روح‌الله الموسوی الخمینی - ۶۰/۳/۲۱

۱- قرارگاه کربلا (مشترک ارتش و سپاه)

فرماندهی نزاجا و فرماندهی سپاه در جلسات مشترک، نوع مأموریت و منطقه عملیات را تعیین و پس از تصویب شورای عالی دفاع به ستاد قرارگاه کربلا ابلاغ می‌کردند. ستاد قرارگاه پس از دریافت مأموریت با استفاده از روش‌های علمی نسبت به تهیه طرح کلی اقدام و در جلسات مشترک مأموریت و طرح کلی به فرماندهان قرارگاه‌های تابعه ابلاغ می‌شد. عناصر ستادی قرارگاه بر فعالیت قرارگاه‌های لشکری نظارت و اطلاعات تکمیلی را به آنان ارائه می‌کردند. عناصر فرماندهی و ستاد قرارگاه کربلا با حضور در قرارگاه‌های لشکری نسبت به طرح‌های تهیه شده یگان‌ها تا رده تیپ توجیه می‌شدند.

۲- قرارگاه مشترک لشکر

قرارگاه‌های لشکر متشکل از عناصر ارتش و سپاه با دریافت آخرین اطلاعات از عناصر اطلاعاتی نسبت به تهیه طرح و ابلاغ به قرارگاه‌های تیپی اقدام و ترتیب ذکرشده در قرارگاه کربلا را دنبال می‌کردند.

۳- قرارگاه مشترک در سطح تیپ

هریک از قرارگاه‌های تیپی ارتش و سپاه باتوجه به مأموریت واگذاری به طور جداگانه شناسایی‌ها را معمول و به طور هماهنگ طرح‌ها را تهیه و مأموریت یگان‌های تابعه (منطقه و محورهای عملیاتی) را مشخص و به آنان ابلاغ می‌کردند.

عناصر فرماندهی و ستاد قرارگاه تیپ فعالیت گردان‌های تابعه را برای تهیه طرح مانور و آتش، هدایت و با حضور در خط مقدم و دیدگاه‌های گردان از درک صحیح مأموریت و آمادگی آنان اطمینان حاصل می‌کردند. عناصر ستادی تیپ همواره در خط مقدم، بر فعالیت و چگونگی آماده شدن

گروهان‌ها و حتی دسته‌های مانوری نظارت و از استقرار عناصر آتش پشتیبانی مطمئن می‌شدند.

قرارگاه‌های تیپی پس از تکمیل طرح نسبت به تهیه طرح و ارسال به قرارگاه مشترک لشکری اقدام کرده و نظریات و نیازمندی‌های خود را ارسال می‌داشتند.

فرماندهان تیپ ارتش و سپاه هرگونه اختلافی در سازمان رزم، منطقه و محور عملیات، مانور، آتش پشتیبانی و سایر پشتیبانی‌ها را با مراجعه به قرارگاه رده بالاتر برطرف می‌کردند.

۴- تصویب طرح

هریک از قرارگاه‌های مشترک تیپی، لشکری پس از تکمیل طرح (با استفاده از طرح‌های هماهنگ‌شده یگان‌های تابعه) آن را به رده بالاتر ارسال و در نهایت به قرارگاه کربلا جهت بررسی نهایی و تصویب ارسال می‌داشتند. قرارگاه کربلا پس از بررسی‌های نهایی و هماهنگی‌های لازم با شورای عالی دفاع نسبت به تهیه طرح مشروح عملیات و ابلاغ به قرارگاه‌های تابعه اقدام می‌کرد.

هریک از قرارگاه‌ها تا زمان اجرای عملیات و دریافت ساعت و روز عملیات (س-ر) نسبت به جابه‌جایی‌های لازم عناصر رزمی، پشتیبانی رزمی، پشتیبانی خدمات رزمی، تشدید فعالیت شناسایی، آموزش و رفع نواقص اقدامات لازم را به عمل می‌آوردند.

چگونگی فرماندهی یگان‌های پیاده نظام در عملیات مشترک

۱- در قرارگاه‌های تیپی هدایت عملیات با فرماندهان ارتش و سپاه پاسداران به طور مشترک قرار داشت و در موارد بسیاری عملاً به طور مستقل انجام می‌شد.

۲- فرماندهی در رده‌های گردان در بعضی از عملیات‌ها به علت دستورات متفاوت با مشکلاتی مواجه می‌شد. علی‌رغم آنکه بعضاً دستور داده شده بود که فرماندهی با فرمانده گردان ارتش و معاونت با فرمانده گردان سپاه (در بعضی موارد هم بالعکس) باشد، ولی فرمانده گردان سپاهی و ارتشی هرکدام تلاش در بکارگیری و تسلط بر یگان دیگری داشتند، اما در نهایت هر فرمانده گردان عملاً یگان خود را هدایت می‌کرد.

۳- در سطح پایین‌تر فرماندهان گروهان ارتش و سپاه با همکاری کامل به فکر پیشرفت و موفقیت عملیات بودند. درواقع می‌خواستند از روحیه خط-شکنی نیروهای بسیج و تجهیزات و تخصص نیروهای ارتش استفاده مطلوب کنند.

ارزیابی فرماندهی مشترک

محاسن

- ۱- تعالی سپاه در کسب تخصص و دانش نظامی و پی‌بردن به اهمیت آن.
- ۲- هماهنگی تدریجی در قرارگاه‌های عمده، لشکرها و تیپ‌ها.
- ۳- ایجاد انگیزه رقابت مفید در نیروهای ارتش و سپاه.
- ۴- آگاهی از ارزش تعاون، وحدت و همدلی.
- ۵- تلاش در نزدیک کردن نگرش‌ها.
- ۶- افزایش استعداد و توان رزمی برای غلبه بر دشمن.
- ۷- تقویت و گسترش فرهنگ حماسه‌ایثار عاشورایی در سراسر جبهه‌ها توسط بسیج که پیروزی‌های فراوانی را باعث شد.
- ۸- واگذاری غنائم جنگی در جهت کاهش محدودیت آمادی (عمدتاً برای سپاه)؛

۹- بهره‌مندی از روحیه جسارت و شهادت‌طلبی همراه با هوشمندی عناصر اطلاعاتی سپاه و همین‌طور تشکیل گروه پشتیبانی اطلاعات رزمی و یگان‌های شناسایی ورزیده و شجاع در ارتش.

معایب

۱- عدم تطابق فکری عناصر ارتشی و سپاهی، به خصوص از سال سوم جنگ به بعد؛

۲- یکسان نبودن دانش و تخصص نظامی عناصر ارتش و سپاه و تأثیر منفی آن در بینش فرماندهی؛

۳- عدم روحیه همکاری و رسیدن به تفاهم به علت تغییر نگرش (یک امر مداوم نبود)؛

۴- یکسان نبودن استعداد سازمانی یگان‌های ارتش و سپاه؛

۵- نبود ستاد کارآمد در یگان‌های سپاه؛

۶- عدم همپایی دانش نظامی با روحیه ایثار و شهادت‌طلبی در سپاه و بسیج، در مواردی تأثیر منفی بر تصمیم‌گیری‌های عملیاتی (تاکتیکی و راهبردی) داشت و گاه بالاجبار به انجام عملیاتی خلاف اصول کلاسیک منجر می‌شد.

۷- در مواردی (گرچه به ندرت) احتیاط علمی بیشتر فرماندهان ارتش برای کاهش تلفات در یگان‌های ارتشی و عدم تطابق روحیه شهادت‌طلبی در قشر وظیفه نسبت به یگان‌های سپاه و بسیج مشکلاتی را در فرماندهی و یا انجام عملیات جسورانه باعث می‌شد.

۸- ضعف برقراری چانل‌های مخابراتی (آمادی، آتش، فرماندهی)؛

۹- عدم توانایی استفاده از آتش‌های پشتیبانی برابر طرح آتش تهیه شده به علت ضعف در آموزش همکاری رسته‌ها در نیروهای بسیجی؛

۱۰- ابراز منیت پس از هر پیروزی؛

۱۱- عدم وحدت فرماندهی در بعضی یگان‌های عملیاتی.

ابتکارات

۱- حداکثر بهره‌برداری از توان فکری، فیزیکی عناصر سپاهی و ارتشی و جهاد سازندگی؛

۲- بکارگیری نیروهای خط شکن و شهادت طلب بسیج در عبور از میادین مین و موانع دشمن و باز کردن معابر برای نفوذ به خطوط مقدم دشمن؛

۳- بکارگیری عناصر اطلاعاتی جسور سپاه برای کسب اخبار از زمین و دشمن. اخباری که روی نقشه و عکس هوایی نیز مخفی می‌ماند.

۴- حفر تونل زیرزمینی برای عبور از میادین مین دشمن توسط عناصر غیرنظامی داوطلب؛

۵- عبور از رودخانه‌ها با وسایل و تجهیزات ابتکاری از جمله طناب، چوب، وسیله‌ای به نام کلک (نوعی وسیله شناور بر روی آب) و نقاله به منظور توسعه سرپل‌ها؛

۶- اقدامات ابتکاری جهاد سازندگی در احداث جاده (مثل جاده رملی)، پل (مثل پل خیبر) و مواضع به ویژه مواضع پیش‌ساخته تعجیلی؛

۷- آماده به کار نمودن جنگ افزارها و امکانات و وسایل فرسوده و از رده خارج که در انبارها نگهداری می‌شد.

۸- جلب همکاری روحانیون در جهت برقراری و تقویت انضباط و ارتقاء روحیه ایثار و شهادت؛

۹- برنامه ریزی برای کنترل مصرف مهمات و صرفه‌جویی‌های لازم؛

طرح‌ریزی عملیات مشترک ارتش و سپاه ۷۳/

۱۰- تشکیل قرارگاه‌های تاکتیکی و قرارگاه‌های مقدم مشترک و مستقل در منطقه عملیات؛

۱۱- افزایش توان رزمی با تشکیل یگان‌های جدید در طول جنگ، بر اساس اصول شناخته‌شده نظامی؛

۱۲- ارائه آموزش به طور نامحسوس در جلسات ستادی قرارگاه‌ها به صورت استاد شاگردی به برادران سپاه و ارتش‌یانی که دوره دافوس را طی نکرده بودند.

۱۳- تشکیل مجتمع آموزشی توسط لشکرهای ارتش در منطقه عملیاتی به منظور ارتقاء سطح آموزش سربازان جدیدالتحويل و تربیت درجه‌دار وظیفه؛

۱۴- بکارگیری تیپ دانشجویان دانشگاه افسری در دو ماه اول جنگ در خرمشهر؛

۱۵- سازماندهی دو گردان پیاده سبک از مرکز پیاده شیراز (گد ۱۹۱) و مرکز آموزش کرمان (گد ۸۹۲) به طور موقت در سال اول جنگ و اعزام آنان به جبهه.

تجربیات

ارتش و سپاه تجربیات زیادی را در جنگ به دست آوردند. مسلماً تجربه حاصله سپاه در جنگ تحمیلی بیش از تجربه ارتش بود. این تجربیات عبارتند از:

۱- سپاه با هر آنچه آشنا می‌شد، برایش تازگی داشت و از آن بهره آموزشی و عملیاتی می‌گرفت. این امر می‌توانست به رشد تفکر منطقی در طراحی و سازماندهی سپاه کمک کند.

- ۲- ارتش با دارا بودن تجربه ۵۰ ساله برای اولین بار، تجربه جدیدی در همکاری با یک نیروی انقلابی کسب کرد.
- ۳- ارتقاء کیفیت سامانه اطلاعات رزمی ارتش (گپار، ارکان دوم، گشتی‌ها، دیده‌بان‌ها و عکس‌های هوایی) در همکاری و استفاده از عناصر اطلاعات رزمی سپاه به ویژه در سال اول جنگ.
- ۴- چگونگی بکارگیری نیروهای غیرنظامی به صورت ادغامی با نیروهای پیاده نظام ارتش.
- ۵- بالا بردن توان افزایش استعداد سازمانی یگان‌های پیاده با امکانات موجود، مانند: تبدیل تیپ‌های مستقل به لشکر، تشکیل تیپ‌های چهارم لشکری، افزایش استعداد پرسنلی گردان‌ها (تقریباً ۱۲۰۰ نفر) و همچنین تشکیل یگان‌های آتش با خط سیر منحنی در گردان در حد یک گروهان خمپاره انداز.
- ۶- کاربرد سلاح‌های ضدهوایی در خطوط مقدم پدافندی توسط یگان‌های پیاده نظام؛ استقرار مواضع تیر یگان‌های توپخانه در نزدیک‌ترین فاصله به خط مقدم یگان‌های پیاده به منظور استفاده از برد بیشتر در حداقل زمان.

بخش چهارم

عملکرد پیاده نظام در جنگ تحمیلی

نقش نیروهای پیاده نظام در عملیات

در دوران دفاع مقدس در صحنه‌های نبرد زمینی، نیروهای پیاده نظام (ارتشی و سپاهی) نقش محوری نسبت به سایر یگان‌ها به عهده داشتند و بیشترین موفقیت‌ها مرهون تلاش، ایثار و فداکاری این نیروها بوده است. در این بخش نقش پیاده نظام در متوقف کردن و تثبیت دشمن در آغاز تجاوز، پدافند، آزادسازی مناطق اشغالی و در نهایت تعقیب دشمن در شش سال پایانی جنگ مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌گیرد.

البته نقش نیروی هوایی و دریایی ارتش جمهوری اسلامی که در عملیات‌های تاکتیکی و راهبردی شرکت داشتند، از اهمیت فراوانی برخوردار بوده که شرح آن مورد بحث این نوشتار نمی‌باشد و ان شاء الله پیش‌کسوتان و اهل قلم در نیروهای مزبور به تبیین اقدامات مربوطه همت خواهند گمارد.

مراحل جنگ تحمیلی

مراحل جنگ تحمیلی، نوع عملیات، اهداف و مدت اجرای هر مرحله برابر جدول زیر می‌باشد:

جدول (۴)

ردیف	مرحله	نوع عملیات	اهداف عملیات	مدت اجرا (ماه)
۱	یکم	مقابله با تجاوز دشمن	متوقف کردن و تثبیت دشمن	۲
۲	دوم	پدافند	احراز آمادگی، جمع‌آوری اطلاعات، طرح‌ریزی	۱۰
۳	سوم	آفند	دفع تجاوز و آزادسازی سرزمین‌های اشغالی	۸
۴	چهارم	آفند و پدافند	تنبیه متجاوز و حفظ مرز	۷۴

وضعیت عمومی

قبل از تشریح عملکرد نیروهای پیاده نظام لازم است وضعیت عمومی نیروهای دشمن (عراق) و خودی (جمهوری اسلامی ایران) قبل از تهاجم شرح داده شود.

۱- نیروهای دشمن

عراق به بهانه ناعادلانه بودن مفاد قرارداد تعیین خطوط مرزی ۱۹۷۵ الجزایر، روز ۱۳۵۹/۶/۳۱ رسماً جنگ را با جمهوری اسلامی ایران آغاز کرد. عراق پس از تهاجم گسترده هوایی با ۱۹۲ فروند هواپیمای شکاری به شهرها و مراکز حیاتی کشور، با ۱۲ لشکر و ۱۵ تیپ مستقل در طول مرزهای غربی کشور از خرمشهر در استان خوزستان تا باویسی در استان کرمانشاه تهاجم زمینی را آغاز کرد (نقشه شماره ۱).

۲- نیروهای خودی

با توجه به شرایط و اوضاع سیاسی بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و وجود بحران‌های سیاسی و اجتماعی، ارتش بنا به مصالح و ضرورت انقلاب در صدر تغییر و تصفیه قرار گرفت.

قبل از انقلاب ارتش ایران از قوی‌ترین ارتش‌های منطقه به شمار می‌رفت، ولی بعد از انقلاب به علل زیر توان رزمی خود را تا حدود زیادی از دست داد:

الف- کنار گذاشتن کلیه فرماندهان و رؤسا از رده سرتیپی به بالا و اکثر متخصصین اطلاعاتی، عملیاتی، آماد و پشتیبانی، فنی و...

ب- کاهش شدید انضباط به علت گسسته شدن سلسه مراتب فرماندهی.

ج- تقلیل استعداد نیروی انسانی به علت کاهش مدت خدمت سربازی.

د- درگیر شدن یک‌سوم از استعداد باقیمانده ارتش در مبارزه با ضدانقلاب در مناطق گرگان، کردستان، آذربایجان غربی، کرمانشاه و خوزستان.

هـ - کاهش روحیه و تضعیف روانی بر اثر دخالت افراد ناآگاه و مغرض داخلی.

با توجه به شرایط فوق، آن ارتش قوی در محاسبات دشمنان به قدری ضعیف شده بود که کارشناسان آن را یکی از انگیزه‌های عراق برای تهاجم به ایران برشمردند. چنانچه نفس مسیحیایی امام(ره) و پشتیبانی ایشان از ارتش نبود، احتمالاً ارتش نمی‌توانست از عهده مأموریت و رسالت خویش در دفاع از کشور و انقلاب برآید و عراق موفق به تصرف خوزستان و بخشی از سرزمین‌های غرب کشور می‌شد.

نیروی زمینی ارتش شامل ۴ لشکر زرهی و ۴ لشکر پیاده و ۴ تیپ مستقل پیاده و یک تیپ مستقل زرهی (-) با استعداد و آمادگی رزمی بیش از ۹۰٪ (قبل از انقلاب) به استعدادی معادل ۵۰٪ و آمادگی رزمی طبقه ۳ تبدیل شده بود. به طوری که استعداد هر لشکر در حد یک تیپ و استعداد هر تیپ در حد یک گردان تقلیل یافته بود. برای نمونه کسری نیروی انسانی لشکر ۹۲ زرهی در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۱۶ بالغ بر ۱۰۹۱۹ نفر (حدود ۵۰٪) گزارش شده است.^۱ سایر یگان‌ها نیز کم و بیش وضعیت مشابهی داشتند، اما با توان فوق توانستند وظایف خود را با ایثار و فداکاری و تحت رهبری حضرت امام(ره) به خوبی انجام دهند و دشمنان داخلی و خارجی را ناکام سازند.

۳- آخرین وضعیت گسترش نیروهای خودی در مرز

عدم باور ملی به تهدید خارجی به ویژه در مسئولین سیاسی، نظامی و انقلابی درون حاکمیت و فقدان نهاد اطلاعاتی قوی، باعث شده بود که قدرت بازدارندگی کشور به شدت تقلیل یافته و برای درهم شکستن حمله عراق فقط دو لشکر ۸۱ و ۹۲ زرهی و یک گروه رزمی در خط مرز ۱۳۰۰ کیلومتری استقرار داشتند.

همچنین نیروهای ژاندارمری که به عنوان نیروی تأمینی، وظیفه حفاظت و پوشش از پاسگاه‌های مرزی را به عهده داشتند، وضعیت بهتری از لشکرهای ارتش نداشتند، لذا تقویت نیروهای ژاندارمری ابتدا توسط نیروهای مردمی که مجهز به جنگ‌افزارهای سبک انفرادی و اجتماعی بودند انجام شد

۱. سرتیپ ۲ ستاد نصرتاله معین‌وزیری، تحلیلی بر وقایع صحنه عملیات خوزستان در سال اول جنگ، تهران، سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، ۱۳۸۵، ص ۳۰.

و با تشدید بحران، لشکر ۹۲ و ۸۱ زرهی نیز نیروهای موجود خود را به صورت گروه، دسته یا گروهان در منطقه جنوب و غرب در تقویت پاسگاه‌های ژندارمری در طول خط مرز تقسیم کردند.

با چنین استعداد، تفرقه، پراکندگی و نبود هدایت مرکزی از طرف رده‌های بالاتر، گردان‌های مستقر در مرز بر حسب حوادث روز با ایشار و ایستادگی عملیات را اداره می‌کردند. ضمن اینکه دو لشکر فوق‌الذکر قریب به نیمی از استعداد رزمی خود را در مبارزه با ضدانقلاب به منطقه غرب و شمال‌غرب اعزام کرده بودند.

تاکتیک نیروهای ایران

با توجه به تهاجم گسترده زمینی عراق و با بررسی اسناد، مدارک و خاطرات کتبی و شفاهی، چنین به نظر می‌رسد که یگان‌های مستقر در خط مرز (پاسگاه‌های مرزی) به علت عدم توازن نیرو، و فشار دشمن، مقاومت را با ترکیبی از دو نوع عملیات حرکات به عقب، یعنی عقب‌نشینی تحت فشار دشمن (اجباری)، و عملیات تأخیری به مورد اجرا گذاشتند. این اقدام در حالی بود که هیچ‌گونه طرحی برای این اقدام تاکتیکی از قبل پیش‌بینی نشده بود.

نیروهای پیاده نظام (ارتش، ژندارمری، نیروهای مردمی) و زرهی که فاقد توان رزمی لازم و متناسب با دشمن بودند، طبق قواعد اساسی رزم که بایستی طراحی متمرکز و اجرا غیرمتمرکز باشد، بالاجبار طراحی و اجرا را توأماً به طور غیرمتمرکز اجرا و بر حسب موقعیت تصمیم‌گیری می‌کردند.

مضافاً اینکه در آخرین دستور به یگان‌های درگیر، اختیار تصمیم‌گیری به آنان محول شده بود^۱

اجرای تاکتیک عملیات تأخیری و عقب‌نشینی مستلزم داشتن مواضع متوالی یا متناوب در عمق می‌باشد. استفاده از این مواضع برای کند کردن حرکات دشمن، گسترش مداوم و زودهنگام وی به منظور ایجاد حداکثر تأخیر در پیشروی دشمن می‌باشد که بایستی از قبل تهیه و آماده شده باشد.

مرحله یکم: متوقف کردن دشمن (دو ماه اول جنگ)

تهاجم عراق به گونه‌ای غافلگیرانه از نظر سیاسی در سراسر مرز آغاز شد که نه فقط فرصت طراحی برای رده‌های بالا وجود نداشت، بلکه اصولاً رده‌های بالای سیاسی به دلیل عدم باور ملی به تهدید عراق فاقد آمادگی و بازدارندگی بودند. مسئولین سیاسی معتقد بودند که اکثریت مردم عراق شیعه هستند و حاضر به جنگ با ایران اسلامی نبوده و از صدام تبعیت نخواهند کرد.

همچنین با توجه به ضعف ارتش عراق در گذشته و قدرت سابق ارتش ایران، مسئولین ارتش نیز از قبل به فکر تهیه نیازمندی‌های طرح عقب‌نشینی و عملیات تأخیری نبودند.

لازم به ذکر است که طرح پدافندی (طرح ابوذری) که سه ماه قبل از جنگ تهیه شده بود نیز عملاً قابلیت اجرایی نداشت.^۲ لذا در هر یک از مناطق نیروها با توکل به خداوند متعال، ابتکار و خلاقیت ذاتی، عملیات عقب‌نشینی را به طور غیرمتمرکزی اجرا کردند.

۱. سرتیپ ۲ ستاد نصرت‌اله معین وزیری، همان، ص ۵۶.

۲. سرهنگ ستاد یعقوب حسینی، جبهه جنوب در شهریور ۵۹، تهران، هیئت معارف جنگ، ۱۳۸۴، ص ۹۲.

نیروی هوایی و نیروی دریایی تا حدود زیادی توانستند به خوبی از طرح‌های تهیه شده قبل از انقلاب در اوایل جنگ بهره گیرند که شرح و تفسیر آن مربوط به این نوشتار نیست.

نیرویی که در هر یک از محورها وجود داشت فقط می‌توانست به عنوان نیروی پوشش برای عقب‌نشینی رده بالاتر مفید باشد؛ در حالی که رده بالاتری وجود نداشت و استعداد موجود بایستی به عنوان نیروی پوششی (تأمینی)، نیروی فریب تاکتیکی و همچنین عمده قوا کلیه نیازهای تاکتیکی و عملیاتی خود را برطرف سازد، که این کار صرفاً با توکل به خداوند، ایثار رزمندگان و درایت و دانش فرماندهان رده گردان و تیپ، تا حدودی انجام شد.

عملکرد نیروهای ایران و عراق

نیروهای عراق پس از برخورد با مقاومت ایثارگران رزمندگان اسلام و قرارگرفتن زیر آتش پشتیبانی زمینی و هوایی نیروهای ایران متوقف و برای تقلیل تلفات پراکنده می‌شدند و زمانی را صرف سازمان‌دهی و ادامه پیشروی مجدد می‌کردند. نیروهای خودی با هر توقف دشمن در فرصت‌های بدست آمده با تهیه مواضع تعجیلی و استفاده از آتش توپخانه، هوانیروز، نیروی هوایی و سایر امکانات موجود به پدافند تعجیلی پرداخته و حداکثر تأخیر را در پیشروی دشمن ایجاد می‌کردند.

نیروهای ایران با کُند کردن سرعت پیشروی دشمن و گسترش اجباری آنان خود را برای مقابله دوباره آماده می‌کردند.

این اقدامات را می‌توان تماماً حاصل ابتکار، خلاقیت، ایثار و فداکاری رده‌های گروه، دسته، گروهان و گردان دانست، که با وجود فقدان سیستم ارتباطی لازم، زمین را به خوبی می‌شناختند، از توان خود آگاهی داشتند و اعتقاد داشتند دشمن هر قدر قوی باشد، متجاوز است و بایستی به مدد

خداوند متعال و نیروی ایمان، از وجب به وجب خاک مقدس کشورشان دفاع و حداکثر تلفات را به دشمن وارد کنند.

سرانجام دشمن با تمامی تلاشی که به عمل آورد حداکثر در دهه اول آبان‌ماه ۱۳۵۹ در تمامی جبهه‌ها مجبور به توقف شد و از ادامه پیشروی بازماند. بدین ترتیب راهبرد نظامی صدام مبنی بر تسخیر سه روزه خوزستان و ساقط کردن جمهوری اسلامی ایران در مدت یک هفته به شکست قطعی منجر شد. تحلیل مرحله یکم (متوقف کردن دشمن)

۱۹ ماه بعد از انقلاب، یعنی در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۳۱ جنگ آغاز شد، نیرویی که بتواند مقابل ارتش تا دندان مسلح عراق را در خطوط مرزی متوقف کند وجود نداشت. یگان‌های ژاندارمری علاوه بر اینکه دارای چنین مأموریتی نبودند، آمادگی رزمی لازم را نیز برای این امر نداشتند. نیروهایی که حضور داشتند از توان رزمی لازم حتی برای پوشش نیز برخوردار نبودند. لیکن با ایثار و مقاومت مثال‌زدنی در مقابل دشمن ایستادند.

دشمن در خوزستان پیشروی کرده بود که به شهرهای اندیمشک و دزفول و ارتفاعات شمالی آن برسد و استان خوزستان را از شمال محاصره نماید و همچنین در جنوب خوزستان اروندرود را تصرف کند و خود را به بندر ماهشهر برساند. بدین ترتیب علاوه بر محاصره کامل خوزستان، می‌توانست منطقه بیشتری از سواحل خلیج همیشه فارس را در اختیار گرفته و استان خوزستان را به نفع خود مصادره کند.

در غرب نیز تلاش داشت تا هرگونه تهدید احتمالی علیه بغداد و شهرهای مرکزی عراق را در داخل خاک ایران خنثی نماید و در نهایت با تجزیه خوزستان نظام نوپای جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار داده و ساقط نماید.

علاوه بر آن، عراق برای پشتیبانی از عملیات تهاجمی در منطقه جنوب و غرب در منطقه شمالغرب نیز با پشتیبانی از عناصر شورشی کرد، استعدادی بیش از دو لشکر (لشکرهای ۲۸ و ۶۴ و حداقل دو تیپ) ایران را درگیر کرده بود.

در این وضعیت آنچه از ارتش باقی مانده بود با جنگ افزار سبک و ضدتانک به صورت یگان‌های پیاده نظام با بهره‌گیری از نیروهای مردمی و پشتیبانی یگان‌های توپخانه، نیروی هوایی، دریایی و هوانیروز قهرمان، توانستند نقش ارزنده‌ای در متوقف کردن دشمن ایفا کنند. در این مرحله، یگان‌های زرهی از لشکرهای ۸۱ و ۹۲ زرهی و تیپ ۳۷ زرهی که مأموریت پیاده نظام را نیز انجام می‌دادند و تعدادی گردان‌های پیاده اعزامی از لشکرهای ۷۷، ۲۱، تیپ ۸۴ خرم‌آباد، تکاوران نیروی دریایی و دانشجویان دانشکده افسری توانستند پیشروی ۱۲ لشکر عراق را ابتدا کند و سپس او را بدون آنکه بتواند به یکی از اهداف راهبردی و حتی تاکتیکی‌اش خود برسد متوقف و زمین گیر کنند.

بدین ترتیب فرصت‌های لازم برای آنکه مسئولین حکومت جمهوری اسلامی ایران بتواند نیروها را سازمان‌دهی، جمع‌آوری و به سوی جبهه‌ها گسیل دارند فراهم شد تا برای بیرون راندن دشمن از خاک وطن آماده شوند. جنگ فرصتی بود که نیروهای نظامی توانستند دین خود را به اسلام، انقلاب، جامعه اسلامی و ملت ایران ادا نمایند و با پشتیبانی ملت بزرگوار ایران و رهبری حضرت امام خمینی(ره) و کمک سایر مسئولین دلسوز در حراست از مام میهن تلاش نمایند. بنابراین دو ماه اول جنگ نه مایه شرمساری، بلکه یکی از درخشان‌ترین برهه‌ها در تاریخ ارتش کشور است که با توان موجود توانست دشمن را متوقف کرده و در اهداف راهبردی خود مجبور به شکست کنند. لذا بایستی شرح آن را با طلا نوشت و یاد آن دلیرمردان را گرامی داشت.

مرحله دوم: عملیات پدافندی (سال اول)

پس از متوقف کردن دشمن، عملیات پدافندی فرصتی بود که مسئولین کشور به فکر مدیریت جنگ باشند و فرماندهان در کلیه رده‌ها به وضعیت جبهه‌ها سر و سامان دهند و از اندوخته‌های علمی و تجربی در جهت منطقی کردن نبرد با دشمن استفاده کنند. در این مرحله نیز نیروی پیاده نظام اعم از نیروهای ارتش، بسیج داوطلب مردمی نقش اصلی را بر عهده داشتند.

اقدامات آمادگی در شرایطی صورت گرفت که نیروهای ارتش در زیر بمباران هوایی و توپخانه دشمن اقدام به سازمان‌دهی، گسترش و آرایش خطوط پدافندی کردند. این فعالیت‌ها در حالی بود که فرماندهان از رده گردان به پایین آموزش‌های تخصصی رسته‌ای را طی کرده و تجربه عملیاتی رده مربوطه را قبلاً کسب کرده بودند.

یگان‌های ارتش اعم از پیاده نظام، پیاده مکانیزه، زرهی مستقر در خط پدافندی به منظور بالا بردن توان رزمی و نشان دادن عزم و اراده خود در سرکوبی نیروهای متجاوز اقدامات زیر را به عمل آوردند.

۱- تکمیل سازمان از نظر نیروی انسانی و تجهیزات؛

۲- تهیه و اجرای برنامه‌های بازسازی، بازآموزی و تعمیر و نگهداری؛

۳- کنترل حرکات دشمن و کسب اطلاعات لازم برای تهیه طرح‌های

تهاجمی؛

۴- جلو کشیدن خطوط پدافندی و توسعه سرپل‌ها با عبور ابتکاری از

رودخانه‌ها؛

۵- وارد آوردن خسارت و تلفات به دشمن؛

۶- تهیه بررسی‌های ستادی و طرح‌های آفندی.

علاوه بر اقدامات فوق، نیروهای مستقر در خط پدافندی به منظور تکمیل اطلاعات و پی بردن به واکنش‌های دشمن و ارزیابی توان رزمی او با استفاده از اصل آفند در پدافند طرح‌های تک محدود (شناسایی با رزم) را تهیه و اجرا کردند.

اجرای عملیات فوق اکثراً در سطح گردان و تیپ طراحی و اجرا می‌شد. رده بالاتر طرح‌های تهیه شده را تصویب و تأمین نیازمندی‌ها را به عهده داشتند.

در سال اول جنگ تحمیلی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حال سازمان‌دهی و جذب نیروهای بسیج مردمی بود. بیشترین عناصر سپاه در کردستان و آذربایجان غربی به همراه لشکرها و یگان‌های پیاده ارتش مشغول مبارزه با ضدانقلاب بودند.

در تمامی عملیات پدافندی و آفند سال اول جنگ نیروهای داوطلب مردمی به صورت گروه‌ها و یگان‌هایی با استعدادهای متفاوت بین ۱۰ الی ۱۰۰ نفر به عنوان نیروهای مردمی با نیروهای ارتش همکاری می‌کردند که پس از سازمان‌دهی سپاه پاسداران جذب این نهاد شدند.

عملیات شاخص سال اول

در سال اول جنگ هشت عملیات شاخص آفندی و پدافندی زیر در منطقه جنوب و غرب کشور اجرا شد که هر یک نقطه عطفی در سال اول جنگ محسوب شده و دارای اثرات راهبردی مهمی بودند:

۱- عملیات دفاع از خرمشهر (۵۹/۶/۳۱ تا ۵۹/۸/۲)

تکاوران دریایی نیروی دریایی از ۵۹/۷/۵ و دانشجویان دانشکده افسری از ۷/۴ وارد خرمشهر شدند و به رزمندگان پیاده نظام گردان ۱۵۱ دژ و

عنصری از لشکر ۹۲ زرهی پیوستند و با پشتیبانی نزدیک نیروی هوایی پس از ده روز مقاومت پیشروی دشمن به شهر خرمشهر را در حد فاصل مرز شلمچه تا خرمشهر به تأخیر انداختند. سپس با کمک گروه‌های مردمی اعزامی از نقاط مختلف، گروه فدائیان اسلام، نیروهای مردمی خرمشهر و آبادان توانستند با جنگ تن به تن و خیابانی سقوط خرمشهر را به مدت ۳۴ روز به تأخیر اندازند.

۲- عملیات آفندی شمال آبادان (۱۳۵۹/۸/۳)

گردان ۱۴۴ پیاده لشکر ۲۱ پیاده با عملیات آفندی توانست پیشروی نیروهای عراق را قبل از نزدیک شدن به جزیره آبادان به مدت ۴۸ ساعت به تأخیر اندازند و فرصت لازم برای ورود گردان ۱۵۳ پیاده از لشکر ۷۷ پیاده را به آبادان از طریق راه زمینی، دریایی و هوایی فراهم نمایند. این گردان با ورود به جزیره آبادان در جلوگیری از محاصره شدن کامل آبادان نقش سرنوشت‌سازی داشت.

عملیات آفندی گردان ۱۴۴ پیاده یک عملیات جسورانه و استشهادی بود، به گونه‌ای که این گردان تلفات و خسارات سنگینی (در حدود ۵۰ درصد) از نظر نیروی انسانی و تجهیزات را متحمل گردید و رساندن نیرو به آبادان را تحقق بخشید.^۱

۳- عملیات آفندی کوی ذوالفقاری (۱۳۵۹/۸/۸)

نیروهای دشمن پس از رسیدن به ساحل شرقی رودخانه بهمن شیر اقدام به عبور از رودخانه برای محاصره کامل آبادان کردند.

۱. سرتیپ فرض... شاهین‌راد، گردان ۱۴۴ در نبرد آبادان، تهران، ایران سبز، ۱۳۸۰، ص ۱۳۷.

گردان ۱۵۳ پیاده لشکر ۷۷ پیاده، عناصر باقیمانده رزمندگان گردان ۱۵۱ دژ و گردان تکاوران دریایی، گروه فدائیان اسلام و نیروهای مردمی آبادان^۱ در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۸ با جسارت و شجاعت در عملیاتی خودجوش با هدایت ستاد عملیاتی آبادان توانستند نیروهای در حال عبور دشمن از رودخانه بهمن‌شیر را در منطقه کوی ذوالفقاری منهدم و مجبور به عقب‌نشینی نمایند. عملیات رزمندگان پیاده نظام، آبادان را از محاصره کامل دشمن نجات داد.

۴- عملیات آفندی سوسنگرد (۱۳۵۹/۸/۲۸)

رزمندگان لشکر ۹۲ زرهی، رزمندگان گروه شهید چمران، عناصری از تیپ دانشجویان دانشکده افسری و نیروهای مردمی شهرهای سوسنگرد و اهواز توانستند بخش‌های تصرف شده سوسنگرد را آزاد و نیروهای متجاوز را مجبور به عقب‌نشینی کنند. این عملیات موجب رفع تهدید شهر اهواز از محور سوسنگرد - اهواز شد.^۲

۵- عملیات آفندی خوارزم (میمک) (۱۳۵۹/۸/۱۹)

ارتفاع میمک در منطقه عملیاتی غرب همواره مورد اختلاف دو کشور ایران و عراق قرار داشت و بخشی از آن در آغاز جنگ تحمیلی به اشغال دشمن درآمده بود. رزمندگان پیاده مکانیزه و زرهی از تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی، یک گردان پیاده از سماجا، رزمندگان گردان نیروهای ویژه، رزمندگان «ایل خزل» با انجام عملیات آفندی توانستند ارتفاع میمک را از اشغال نیروهای عراقی خارج و آن را آزاد کنند. ضمناً ۷ عملیات محدود آفندی دیگر در

۱. فرماندهی ستاد عملیاتی آبادان در آن زمان را سرهنگ توپخانه نصیر شکرریز معاون دانشکده افسری بر عهده داشت.

۲. این عملیات با تأکید و پیگیری حضرت آیت الله خامنه‌ای (مقام معظم رهبری) مبنی بر اجرای عملیات انجام شد.

منطقه عملیاتی غرب شامل عملیات کلینه و سید صادق (۱)، عاشورا، کلینه و سید صادق (۲) تنگه حاجیان، چغالوند، بازی دراز (۱)، بازی دراز (۲) در سال اول و والفجر ۷ (مطلع الفجر) در سال دوم علیه دشمن اجرا شد.

عملیات آفندی نیمه گسترده سال اول جنگ

در سه ماهه اول سال اول جنگ سه عملیات نسبتاً بزرگ در جنوب کشور علیه دشمن برابر جدول شماره ۱ اجرا شد. یک عملیات توسط لشکر ۲۱ پیاده و دو عملیات توسط لشکر ۱۶ زرهی و تیپ ۳۷ زرهی انجام شد، ولی هر سه عملیات ماهیت عملیات زرهی داشتند، زیرا تیپ عمل‌کننده لشکر پیاده نیز با بکارگیری سه گردان زرهی عملاً تبدیل به تیپ زرهی شده بود. سه عملیات مذکور به دلایلی که متعاقباً ذکر خواهد شد به تحقق اهدافی دستور عملیاتی نائل نشدند، ولی با اجرای این سه عملیات به دشمن اجازه پیشروی بیشتر داده نشد، ضمن اینکه اطلاعات لازم از گسترش و تاکتیک دشمن به دست آمد و همچنین ثابت شد چنانچه در طراحی یک عملیات هماهنگ و کلاسیک به علم، تخصص و اصول جنگ توجه نگردد، روش کلاسیک را نمی‌توان ناکارآمد تلقی کرد، بلکه بی‌توجهی به عوامل ذکرشده موجب ناکارآمدی آن می‌شود.

در این راستا تقدیم شهدا و جانبازانی از ارتش و سپاه، روحیه شهادت‌طلبی، ایثار و میل جنگجویی رزمندگان به رخ جهانیان کشیده شد و دشمن از عزم راسخ جمهوری اسلامی در بیرون کردن نیروهایش از مناطق اشغالی واقف شد.

عملکرد پیاده نظام در جنگ تحمیلی / ۸۹

جدول (۵) عملیات آفندی بزرگ در سال اول جنگ تحمیلی

ردیف	نام عملیات / تاریخ / یگان عمل کننده	پیاده مکانیزه (گردان)				گردان مانوری دشمن	نسبت توان رزمی	اهداف عملیات
		نوع	ارتش	مردمی	جمع			
۱	۲۳ مهر ۱۳۵۹ لشکر ۲۱ پیاده نقشه (۲)	پیاده	۴	-	۴	۱۱۷	دشمن چهار برابر خودی	آزادسازی غرب دزفول، خارج کردن شهرهای دزفول، اندیمشک، شوش از برد توپخانه دشمن و تأمین گذرگاههای واقع بر روی ارتفاعات تینه به وسعت تقریبی ۲۴۰۰ کیلومترمربع
		زرهی	۳	-	۳			
		جمع	۷	-	۷			
۲	عملیات نصر ۱۳۵۹/۱۰/۱۵ لشکر ۱۶ زرهی نقشه (۳)	پیاده	۳	۲	۵	۲۱۹	دشمن دو برابر خودی	آزادسازی منطقه جنوب اهواز، آزادسازی پادگان حمید- و تأمین خط مرز در کوشک و طلائی و در مرحله دوم آزادسازی تمامی جنوب خوزستان و خرمشهر به وسعت تقریبی ۵۶۰۰ کیلومترمربع
		زرهی	۷	-	۷			
		جمع	۱۰	۲	۱۲			
۳	عملیات توکل ۱۳۵۹/۱۰/۲۰ تیپ ۳۷ زرهی نقشه (۴)	پیاده	۲	-	۲	۲۱۸	دشمن سه برابر خودی	آزادسازی شرق کارون و خارج کردن آبادان از محاصره در مرحله اول و در مرحله دوم با کمک تیپ ۲ پیاده لشکر ۷۷ آزاد کردن خرمشهر و تأمین مرز در منطقه شلمچه به وسعت تقریبی ۱۷۰۰ کیلومترمربع
		زرهی	۴	-	۴			
		جمع	۶	-	۶			

۱. سر تیپ ۲ ستاد نصر تاله معین وزیری، همان، ص ۲۹۴.

۲. همان، ص ۲۹۵.

۳. سرهنگ مجتبی جعفری، اطلس نبردهای ماندگار، مرکز پژوهشهای دفاع مقدس نزاجا، ۱۳۸۴، ص ۴۰.

توضیح آنکه از ۴ گردان پیاده لشکر ۲۱ پیاده ۳ گردان به علت ناآشنایی با منطقه نتوانستند حتی به مواضع تک برسند، لذا تیپ ۱ عملاً با یک گردان پیاده و ۳ گردان زرهی با استعداد ۵۰٪ اقدام به عملیات کرد. نتیجه‌ای که از سه عملیات آفندی سال اول به دست آمد، همان نتایجی است که می‌توان از عملیات «شناسایی با رزم» به دست آورد. اطلاعاتی که از دشمن به دست آمد و در طرح‌های آفندی سال دوم مورد بهره‌برداری قرار گرفت، عبارتند از:

- ۱- گسترش دقیق دشمن؛
- ۲- تاکتیک پدافندی دشمن؛
- ۳- توانائی‌های دشمن به ویژه توانائی ضدزره؛
- ۴- قدرت رهبری و فرماندهی نیروهای عراقی در عکس‌العمل و اتخاذ تصمیمات تاکتیکی؛
- ۵- توان پاتک و زمان اجرای آن؛
- ۶- پی بردن به ضعف نیروهای خودی در تک روزانه و انتخاب خط مشی تک شبانه به منظور غافلگیری و رعایت کمبود گلوله‌های توپخانه و مقابله با پاتک‌های دشمن؛

دلایل عدم موفقیت برخی از عملیات آفندی سال اول جنگ^۱

- ۱- نابرابری نیروهای خودی و دشمن؛
- ۲- فشار بیش از حد مطالبات ملی که توسط مسئولین برای تسریع در مقابله با دشمن بدون توجه به میزان آمادگی، توانایی و امکانات موجود به ارتش وارد می‌شد؛
- ۳- حالت انفعالی فرماندهان و مسئولین نظامی به دلیل شرایط بحرانی انقلاب و جوّ حاکم بر آنان موجب پذیرش مأموریت‌ها می‌شد، بدون آنکه

۱. سرتیپ ۲ ستاد علی محمد سالارکیا، پیشنازان غرب کرخه، تهران، ایران سبز، ۱۳۸۰، ص ۱۱۴.

موانع و رفع نیازها برای مقامات ارشد حکومتی تبیین گردد. البته شور ملی و غیرت دینی خود رزمندگان هم که می‌خواستند هرچه سریع‌تر دشمن را از ایران اسلامی بیرون کنند این فشار را بر فرماندهان مضاعف می‌کرد.

۴- طراحی عجلانه یگان‌ها که بر حسب وظیفه و تکلیف در شرایط و فضای حاکم آن روز به طرح‌ها و دستورات عملیاتی تبدیل می‌شد. به دلایل مختلف از جمله عدم رعایت اصول جنگ و ملاحظات و قواعد اساسی رزم موجب ناکامی عملیات می‌شد. البته این موضوعی نبود که طراحان و مجریان قبل از شروع عملیات به آن آگاهی نداشته باشند.

۵- کاربرد یگان‌ها به صورت جزء به جزء در مناطق مختلف (شکسته شدن ساختار سازمانی) و همین‌طور درگیر بودن قسمتی از یگان‌ها در مقابل با ضداتقلاب در مناطق مختلف.

امروزه پس از ۳۲ سال با در نظر گرفتن شرایط انقلاب و نیاز به نشان دادن عزم نظام نوپای اسلامی برای مقابله با هرگونه تجاوز نمی‌توان در مورد تصمیمات اتخاذ شده آن زمان با دید منفی قضاوت کرد. نمی‌توان توقع داشت که مسئولین نظام، ارتش و دیگر نیروهای مسلح امر دفاع و بیرون راندن دشمن را متوقف و آن را موکول به حصول همه شرایط و امکانات لازم و ایده‌آل نمایند و این واجب شرعی و ملی را به دلیل فقدان امکانات و شرایط لازم به تأخیر اندازند.

عملیات‌های مذکور هرگونه ایده و اندیشه ادامه تجاوز و پیشروی را از دشمن سلب کرد و او را در لاک دفاعی فرو برد و در نهایت انگیزه تهاجمی او را به شدت تقلیل داد. متقابلاً اراده ملی ایران را بر بیرون راندن دشمن در کوتاه‌ترین زمان و با کمترین امکانات به رخ او کشید و راهبرد تهاجمی او را به راهبرد دفاعی تغییر داد.

مرحله سوم: عملیات آفندی (سال دوم جنگ)

در سال دوم جنگ با به دست آوردن اطلاعات کامل از توانائی‌های دشمن، شناسایی منطقه عملیات توسط کلیه رده‌ها، احراز آمادگی، بالا بردن توان رزمی یگان‌ها و انسجام ستادهای عملیاتی در کلیه قرارگاه‌ها و رده‌های عمل‌کننده، چهار عملیات آفندی بزرگ در جنوب با توانائی و اهداف مندرج در جدول شماره ۲ اجرا شد.

جدول (۶) عملیات آفندی بزرگ در سال دوم جنگ

ردیف	نام عملیات / تاریخ اجرا	گردان مانوری خودی				گردان مانوری دشمن	نسبت توان رزمی	اهداف عملیات
		نوع	ارتش	سپاه	جمع			
۱	ثامن الائمه (ع) ^۱ ۱۳۶۰/۷/۵ نقشه (۵)	پیاده	۱۱	۱۰	۲۱	۱۱	خودی سه برابر دشمن	آزادسازی شرق کلرون به وسعت ۱۵۰ کیلومترمربع و خارج کردن آبادان از محاصره
		زرهی	۶	-	۶			
		جمع	۱۷	۱۰	۲۷			
۲	طریق القدس ^۲ ۱۳۶۰/۹/۸ نقشه (۶)	پیاده	۱۲	۳۰	۴۲	۲۴	خودی دو برابر دشمن	آزادسازی دشت آزادگان و شهرها و روستاهای آن به وسعت ۶۰۰ کیلومترمربع
		زرهی	۱۰	-	۱۰			
		جمع	۲۲	۳۰	۵۲			
۳	فتح‌المبین ^۳ ۱۳۶۱/۱/۲ نقشه (۷)	پیاده	۵۳	۷۰	۱۲۳	۷۴	خودی دو برابر دشمن	آزادسازی مناطق غرب دزفول به وسعت ۲۴۰۰ کیلومترمربع
		زرهی	۱۳	۲	۱۵			
		جمع	۶۶	۷۲	۱۳۸			

۱. سرتیپ ستاد روح‌اله سروری، سرتیپ ۲ ستاد ابوالقاسم جاودانی، عملیات ثامن‌الائمه، عرشان، ۱۳۸۲، ص ۳۲.

۲. سرتیپ ۲ مسعود بختیاری، عملیات طریق‌القدس، ایران سبز، ۱۳۸۷، ص ۷۲.

۳. سرتیپ ۲ نصرت‌اله معین‌وزیری، نگرش علمی به عملیات فتح‌المبین، سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس آجا، ۱۳۸۶، ص ۱۷۵.

عملکرد پیاده نظام در جنگ تحمیلی ۹۳/

آزادسازی مناطق غرب و جنوب اهواز به وسعت ۵۶۰۰ کیلومتر مربع و آزادسازی خرمشهر	خودی ۱/۵ برابر دشمن	۱۲۰	۱۸۰	۱۳۱	۴۹	پیاده	بیت المقدس ^۱ ۱۳۶۱/۲/۱۰ نقشه (۸)	۴
			۱۵	۳	۱۲	زرهی		
			۱۹۵	۱۳۴	۶۱	جمع		

توضیح اینکه:

- ۱- تعداد گردان‌های خودی و دشمن تقریبی است.
- ۲- استعداد گردان‌های پیاده سپاه هر کدام از ۲۰۰ الی ۳۰۰ نفر و مجهز به جنگ‌افزار انفرادی بوده است.
- ۳- گردان تانک سپاه از تانک‌های غنیمتی ارتش عراق تشکیل گردیده و در عملیات حضور نیافت.

تحلیل نقش پیاده نظام در عملیات آفندی سال دوم

چهار عملیات بزرگ آفندی در سال دوم جنگ از تاریخ ۱۳۶۰/۷/۵ تا ۱۳۶۱/۳/۳ (مدت ۸ ماه) به اجرا درآمد. با دقت در جدول شماره ۶ درمی‌یابیم که تعداد گردان‌های پیاده و پیاده مکانیزه خودی در چهار عملیات مزبور نسبت به گردان تانک افزایش یافته است.

گردان‌های پیاده نظام با استقرار در خطوط پدافندی در سال اول با انجام اقدامات زیر در موفقیت چهار عملیات بزرگ آفندی سال دوم نقش مهم و اساسی داشتند:

- ۱- کمک به ستادهای رده بالا برای طراحی عملیات با جمع‌آوری اطلاعات لازم از منطقه و نیروهای دشمن، به ویژه تاکتیک، استعداد، نقاط ضعف؛

۱. سرتیپ ۲ نصرت‌اله معین‌وزیری، تحلیل عملیات بیت‌المقدس، دانشکده فرماندهی و ستاد، ۱۳۸۲، ص ۴۳.

- ۲- اجرای عملیات شبانه با استفاده از تاکتیک و تکنیک نفوذ در شب و شکستن خطوط مقدم دشمن؛
 - ۳- اجرای مانورهای احاطه‌ای با استفاده از نقاط ضعف دشمن؛
 - ۴- انجام رزم نزدیک و انهدام دشمن؛
 - ۵- به دست گرفتن ابتکار عمل با تغییر مانور در مراحل مختلف؛
 - ۶- تصرف اهداف تعیین شده و آزادسازی بیش از ۸ هزار کیلومتر مربع از سرزمین اسلامی؛
 - ۷- عقب راندن دشمن و استقرار در مرز بین‌المللی؛
 - ۸- تحمل حداقل تلفات و ضایعات با طراحی دقیق علمی و اعمال فرماندهی اصولی؛
 - ۹- تحمیل تلفات و خسارات فراوان به دشمن و استفاده از غنائم به دست آمده؛
 - ۱۰- نشان دادن توانائی‌های حکومت جمهوری اسلامی ایران به عراق و حامیان او؛
- موفقیت‌های ذکر شده حاصل همکاری کلیه رسته‌های رزمی، پشتیبانی رزمی، پشتیبانی خدمات رزمی، نیروی هوایی، هوانیروز و نیروی دریایی و اعمال فرماندهی و نظارت فرماندهان در کلیه رده‌ها می‌باشد.
- همان طور که قبلاً اشاره شد چنانچه در این نوشتار نقش پیاده نظام شرح داده شده است، دلیلی بر نادیده انگاشتن نقش یگان‌های زرهی نمی‌باشد. بدیهی است نقش ارزنده گردان‌های زرهی و پیاده مکانیزه در یگان‌های زرهی را نمی‌توان نادیده گرفت و چنانچه حضور یگان‌های زرهی همراه و در پشتیبانی از یگان‌های پیاده نبود، مسلماً نیروهای پیاده به آسانی نمی‌توانستند موفقیتی حاصل کنند.

مقایسه تحلیلی عملیات‌های آفندی سال اول و دوم جنگ

به طور کلی به دلیل تعجیل ناشی از مطالبات ملی و خواست مسئولین نظام و ضیق فرصت، در طرح‌ریزی و اجرای سه عملیات آفندی اجرا شده (پل کرخه، نصر، توکل) به اصول جنگ و ملاحظات تاکتیکی (شناخت زمین، دشمن و نیروی خودی) توجه کافی مبذول نشده است، و در نتیجه عملیات با موفقیت کامل مواجه نشد، در صورتی که در سال دوم و در همان مناطق، چهار عملیات با توجه کامل به اصول ذکر شده طراحی و اجرا شد و همراه با موفقیت کامل بود.

در چهار عملیات اخیر قرارگاه‌های عملیاتی با سازمان‌دهی و اعمال فرماندهی مناسب، اختصاص زمان لازم برای احراز آمادگی و پای کار آوردن نیرو و امکانات مناسب و ارتقاء روحیه تعرضی رزمندگان با به کارگیری نیروهای شهادت‌طلب بسیجی در قالب یگان‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی توانستند طرح‌ریزی‌های اصولی و علمی نموده و آن را اجرا کنند.

با توجه به مراتب فوق و با مقایسه سه عملیات آفندی سال اول و سه عملیات آفندی سال دوم (جدول شماره ۳) نشان می‌دهد که عملیات کلاسیک با به کارگیری اصول جنگ، قواعد اساسی رزم و ملاحظات تاکتیکی کارآمد شده و در غیر این‌صورت ناکارآمد خواهد شد.

جدول (۷) مقایسه سه عملیات آفندی سال اول و دوم جنگ

ردیف	نام عملیات	هدف / وسعت منطقه (تقریبی)	توان نسبی طرفین	زمان آمادگی
۱	الف: ۲۳ مهر ۱۳۵۹ تک محدود	آزادسازی منطقه غرب دزفول تا ارتفاعات علی گره زرد و تپه رادار	دشمن چهار برابر خودی	۴ روز
	ب: فتح المبین	آزادسازی منطقه غرب دزفول تا ارتفاعات تینه به وسعت ۲۴۰۰ کیلومتر مربع	خودی دو برابر دشمن	۱۶ ماه
۲	الف: نصر	آزادسازی شمال کرخه کور، منطقه جفیر، پادگان حمید	دشمن دو برابر خودی	۱۶ روز
	ب: بیت المقدس	آزادسازی منطقه جنوب خوزستان و خرمشهر به وسعت ۵۶۰۰ کیلومتر مربع	خودی ۱/۵ برابر دشمن	۱۶ ماه
۳	الف: توکل	آزادسازی شرق کارونو انهدام سر پل دشمن	دشمن سه برابر خودی	۷ روز
	ب: ثامن الائمه	آزادسازی شرق کارون به وسعت ۱۵۰ کیلومتر مربع	خودی سه برابر دشمن	۸ ماه

همان طور که در جدول فوق نشان داده شد، در عملیات آفندی سال دوم وسعت منطقه عملیات برای آزادسازی (هدف) نسبت به عملیات آفندی سال اول ثابت مانده، ولی استعداد نیروهای خودی و زمان طرح ریزی و آمادگی چند برابر افزایش یافته است.

به طور کلی باید گفت فضای جنگ، نیروهای موجود، امکانات و تجهیزات بکارگرفته در سال اول جنگ با سال دوم بسیار متفاوت بوده است. توضیح اینکه عملیات بیت المقدس در چهار مرحله پیش بینی شده بود، مرحله سوم و چهارم آن عملیات برون مرزی برای رسیدن به شرق رودخانه دجله در خاک عراق بود؛ ولی در حین عملیات پس از رسیدن به مرز، مراحل فوق حذف و به جای آن آزادی خرمشهر تعیین شد. تغییر طرح نشان دهنده توانایی ستادهای عملیاتی و انعطاف پذیری فرماندهان بود که با توجه به وضعیت دشمن و خودی تصمیم به تمرکز نیرو برای آزادسازی خرمشهر گرفته شد.

مرحله چهارم: عملیات برون مرزی (شش سال پایانی جنگ)

پس از آزادسازی خرمشهر در ماه‌های پایانی سال دوم جنگ و استقرار نیروها در اکثر نقاط مرزی، حکومت عراق درخواست آتش‌بس و عقب‌نشینی به مرزهای بین‌المللی کرد. جمهوری اسلامی ایران جنگ را به دلایل زیر ادامه داد:

۱- بی‌اعتمادی به ادعای صدام در مورد عقب‌نشینی نیروها به مرزهای بین‌المللی.

۲- استمرار ادعای نپذیرفتن مفاد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر (اعلام نکردن پذیرش قرارداد مزبور).

۳- معرفی نکردن صدام به عنوان متجاوز توسط جامعه جهانی.

۴- احتمال مجدد تهاجم صدام در صورت تقویت ارتش عراق.

۵- استمرار اشغال قریب به ۱۵۰۰ کیلومترمربع از مناطق غرب و جنوب توسط ارتش بعث.

اهداف کلی عملیات تعاقبی

۱- بازپس‌گیری مناطقی از کشور که هنوز در اشغال دشمن بود.

۲- استقرار در نقاط سوق‌الجیشی و مناطقی از عراق که بتوان در مذاکرات سیاسی در موضع برتری قرار گرفت.

۳- به رسمیت شناختن مجدد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر توسط عراق.

۴- فرسوده کردن متجاوز به منظور جلوگیری از تجاوز مجدد.

۵- تنبیه متجاوز و اخذ غرامت خسارت وارده.

برای تحقق اهداف فوق چندین عملیات با هدف آزادسازی مناطقی که هنوز تحت اشغال بود، در مناطق مرزی و تعدادی از عملیات با هدف فرسوده کردن و تنبیه متجاوز در بیرون از مرزها با ورود به خاک عراق اجرا شد.

اهداف تاکتیکی عملیات برون مرزی در هریک از مناطق عملیاتی

- ۱- در منطقه جنوب: تهدید بصره و تأمین آن و قطع ارتباط زمینی عراق با خلیج فارس و کشورهای عربی جنوب آن کشور.
- ۲- در منطقه غرب: تصرف نقاط سوق الجیشی مرزی و آزادسازی پاسگاه‌های مرزی.

- ۳- در مناطق شمال غرب: تهدید منابع اقتصادی و حیاتی عراق در شمال آن کشور و پشتیبانی از ضد انقلاب.

سلسله عملیات برون مرزی انجام شده در این مرحله مدت شش سال از تاریخ ۱۳۶۱/۴/۲۲ با عملیات رمضان آغاز شد و در ۶۷/۱/۲۸ با بازپس‌گیری فاو به پایان رسید.

عملیات والفجر ۸ بزرگ‌ترین عملیات آفندی پیاده نظام سپاه بود که طراحی آن توسط سپاه پاسداران انجام و با امکانات ارتش (توپخانه، پدافند هوایی، بالگرد و نیروی هوایی) و عبور از ارونردود اجرا شد. در این عملیات سپاه موفق به تصرف سرپلی در جزیره فاو گردید، ولی به علت استفاده نکردن از ویژگی سرپل که مبنایی برای حرکت به طرف هدف اصلی (تهدید بصره) می‌باشد، مدت حدود دو سال نیروها در جزیره فاو به پدافند مشغول بودند و سرانجام با آفند قوی ارتش عراق در ۱۳۶۷/۱/۲۸ با تحمل تلفات مجبور به عقب‌نشینی شدند.

عملیات پس از آزادسازی خرمشهر

پس از عملیات بیت‌المقدس و آزادسازی خرمشهر (۱۳۶۱/۳/۳) عراق درخواست برقراری آتش‌بس داد. لیکن با توجه به نداشتن اعتماد به صدام، استمرار اشغال قریب به ۲۵۰۰ کیلومترمربع از خاک ایران توسط ارتش عراق،

اعتراف نکردن صدام به پایبندی به قرارداد تعیین خطوط مرز ۱۹۷۵ الجزایر، عدم اعتراف مجامع جهانی به انجام تجاوز توسط صدام، ایران اسلامی با راهبرد «راه قدس از کربلا می‌گذرد» راهبرد جدید نظامی خود مبنی بر تداوم جنگ را برگزید. البته بعدها معلوم شد که زمینه لازم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی برای چنین راهبردی کاملاً مهیا نبوده است.

اهداف نظامی

از دیدگاه سیاسی تداوم جنگ در آن مقطع و عبور از کربلا برای آزاد کردن قدس به معنی ساقط کردن رژیم حاکم بر عراق بود، که خود یک هدف سیاسی است، ولی از دیدگاه نظامی و عملیاتی تداوم جنگ در آن مرحله اهداف نظامی زیر را مد نظر داشت:

- ۱- آزاد کردن بخش‌هایی که تا آن زمان در اشغال دشمن بود؛
 - ۲- رسیدن به مناطق قابل پدافند در جنوب و در داخل خاک عراق و تهدید شهر بصره؛
 - ۳- تصرف مناطق سوق‌الجیشی در ارتفاعات مرزی غرب کشور؛
 - ۴- پایان فعالیت‌های نظامی و خاتمه دادن به جنگ از موضع برتر و اخذ خسارت وارده، که البته هدف راهبردی هم بوده است.
- دستیابی به هر یک از اهداف ذکرشده با عملیات نظامی به شیوه‌های عملیات موفق گذشته، در صورت مهیا بودن زمینه‌های لازم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی امکان‌پذیر بود. اما به دلایل مختلف از جمله اختلاف سلیقه و نگرش‌ها در تهیه طرح‌ها و راه‌کارها در قرارگاه‌های مشترک اختلافات جدی در این راستا بروز کرد و در نهایت آن اتحاد و یگانگی

موجود به تدریج به جدایی نیروها تبدیل شد که خود با مهیا بودن همه امکانات باز حصول و تحقق اهداف ذکرشده را با مشکل مواجه می‌ساخت. از آن تاریخ، ضمن کاهش عملیات به اصطلاح ادغامی، اصول جنگ و ملاحظات تاکتیکی و قواعد اساسی رزم کمتر مورد توجه قرار گرفت. در مواردی هم که این امور به خوبی رعایت می‌شد به علت آنکه توان رزمی یگان عمل‌کننده برخوردار از توان رزمی ملی (بسپج و نیروهای مردمی) نبود، به صورت کامل به موفقیت مورد نظر نمی‌رسید، البته چون عملیات‌ها داخل خاک عراق صورت می‌گرفت باید اذعان داشت که انگیزه ارتش صدام در دفاع از سرزمین عراق هم در عدم موفقیت‌های نیروهای خودی بسیار مؤثر بود.

راهبرد سپاه پاسداران

تصمیمات جدید سپاه بر راهبرد عملیات ویژه انقلابی (بنا به اظهار برادران) تکیه داشت که اصول این راهبرد عبارت بود از:

- ۱- عبور از مناطق غیرقابل عبور مانند مناطق رملی و مرداب‌ها (هورها)؛
 - ۲- عبور از مناطق کوهستانی مرتفع و فاقد راه‌های مواصلاتی؛
 - ۳- استفاده از انبوه نیروی انسانی ایثارگر و شهادت‌طلب؛
 - ۴- تمرکز نیروی زیاد در یک منطقه یا محور محدود در مقابل خط پدافندی مستحکم شده دشمن، مثلاً شلمچه.
- بعد از آزادسازی خرمشهر چندین عملیات در شش سال پایانی جنگ طراحی گردید و توسط یگان‌های پیاده نظام به اجرا درآمد. اکثر عملیات‌هایی که در بیرون مرزها (در خاک عراق) توسط ارتش و سپاه به طور مستقل یا مشترک (ادغامی) اجرا شد به گفته سپاه با «عدم‌الفتح» مواجه شد.

عملکرد پیاده نظام در جنگ تحمیلی ۱۰/۱

تحلیل نقش پیاده نظام در عملیات آفندی برون مرزی (شش سال پایانی جنگ، تنبیه متجاوز)

نقش اصلی در کلیه عملیات‌های تعاقبی را یگان‌های پیاده نظام ارتش و سپاه به صورت ادغامی و یا هر کدام به‌طور مستقل به عهده داشتند. در برخی از عملیات برون مرزی، یگان‌های پیاده به علت نبودن خطوط مواصلاتی، فاقد پشتیبانی کافی آتش توپخانه و هوانیروز بودند.

نیروهای پیاده نظام جمهوری اسلامی ایران با ۱۵ عملیات آفندی و پدافندی بزرگ در امتداد مرزها کلیه مناطق اشغالی باقی‌مانده، به استثنای منطقه نفت‌شهر را آزاد کردند و در خط مرز مستقر شدند. نفت شهر نیز پس از پایان جنگ تخلیه شد.

ایران با انجام ۳۷ عملیات آفندی و پدافندی برون‌مرزی در سه منطقه عملیاتی (جنوب، غرب و شمال‌غرب) با تعداد ۱۵ عملیات موفق و ۲۲ عملیات ناموفق به شرح جدول شماره ۴، تلاش کرد با فرسوده کردن دشمن و وارد کردن خسارت به ماشین جنگی عراق، اهداف راهبردی سیاسی نظام را محقق و آن کشور و مجامع بین‌المللی مؤثر را مقتدرانه وادار به مذاکره و قبول شرایط جمهوری اسلامی نماید.

علی‌رغم ناکامی حاصله از عملیات برون‌مرزی در تحقق اهداف تاکتیکی، یک نتیجه استراتژیک مهم برای جمهوری اسلامی ایران در جهان حاصل شد و آن عبارت بود از مصمم بودن حکومت جمهوری اسلامی ایران برای رسیدن به حقوق حقه ملت ایران و ایجاد قدرت بازدارندگی برای جلوگیری از تهدیدهای احتمالی آینده.

در مواردی مانند بازپس‌گیری مناطق اشغالی و پذیرش قطعنامه ۱۹۷۵ الجزایر توسط صدام به صورت صد در صد و بقیه موارد به صورت نسبی

حاصل گردید. ولی به علت پشتیبانی کشورهای استعمارگر حامی صدام مجدداً ارتش صدام تجهیز می‌شد؛ لذا در این مرحله موفقیت مرحله‌ای به دست آمد، ولی موفقیت نهایی حاصل نشد.

البته می‌توان نتایج دیگر حاصل از این عملیات برون مرزی جمهوری اسلامی ایران را نیز به صورت زیر برشمرد:

الف- فرسوده کردن ارتش عراق و از بین بردن میل جنگجویی ارتش آن کشور.

ب- الزام متجاوز به پرداخت غرامت: که البته به صورت قانونی و با الزام جهانی می‌بایست معمول گردد که نیاز به ایجاد شرایط و توانایی دولت عراق و تنظیم اساسنامه و روش مدون بین دولتی دارد.

ج- کاهش مقبولیت جهانی و از بین رفتن مشروعیت ملی صدام.

بخش پنجم

عوامل مؤثر در کارآئی عملیات پیاده نظام

مبانی نظری کاربرد اصول جنگ

اصول جنگ و ملاحظات تاکتیکی از تجارب حاصل از عملکرد ارتش‌ها در میادین نبرد در طول تاریخ به دست آمده است. این تجارب پس از آزمون و خطاهای بسیار، توسط اندیشمندان و صاحب‌نظران نظامی مورد پژوهش و بررسی قرار گرفته، نظریه‌پردازی (تئوریزه) شده و نتایج آن به قواعد اساسی رزم تبدیل گشته و به صورت آئین‌نامه‌های رزمی مورد استفاده ارتش‌ها قرار گرفته است. مسلماً با هرگونه تغییر در فناوری (تکنولوژی) تجهیزات و تسلیحات و همین‌طور پس از جنگ‌های نوین، تجدید نظرهای لازم در آن مستمراً به عمل خواهد آمد.

ضریب پیروزی در جنگ زمانی افزایش می‌یابد که طراحی عملیات نظامی و هدایت آن با رعایت اصول جنگ و ملاحظات تاکتیکی بوده و عوامل اجرایی از توانایی کافی برای اجرا و هدایت آن برخوردار باشند و بالعکس ضریب شکست زمانی افزایش می‌یابد که مأموریت‌ها با بی‌توجهی به اصول، کم‌توجهی و غفلت فرماندهان و ضعف یگان‌های اجرایی یکی از طرفین متخاصم همراه باشد.

از دیدگاه علمی، جنگ زمانی موفق است که اهداف راهبردی، سیاسی و دفاعی آن توثیقاً تحقق یابد و از نظر نظامی راهبرد دفاعی زمانی موفق است که هدف‌های تاکتیکی در صحنه نبرد محقق شود. لذا موفقیت در هر سه عامل گفته شده «تاکتیکی، راهبردی و سیاسی» جنگ را با پیروزی به پایان می‌رساند. نکته

مهمی که در این دیدگاه بایستی مد نظر قرار گیرد تناسب داشتن هزینه‌های مادی و معنوی در مقابل پیروزی بدست آمده است.

با توجه به مبانی نظری ذکرشده در این بخش نقش پیاده نظام در چند عملیات موفق و ناموفق از نظر طراحی و اجرا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

عوامل مؤثر (سازمانی و برون سازمانی) در کارایی پیاده نظام

پس از سازمان‌دهی قرارگاه‌های عمده، با توجه به ماهیت و ساختار و توانایی‌های پیاده نظام و در نظر گرفتن اصول جنگ، ملاحظات تاکتیکی و قواعد اساسی رزم طرح‌های آفندی با توجه به عوامل زیر تهیه و اجرا شد.

- ۱- اختصاص نیروی لازم متناسب با هدف‌ها؛
- ۲- حداکثر تلاش برای بالا بردن روحیه تعرضی در یگان‌های پیاده؛
- ۳- طراحی رزمایش‌های (مانور) متناسب با زمین و گسترش دشمن با دارا بودن حداکثر قابلیت انعطاف؛
- ۴- اختصاص توان رزمی مناسب در تلاش اصلی، تلاش پشتیبانی و احتیاط؛
- ۵- غافلگیر نمودن دشمن با اجرای تکنیک‌های نفوذ در شب، رزمایش‌های احاطه‌ای و عملیات پوشش و فریب؛
- ۶- کاهش تلفات بی‌مورد با اقدامات تأمینی و حفاظتی؛
- ۷- ایجاد وحدت‌نظر در مورد انهدام دشمن و ارتقاء وحدت فرماندهی با تشکیل قرارگاه‌های مشترک ارتش و سپاه تا رده تیپ (ترکیب مقدس)؛
- ۸- بکارگیری حداقل نیرو در مناطقی که فاقد تهدید جدی بود؛
- ۹- طراحی عملیات ساده و قابل استنباط در تمامی رده‌ها؛

عوامل مؤثر در کارائی عملیات پیاده نظام / ۱۰۵

۱۰- سازماندهی (برش تاکتیکی و سازمان رزم) متناسب و استفاده از حداکثر ظرفیت پیاده نظام ارتش و سپاه به منظور ارتقاء توان رزمی یگان‌های مانوری؛

۱۱- استفاده از نیروهای پیاده نظام خط‌شکن، به ویژه عناصر سپاه و بسیج برای باز کردن معابر در میادین مین دشمن در شب و شرایط دید محدود؛
۱۲- استفاده از خلاقیت و ابتکارات در بکارگیری پیاده نظام مانند احداث نقب زیرزمینی، پل‌های خیری و لوله‌ای؛

۱۳- حداکثر استفاده از آتش دقیق پشتیبانی زمینی (توپخانه)، هوایی و هوانیروز؛

۱۴- استفاده از پشتیبانی مهندسی رزمی جهاد در احداث جاده‌ها، خاکریزهای پدافندی، مواضع توپخانه و احداث پل بر روی نهرها و رودخانه‌ها؛

۱۵- برقراری سیستم ارتباط مناسب در کلیه رده‌ها؛

۱۶- بالا بردن روحیه شهادت و ایثار و ایجاد انگیزه برای ترغیب عناصر پیاده نظام با اجرای مراسم مذهبی با حضور روحانیون در خطوط مقدم و گسترش فرهنگ بسیجی در جبهه‌ها؛

۱۷- توجیه فرماندهان پیاده‌تک‌ور تا رده گروه نسبت به منطقه عملیات با نقشه و جعبه شنی قبل از عملیات؛

۱۸- توجیه کامل عناصر پیاده نظام عمل‌کننده با زمین عملیات، محورهای پیشروی و اهداف تاکتیکی؛

۱۹- اجرای آموزش‌های لازم (قبل از عملیات) به منظور بالا بردن مهارت‌های تخصصی؛

۲۰- تمرین (حتی‌الامکان) در زمین‌های مشابه توسط یگان‌های پیاده نظام.

نتیجه

- رمز موفقیت یگان‌ها در کسب پیروزی عبارت است از:
- ۱- رعایت اصول جنگ، ملاحظات تاکتیکی، اتحاد و یگانگی با تمسک به آیه شریفه «واعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا»؛
 - ۲- هم‌افزایی توان ارتش و سپاه و اطاعت محض از حضرت امام(ره)؛
 - ۳- روحیه ایثار رزمندگان و حمایت ایثارگران ملت بزرگواریان از جبهه‌ها؛
 - ۴- کاربرد علم، تخصص، ایمان مذهبی، وحدت ملی، ایثار و شهادت طلبی و فرماندهی حضرت امام(ره).
- یگان‌های پیاده نظام با توجه به موارد فوق توانستند چندین عملیات آفندی بزرگ را در منطقه عملیاتی جنوب و غرب با موفقیت به پایان رسانده و مجموعاً بیش از ۹۵٪ از مناطق اشغالی جنوب و غرب کشور را از اشغال دشمن آزاد نمایند و بخشی از سرزمین عراق واقع در منطقه عملیاتی جنوب (جزیره فاو و جزیره مجنون) و در منطقه شمال غرب (حاج عمران) را به تصرف درآورند.

عملکرد تاکتیکی پیاده نظام در عملیات آزادسازی سال دوم جنگ

در سال دوم جنگ چهار عملیات بزرگ آفندی ثامن‌الائمه، طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس برای آزادسازی سرزمین‌های اشغالی در منطقه عملیاتی جنوب و در سال ششم یک عملیات آفندی در منطقه فاو اجرا گردید که با موفقیت کامل همراه بود. عملکرد تاکتیکی پیاده نظام در این ۴ عملیات عبارتند از:

قبل از عملیات:

- ۱- مراقبت مستمر از دشمن؛
- ۲- باز کردن معابر میدان مین؛
- ۳- هماهنگی با نیروهای ادغامی و پشتیبانی رزمی؛
- ۴- ارتقاء کیفیت آموزش‌های انفرادی و یگانی؛
- ۵- تمرین عملیات روی زمین‌های مشابه؛
- ۶- ارتقاء روحیه ایثار و شهادت؛
- ۷- شناسایی زمین توسط کلیه رده‌ها؛
- ۸- آماده‌سازی مناطق عبور از خط عزیمت؛
- ۹- اقدامات ابتکاری.

حین عملیات

- ۱- نفوذ سریع عناصر پیاده نظام به خطوط پدافندی دشمن در شب؛
- ۲- شکستن خطوط پدافندی دشمن با رزم نزدیک توأم با غافلگیری؛
- ۳- استفاده از آتش‌ها در طول عملیات؛
- ۴- اقدام به اجرای تک احاطه‌ای در صورت برخورد با مقاومت دشمن؛
- ۵- پاکسازی هدف و انهدام دشمن.

بعد از عملیات

- ۱- تحکیم هدف و تجدید سازمان؛
- ۲- تخلیه شهدا و مجروحین؛
- ۳- تخلیه اسرا دشمن؛
- ۴- اعزام عناصر تأمینی به جلو و جناحین؛
- ۵- جلو آوردن جنگ‌افزارهای پشتیبانی؛
- ۶- آماده شدن برای دفع پاتک؛
- ۷- آماده شدن برای عملیات بعدی.

نقش پیاده نظام در عملیات موفق

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران پس از متوقف کردن ارتش عراق در سراسر جبهه‌ها، آزادسازی مناطق اشغالی را در دستور کار قرار دادند. با توجه به نتایج حاصل از عملیات آفندی سال اول، کارشناسان و طراحان عملیاتی در سال دوم، یگان‌های پیاده نظام را در رده یکم و یگان‌های زرهی را برای پشتیبانی در رده دوم منظور کردند. گرچه گردان‌های زرهی در لشکرهای پیاده و زرهی در سد کردن پیشروی دشمن در عملیات پدافندی و آفندی نقش اساسی و مهمی داشتند. لذا علل چنین کاربردی را می‌توان به شرح زیر تبیین کرد:

- ۱- انجام عملیات در شب به منظور حصول حداکثر غافلگیری؛
 - ۲- عمق کم هدف‌ها در هر یک از مراحل عملیات؛
 - ۳- عدم طراحی عملیات «استفاده از موفقیت» و «تعاقب» به علت کمبود یگان زرهی؛
 - ۴- عدم برتری کامل هوایی؛
 - ۵- کمبود مهمات؛
 - ۶- نامساعد بودن شرایط زمین برای کاربرد یگان‌های زرهی، به ویژه در مناطق کوهستانی، رملی و مرداب‌ها.
- با تشکیل یگان‌های پیاده نظام سپاه پاسداران، تعداد یگان‌های پیاده نظام نیروهای مسلح افزایش یافت و از آنجایی که یگان‌های پیاده نظام دارای قابلیت عمل در کلیه زمین‌ها (رملی و کوهستانی) بودند، موفق شدند با تلاش‌های مضاعف تا حدودی کمبود یگان زرهی را جبران نمایند.

عوامل مؤثر در کارائی عملیات پیاده نظام ۱۰۹/

جدول (۸) عملیات برون مرزی در ۶ سال پایانی جنگ ۶۱/۴/۲۲ الی

۶۷/۱/۲۸^۱

ردیف	منطقه	نام عملیات	تاریخ اجرا	یگان مانوری عمل کننده	نتیجه	
					موفق	ناموفق
۱	جنوب	آفند رمضان	۶۱/۴/۲۲	مشترک		✓
۲	جنوب	آفند والفجرمقدمانی	۶۱/۱۱/۱۷	مشترک		✓
۳	جنوب	آفند والفجر ۱	۶۲/۱/۲۱	مشترک		✓
۴	شمال غرب	آفند والفجر ۲	۶۲/۴/۲۹	ارتش	✓	
۵	شمال غرب	والفجر ۴	۶۲/۷/۲۷	مشترک		✓
۶	جنوب	آفند خیبر	۶۲/۱۲/۳	مشترک		✓
۷	جنوب	آفند بدر	۶۳/۱۲/۲۰	مشترک		✓
۸	شمال غرب	آفند حاج عمران	۶۴/۴/۷	ارتش	✓	
۹	غرب	آفند نصر ۳	۶۴/۴/۹	ارتش	✓	
۱۰	غرب	آفند ظفر ۵	۶۴/۴/۱۳	ارتش	✓	
۱۱	جنوب	آفند شرهانی	۶۴/۴/۲۰	ارتش	✓	
۱۲	شمال غرب	آفند قادر	۶۴/۴/۲۳	مشترک		✓
۱۳	شمال غرب	آفند چوارتا	۶۴/۶/۶	ارتش		✓
۱۴	جنوب	آفند والفجر ۸	۶۴/۱۱/۲۰	مشترک	✓	
۱۵	شمال غرب	آفند والفجر ۹	۶۴/۱۲/۵	سپاه		✓
۱۶	شمال غرب	پدافند چوارتا	۶۴/۱۲/۱۶	ارتش		✓
۱۷	شمال غرب	پدافند لولان	۶۵/۲/۳	ارتش		✓
۱۸	شمال غرب	پدافند حاج عمران	۶۵/۲/۲۴	مشترک	✓	
۱۹	شمال غرب	آفند کربلا ۲	۶۵/۶/۱۰	سپاه	✓	
۲۰	شمال غرب	فتح ۱	۶۵/۷/۱۹	سپاه	✓	
۲۱	جنوب	آفند کربلا ۴	۶۵/۱۰/۳	سپاه		✓
۲۲	جنوب	آفند کربلا ۵	۶۵/۱۰/۱۹	سپاه		✓
۲۳	جنوب	آفند تکمیلی کربلا ۵	۶۵/۱۲/۳	سپاه		✓
۲۴	شمال غرب	آفند کربلا ۷	۶۵/۱۲/۱۳	ارتش	✓	

۱. سرهنگ مجتبی جعفری، مستخرجه از اطلس نبردهای ماندگار، انتشارگران نزاجا، ۱۳۸۰.

۱۱۰ / پیاده نظام و دفاع مقدس

✓		سپاه	۶۶/۱/۱۸	آفند کربلا ۸	جنوب	۲۵
✓		سپاه	۶۶/۱/۲۵	آفند کربلا ۱۰	شمال غرب	۲۶
✓		سپاه	۶۶/۳/۳۱	نصر ۴	شمال غرب	۲۷
✓		سپاه	۶۶/۸/۲۹	نصر ۸	شمال غرب	۲۸
✓		ارتش	۶۶/۹/۱	آفند نصر ۹	شمال غرب	۲۹
✓		سپاه	۶۶/۱۰/۲۵	آفند بیت المقدس ۲	شمال غرب	۳۰
	✓	سپاه	۶۶/۱۲/۲۳	بیت المقدس ۳	شمال غرب	۳۱
✓		سپاه	۶۶/۱۲/۲۴	آفند والفجر ۱۰	شمال غرب	۳۲
	✓	سپاه	۶۷/۱/۵	بیت المقدس ۴	شمال غرب	۳۳
	✓	ارتش	۶۷/۱/۲۰	آفند بیت المقدس ۵	شمال غرب	۳۴
✓		سپاه	۶۷/۱/۲۸	پدافندی فاو	جنوب	۳۵
✓		ارتش	۶۷/۴/۲۱	پدافند جزیره مجنون	جنوب	۳۶
	✓	سپاه	۶۷/۲/۲۶	بیت المقدس ۶	شمال غرب	۳۷

بخش ششم

تحلیل نهایی

سرانجام جنگ در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۲۹ به پایان رسید و جبهه ها در آرامش کامل فرو رفت. کشور بلافاصله دوران سازندگی را آغاز کرد. نیروهای مسلح به تدریج به مناطق سرزمینی خود حرکت کرده و در پادگان‌های مربوطه مستقر شدند. تعدادی از یگان‌ها هم مراقبت از خطوط مرزی را بر عهده گرفتند و به نوبت تعویض شدند.

یگان‌های ارتش اعم از آنهایی که در پادگان‌ها بودند و یا در مأموریت‌های مراقبتی مشغول انجام وظیفه بودند، شروع به بازسازی بنیادی، تجدید سازمان، آموزش، تعمیر و نگهداری نمودند. مراکز آموزشی جهت تربیت نیروهای پایور و وظیفه بر فعالیت‌های آموزشی خود افزوده و ظرفیت‌ها را افزایش دادند و با استفاده از تجربیات حاصل از جنگ در برنامه‌ها و محتوای آموزشی تجدید نظر لازم را به عمل آوردند.

نتیجه نهایی جنگ

جنگ پر از فراز و نشیب است، ولی نتیجه جنگ در تحقق اهدافی است که جنگ برای آن آغاز شده است. در پایان جنگ (البته بعد از حمله عراق به کویت) هیئت تعیین‌شده از سوی دبیر کل سازمان ملل آغازگر جنگ را کشور عراق و حکومت بعثی آن اعلام کردند.

آیا عراق به اهدافی که مد نظر داشت دست یافت؟ مسلماً خیر؛ لذا در پایان جنگ بازنده اصلی جنگ آن کشور و پیروز میدان، جمهوری اسلامی ایران بود. ارتش ایران در این جنگ توانست برای اولین بار در جنگ‌های دو

قرن گذشته تمامیت ارضی کشور را حفظ کند، به طوری که حتی یک وجب از خاک مقدس کشور از سرزمین اصلی جدا نشود. این پیروزی عظیم حاصل وحدت نیروها، شرکت تمامی ملت ایران، توکل به خداوند متعال و فرماندهی الهی حضرت امام خمینی(ره) بود. بدین ترتیب یک بار دیگر راز ماندگاری ملت ایران در طول بیش از ۲۵ قرن گذشته به جهانیان نشان داده شد.

فرازی از رهبری حضرت امام خمینی در رابطه با بسیج کلیه نیروها و امکانات برای بیرون راندن دشمن از سرزمین اسلامی:

«بر قوای مسلح اسلامی، از ارتش، سپاه، بسیج و سایر قوای نظامی و انتظامی تا نیروهای مردمی در جبهه و پشت جبهه است که چون سیلی خروشان به جبهه روند و مزدوران را از کشور اسلامی شان برانند.»^۱

چرا خود را پیروز جنگ می‌دانیم^۲

با توجه به اهداف عراق در آغاز جنگ و رسالت جمهوری اسلامی ایران در مقابله با دشمن متجاوز، چرایی پیروز جنگ را می‌توان از دو دیدگاه کلی و مرحله‌ای مورد تحلیل قرار داد:

تحلیل از دیدگاه کلی (به صورت بسیار خلاصه)

با توجه به اهداف صدام، که عبارت بودند از لغو عهدنامه مرزی ۱۹۷۵ الجزایر، تجزیه جمهوری اسلامی با الحاق خوزستان به عراق که منجر به ساقط کردن نظام جمهوری اسلامی ایران می‌شد، تحلیل زیر حاصل می‌گردد.

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۴۱.

۲. سرتیپ ستاد ناصر آراسته، کلیاتی از جنگ و مواردی از دفاع مقدس، تهران، ایران سبز، ۱۳۸۹، صص ۷۴-۹۱.

- ۱- در پایان جنگ دیدیم که صدام مجبور به پذیرش عهدنامه ۱۹۷۵ شد.
- ۲- زمین‌های متصرفی را رها کرده و به کشور خود بازگشت.
- ۳- موفق به تجزیه کشور ایران نشد.
- ۴- همچنین، حامیان صدام نیز به اهداف خود، یعنی محبوس کردن انقلاب، تهی کردن انقلاب، به سازش کشیدن انقلاب و ساقط کردن نظام جمهوری اسلامی ایران نرسیدند.
- در نهایت با توجه به اهداف دفاعی جمهوری اسلامی ایران:
 - ۱- قرارداد ۱۹۷۵ مستقر شد (اراده سیاسی ما بر صدام تحمیل شد).
 - ۲- سرزمین‌هایمان آزاد شد.
 - ۳- صدام به عنوان متجاوز معرفی شد.
 - ۴- از تجزیه و تفکیک قسمت‌هایی از ایران جلوگیری شد.
 - ۵- جمهوری اسلامی ایران ساقط نشد.
 - ۶- عزت و اقتدار جمهوری اسلامی ایران اعتلا یافت و به جهانیان نشان داده شد.
 - ۷- ساختارهای دفاعی کشور نهادینه و مقتدر شد.
 - ۸- در قطعنامه ۵۹۸ بیشترین نظرات اعلامی ایران پذیرفته شد.
- لذا طرف پیروز جنگ، ایران اسلامی است، زیرا عراق و حامیانش در رسیدن به اهدافشان با شکست مواجه شدند و جمهوری اسلامی ایران در رسیدن به اهداف دفاعی خویش پیروز شد.

تحلیل از دیدگاه مرحله‌ای

چنانچه جنگ را به صورت کلی مرحله‌بندی کنیم می‌توانیم از بررسی تحلیلی پیروزی، یا شکست، در هر مرحله طرف پیروز نهایی جنگ را دریابیم.

در این نوشتار تحلیل مشروح هر مرحله مقدور نیست، لذا مراحل و نتیجه‌گیری در دو سطح هدف و راهبردی جمهوری اسلامی ایران و راهبرد نظامی صدام به صورت فشرده بیان می‌شود.

۱- مراحل جنگ در سطح سیاست‌های ملی و اهداف کلی جمهوری اسلامی ایران در صحنه نبرد

مرحله یکم: بازدارندگی

بازدارندگی یعنی جلوگیری یا ممانعت از ایجاد تفکر تهدید در ذهن متجاوز و یا ایجاد خدشه مؤثر در اتخاذ تصمیم دشمن در حمله و در نتیجه دشمن حاضر به پذیرفتن خطرپذیری تهاجم نمی‌گردد.

در این مرحله باید اذعان گردد ما صد در صد شکست خوردیم، یعنی به هیچ وجه دارای قدرت بازدارندگی نبودیم. البته باید توجه شود در دنیای امروز قدرت بازدارندگی صرفاً با مؤلفه نظامی تبیین نمی‌شود. گرچه فرصت تحلیل و تبیین عوامل بازدارنده ضروری در آغاز جنگ نیست، ولی می‌توان به تعدادی از مؤلفه‌های عمده قدرت بازدارندگی در کشورها به شرح زیر اشاره کرد:

- نفوذ سیاست خارجی در همسایگان، منطقه و جهان؛
- سیاست داخلی نهادینه شده و مقتدر؛
- ساختارهای اقتصادی محکم و مولّد؛
- ذخایر کافی اقتصادی و مالی؛
- وجود طرح‌های اقتصادی و سیاسی بنیانی، مؤثر و عملی برای بحران؛
- امنیت کامل داخلی؛
- حاکمیت مقتدر ملی؛

- یکپارچگی و وحدت ملی هدفدار؛
 - ساختارهای نظامی و دفاعی مستحکم؛
 - سازمان، آموزش، انضباط و آمادگی قبلی نیروهای مسلح؛
 - ارائه نمایش قدرت نظامی به بیگانگان؛
 - رهبری واحد و مقتدر ملی؛
 - انسجام و هماهنگی ساختارها و سامانه‌های سیاسی کشور؛
 - وجود آرمان‌ها و علایق ملی همگانی؛
 - ساختارهای هوشمند، عالم و به روز اطلاعاتی که بتواند تهدید را از قبل پیش‌بینی کند؛
 - شناخت و باور به تهدید در تمامی زوایای آن؛
 - انگیزه و میل ملی به دفاع بر اساس اعتقادات ملی یا مذهبی.
- با توجه به موارد فوق و با مطالعه و دقت در تاریخ انقلاب اسلامی از سال ۵۸ تا شروع جنگ تحمیلی درمی‌یابیم که به دلیل مبارزات انقلابی ملت بزرگ ایران اسلامی و مقاومت رژیم طاغوت در مقابل مردم و حمایت استکبار شرق و غرب از نظام منحط و مستبد و فاسد پهلوی و بعد خصیصه انقلاب و به تبع آن دگرگونی ساختارهای سیاسی و مواردی دیگر مثل حضور منافقین و گروه‌های ملحد وابسته به غرب و شرق، اداره اجرایی کشور توسط ملی مذهبی‌های مرعوب یا وابسته به غرب، حضور تفکر لیبرالی غربی و مخالف سیره مبارزاتی حضرت امام در رأس امور (بنی صدر)، بسیاری از مؤلفه‌های مزبور وجود نداشت و یا با خلل و اشکال فراوان مواجه بود. مثلاً توان ارتش جمهوری اسلامی ایران در بحران انقلاب به کمتر از نیم تقلیل یافته بود و

قریب به ۳۰٪ همین توان در مناطق شمال غرب کشور، گنبد و مناطقی از خوزستان درگیر مبارزه با ضدانقلاب بود. سپاه پاسداران نیز دوران اولیه حیات و طفولیت خود را می‌گذراند، با این حال در درگیری‌های مذکور نیز فعال بود، اقتصاد کشور در حال رکود و درهم ریخته بود، نهادهای سیاسی کشور هنوز با شرایط و نیازهای زمان استقرار و استحکام نیافته بود، کشور دستخوش ناامنی‌های ضدانقلاب بود، یکپارچگی و وحدت هدفدار دوران انقلاب سست شده بود و برای وضعیت جدید هدفدار نشده بود، ساختار دفاعی متزلزل و در مواقعی تعطیل بود، ارائه نمایش قدرت نظامی معمول نشده بود، انسجام و هماهنگی در ساختار و سامانه سیاسی کشور وجود نداشت. از طرفی با شعارهای گروه‌های منحرف و ملحد و ضدانقلاب تا حدودی در کیفیت همگانی آرمان‌ها و علائق ملی خدشه وارد شده بود. از همه مهم‌تر اینکه در ارکان رده بالای سیاسی کشور، به دلایلی از جمله کمیت اکثریت شیعه مردم عراق، تصور مطلق از تنفر مردم عراق از دیکتاتوری صدام، عدم محاسبه درست از رشد توان نظامی عراق در چند سال قبل از انقلاب و حسن نیت بیش از اندازه به مجامع و سازمان‌های جهانی، باور به تهدید از سوی عراق و تصور تحقق این تهدید وجود نداشت. لذا اراده سیاسی برای ورود به یک جنگ ناخواسته دیده نمی‌شد. ضمن اینکه ساختارهای اطلاعاتی و ضداطلاعاتی فرو ریخته بود و تحرکات و درگیری‌های مرزی بدون تحلیل علمی - نظامی به دست مسئولین می‌رسید و قرائنی از جنگ را برای آنان پیش‌بینی نمی‌کرد و آن تعداد از عناصر نظامی که نه به صورت نهادهی، بلکه به صورت فردی و به دلیل دلسوزی و تخصص خویش تحلیل‌های علمی از پیش‌بینی وقوع تهدید را ارائه می‌دادند، قادر به ایجاد باور تهدید در سیاسیون نبودند؛ لذا باور ملی به تهدید وجود نداشت. در

مقابل مؤلفه‌های قدرتمند و مؤثر بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در مواردی که احصاء شد عبارت بود از:

- ۱- حضور رهبری پیامبرگونه حضرت امان(ره)؛
 - ۲- انگیزه و میل ملی برای دفاع از کشور بر اساس اعتقادات دینی (منبعث از سیره و مدیریت دینی حضرت امام)؛
 - ۳- وجود ارتش (البته با وضعیتی که در بالا ذکر شد)، آن هم صرفاً به دلیل درایت، آینده‌نگری و دلسوزی حضرت امام و تعداد معدودی از سران از جمله مقام معظم رهبری که برای بقاء ارتش اقدام نمودند؛
 - ۴- تشکیل سپاه و بعد بسیج مستضعفین و سرازیر شدن جوانان مؤمن پرشور به این دو نهاد انقلابی، که این موارد هم مدیون نعمت وجود حضرت امام و رهبری بوده و هست.
- و در یک جمله می‌توان گفت:
- اگر امام نبود، با شروع جنگ، از ایران اسلامی و اسلام شیعی چیزی باقی نمی‌ماند و این مؤلفه‌های موجود در مراحل بعدی دفاع مقدس محور پیروزی‌ها، حماسه و موفقیت‌ها بود.
- لذا باید گفت بعد از مرحله بازدارندگی همین مؤلفه‌های فوق، به ویژه نقش حضرت امام و عشق و ارادت ارتشیان به امام و شهادت‌طلبی ملت شهیدپرور بود که در هفته اول ارتش عراق را در بسیاری از مناطق زمین‌گیر کرد و استراتژی او مبنی بر تجزیه ایران و سقوط جمهوری اسلامی را منجر به شکست نمود و بنیان و پایه دفاع جانانه، حماسی و ایثارگرانه پیروزمند ارتش، سپاه پاسداران قهرمان و بسیج جان برکف مردمی را برای جمهوری اسلامی ایران بنا نهاد.

نتیجه اینکه در این مرحله موفق نبودیم و پیروز این مرحله دشمن بود که هزاران کیلومترمربع از سرزمین اسلامی ما را اشغال کرد، ولی دلایل ناموفق بودن در مرحله بازدارندگی، به طور غیرارادی برگ برنده سیاسی برای ما بود که به دنیا می‌گفتیم ما قصد جنگ نداشتیم، زیرا انقلاب اسلامی خود را برای جنگ آماده نکرده بود و می‌خواست به ساختار نوپای خود بپردازد.

مرحله دوم: درهم شکستن حمله دشمن در مرزها

به دلایل ذکرشده در مرحله بازدارندگی، استقرار نیروهای نظامی بر مبنای پیش‌بینی و نوع تهدید و متناسب با تهدید در مرزها صورت نگرفته بود و با امکانات سیاسی، اقتصادی و تجهیزاتی آن زمان هم با شروع جنگ، رساندن امکانات نظامی متأسفانه به زمانی بیش از ۴۵ تا ۶۰ روز نیاز داشت که این امور باعث شد در مرحله درهم شکستن حمله دشمن در مرزها هم کاملاً موفق نباشیم و نیروهای موجود ارتشی در مرزها با ایثار جان و شجاعت مثال‌زدنی در مقابل یگان‌هایی تا ده برابر استعداد خود ایستادگی کردند تا در مراحل بعد جنگ به موفقیت برسیم. در هر حال پیروزی این مرحله قریب به ۳۰٪ است.

مرحله سوم: کند کردن، متوقف کردن و سد کردن پیشروی دشمن و

زمین‌گیر کردن او

در این مرحله با توجه به اینکه دشمن قصد تصرف شهرهای بزرگی همچون کرمانشاه، ایلام، اهواز، آبادان و خرمشهر و در صورت موفقیت تسخیر پایتخت را داشت (البته آرزویی خیالپردازانه بود) و اگرچه شهرهایی چون قصرشیرین، ذهاب، مهران، خرمشهر و... را تصرف کرد، ولی ارتش جمهوری اسلامی ایران در همان بدو حمله دشمن و با تلاش‌های مظلومانه و شجاعانه باعث شد که دشمن به اهداف عمده خود نرسیده و در خرمشهر با دفاع

نبردهای گردان دژ، تکاوران دریایی، دانشجویان دانشگاه افسری و نیروهای مردمی اعزامی از نقاط مختلف کشور قریب به چهل روز موفق به اشغال خرمشهر نشود و بعد در تمامی جبهه ها به تدریج با حضور سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج مخلص و شجاع، دشمن کاملاً زمین گیر شد. لذا می-توانیم بگوییم ما در این مرحله موفق و پیروز بودیم (این مرحله ۸۰٪ ضریب موفقیت ماست).

مرحله چهارم: بیرون راندن دشمن از سرزمین های اشغالی

در این مرحله ما در نهایت توانستیم دشمن را از تمام مناطق اشغالی بیرون کنیم و یک وجب از آب و خاک میهن اسلامی از کشور ما جدا نشد و لذا در این مرحله هم کاملاً پیروز شدیم (۱۰۰٪ موفقیت).

مرحله پنجم: تنبیه متجاوز و انهدام ماشین جنگی عراق

در این مرحله با توجه به تعداد اسراء و تجهیزات و تسلیحات انهدامی و به غنیمت گرفته شده از دشمن نه ۱۰۰٪ بلکه تا حدود زیادی موفق بودیم (۸۰٪ موفق بودیم، گرچه بلافاصله دنیای استکبار عراق را بازسازی کرده و زخم های او را التیام می بخشیدند).

مرحله ششم: تحمیل اراده سیاسی به متجاوز و حامیان او در تسلیم به

خواسته های ما

با صدور قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل و بعد با اعلام دبیر کل سازمان ملل مبنی بر معرفی عراق به عنوان آغازکننده جنگ و پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ توسط صدام در این مرحله موفق و پیروز بودیم، گرچه بحث پرداخت خسارات جنگ تاکنون تحقق نیافته است (۱۰۰٪ موفقیت ما حتمی است).

مرحله هفتم (آخرین مرحله): دفع فتنه یا نابودی حاکمیت متجاوز

در این مرحله اگرچه به نوعی و به نظر بعضی‌ها نتوانستیم به پیروزی کامل دست یابیم و دلیل عمده آن این بود که کلیه حامیان صدام، به خصوص امریکا عملاً وارد جنگ با ایران اسلامی شدند و لذا وسعت فتنه و تهدیدات فتنه‌انگیز و عمق و شدت آن بیش از توان ما شد، ولی در این مرحله هم شجاعت حضرت امام(ره) در پذیرش قطعنامه ما را از آسیب فتنه در امان داشت. البته به نظر می‌رسد در این مرحله ما بیش از ۶۰٪ موفق بوده‌ایم، زیرا صدام می‌بایست برای جبران شکست و تأمین اهداف خود جنگ دیگری در حمله به کویت در پیش گیرد. یعنی شکست صدام از ایران اسلامی بزرگ‌ترین دلیل حمله او به کویت بود و بعد با شکست نهایی در حمله به کویت و با توجه به وجود دو شکست (حمله به ایران و حمله به کویت) ارتش عراق از نظر انگیزه، روحیه، میل به جنگ‌جویی، توان و قدرت نظامی، پشتوانه مردمی و بی‌اعتمادی به رهبران به وضعیتی در آمده بود که شکست صدام را خواهان بود. این امر همراه با اراده ملی مردم عراق در مبارزه با حکومت و وابستگی ارتش صدام به شرق و غرب، یعنی همان‌هایی که برای آنها می‌جنگید، شکست صدام را در کوتاه‌ترین زمان ممکن ساخت و همین‌طور چهره منفور و شکست‌خورده‌ای که از صدام در دنیا توسط دفاع جانانه ما ترسیم شده بود خود یک پیروزی سیاسی و معنوی برای ما بود.^۱

۱. برای تبیین این وضعیت مناسب است که به کتاب «امریکا قبل و بعد از اشغال عراق»، تحلیل، مؤلف و تنظیم: علی اعوانی، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران مراجعه نمائید.

۲- تحلیل شکست صدام در راهبرد جنگ

صدام و استکبار با توجه به اهداف و سیاست‌هایشان - که در قبل ذکر شد - در جنگ تحمیلی چهار نوع استراتژی نظامی را پیگیری کرد که تعداد مراحل و انواع آن خود نشان از ناموفق بودن در هر مرحله است، که باعث می‌شد نوع و مرحله دیگری از استراتژی را تبیین و دنبال کنند.

مرحله اول: استراتژی جنگ سریع و برق‌آسا

عراق این استراتژی را برای تأمین و تحقق اهداف و سیاست‌هایش مد نظر داشت، به طوری که بتواند نیروی هوایی، مراکز حساس، نقاط حیاتی و روحیه و انگیزه دفاعی ایران را در سه روز اول نبرد منهدم کند و تا یک هفته به کلیه اهداف سیاسی خود نائل گردد. لذا با عملیات تهاجمی نیروی هوایی عراق با ۱۹۲ فروند در ۱۳۵۹/۶/۳۱ به فرودگاه‌ها و پایگاه‌ها در شهرها و در پی آن روز اول مهر ۱۳۵۹ با حمله ۱۲ لشکر تا دندان مسلح زرهی و مکانیزه و پشتیبانی آتش هوایی توپخانه، جنگ را آغاز کرد.

اولین اقدام وسیع جمهوری اسلامی ایران عملیات ۱۴۰ فروندی شکاری بمب افکن‌های نیروی هوایی ارتش بود (کمان ۹۹ که به دلیل داستان آرش کمان‌گیر نام عملیات کمان و به دلیل پرونده ۹۹ برگی آن کمان ۹۹ نام گرفت) و البته تعداد کل هواپیماهای شرکت‌کننده در این عملیات به قریب ۱۹۰ فروند می‌رسید، گرچه عصر روز ۳۱ شهریور نیز تعدادی از عقابان تیزپرواز نیروی هوایی چند عملیات را داخل خاک عراق انجام دادند، ولی با توجه به وسعت این عملیات هوایی ارتش حزب‌الله (کمان ۹۹)، این عملیات طلیعه شکست استراتژی جنگ سریع و برق‌آسای عراق بود.

ارتش عراق گرچه در روی زمین در کمتر از سه روز در مناطقی تا عمق بیش از ۷۰ کیلومتر پیشروی داشت، ولی با دلاوری یگان‌هایی از ارتش که

در مرزها بودند و رشادت و شهادت‌طلبی هوانیروز و نیروی هوایی و سپاهیان آن شهرستان‌ها و کمک‌های مردمی نتوانست از کرخه جهت تصرف شوش، دزفول، اندیمشک و اهواز بگذرد و در غرب هم به تصرف کرمانشاه موفق نشد و توقف ۳۴ روزه ارتش مقتدر عربی (دومین ارتش بعد از مصر) در پشت دیوارهای خرمشهر قهرمان، شکست این استراتژی را در تاریخ نظامی رقم زد. همین‌طور نابودی نزدیک به دوسوم نیروی دریایی عراق و محبوس کردن بقیه آن نیرو در ام‌القصر، در ۷ آذرماه سال ۵۹، در کمتر از سه ماه از آغاز حمله عراق، توسط دریادلان قهرمان نیروی دریایی ارتش که با پشتیبانی نیروی هوایی و در عملیات مروارید انجام شد، (گرچه یاد و خاطره ناوچه پیکان در این عملیات جاویدان شد و شهدایی تقدیم کشور و اسلام شد) چنان شکست تلخی را به عراق تحمیل کرد که تا پایان جنگ وی را از خلیج فارس و سواحل و بنادر خود در آن محروم کرد و مهر پایانی بر استراتژی جنگ برق‌آسای سریع عراق زد و رویای صدام مبنی بر فتح سه روزه خوزستان و یک هفته‌ای تهران بر باد رفت.

مرحله دوم: استراتژی تثبیت

عراق در این مرحله استراتژی تثبیت اشغال را پی گرفت تا به این شیوه، جمهوری اسلامی ایران را به زانو درآورده و به تسلیم و در نهایت به سقوط وادارد، که این استراتژی نیز با عملیاتی چون خوارزم، الله اکبر، بازپس‌گیری دهلاویه، سوسنگرد و بعد ثامن‌الائمه بیمار گشت و با عملیات طریق‌القدس بانگ رحیل خودش را نواخت تا شاهد مرگ خویش بعد از عملیات فتح‌المبین و بیت‌المقدس باشد و آرزوی تثبیت صدام در مناطق اشغالی نیز تحقق نیابد.

مرحله سوم: استراتژی جنگ فرسایشی

این استراتژی را حامیان صدام برایش تدارک دیدند، تا با این شیوه بتوانند آن چنان توان رزمی و قدرت ملی جمهوری اسلامی را تحلیل ببرند که سطح و عمق نارضایتی ملی، جمهوری اسلامی را ساقط نماید که در این مرحله نیز با انجام عملیات برون مرزی رزمندگان اسلام به صورت گسترده و عمیق، انهدام ماشین جنگی عراق در زمین و هوا و افزایش روحیه ایثار و مقاومت، شهادت طلبی مردم بزرگ و درایت و رهبری الهی امام و ایستادگی نیروهای مسلح نه تنها سودی عاید صدام نکرد، بلکه کفه ترازو را در این استراتژی به سود ایران سنگین نمود و موفقیت ایران را در اداره موفق یک جنگ فرسایشی به منصفه ظهور رساند (البته تعدادی از صاحب نظران اتخاذ این استراتژی را از طریق جمهوری اسلامی ایران می دانند).

مرحله چهارم: استراتژی پایان دهی متوازن جنگ

صدام و حامیانش این استراتژی را به عنوان آخرین گزینه انتخاب کردند و حضور علنی امریکا در جنگ نفتکش ها، حمله به هواپیمای مسافربری ایرانی، حمله به ناوشکن های ارتش جمهوری اسلامی و به سکوهای نفتی در اجرای این استراتژی بود تا به این وسیله صدام را از شکست مفتضحانه و پرتگاه سقوط نجات دهند. این مرحله بود که پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را باعث شد. گرچه پذیرش قطعنامه نتیجه این استراتژی نظامی بود، ولی زمانی توسط جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شد که حداکثر خواسته های جمهوری اسلامی در آن لحاظ شد، لذا نه تنها این مرحله هم پیروزی برای صدام نبود بلکه به دلیل در برداشتن نظرات ایران در مفاد قطعنامه ۵۹۸، پیروز سیاسی این مرحله نیز ایران اسلامی بود.

نتیجه

با توجه به تحلیل مرحله‌ای که نتیجه جنگ بود و تحلیل شکست در استراتژی صدام درمی‌یابیم که از نظر کمی مراحلی که برای ما همراه با پیروزی بود، بیشتر است، یعنی در هر یک از چهار مرحله ذکرشده بیشترین مراحل با پیروزی همراه بود است. از طرفی اگر به صورت کیفی نیز به آن بنگریم تغییر در استراتژی‌های صدام به دلیل شکست در استراتژی قبلی بوده است، که توضیح آن داده شد. لذا به ضرس قاطع می‌توان گفت ما در تمام مراحل پیروز بوده‌ایم، لذا پیروز نهایی و واقعی جنگ، ایران اسلامی بوده است.

در خاتمه مجدداً یادآوری می‌شود: رهبری دینی حضرت امام، هوشمندی و آینده‌نگری معظم‌له، ارادت ارتش به ایشان، روح شهادت‌طلبی مردم عزیز ما، آموزه‌های اعتقادی دین شریف اسلام، وحدت ملی در امر دفاع از کشور، اعتلای روزافزون سپاه و تلاش ایثارگران سپاهیان و حضور مخلصانه و شهادت‌طلبانه بسیجیان در صفوف اول نبرد و اثر نفوذی حضرت امام در قلب‌های یکایک مردم شریف ایران دلیل این پیروزی‌ها بود، که نقش اساسی و محوری متوجه حضرت امام، احیاگر و مجدد اسلام ناب محمدی است و سپس روحانیت معزز پیرو خط حضرت امام، به ویژه رهبر معظم که با تمشیت امور ارتش و همین‌طور حضور مداوم و مؤثر در جبهه‌ها نقش برجسته و منحصر به فردی در این خصوص ایفا نمودند. مثل نجات سوسنگرد که در حقیقت مرهون فرماندهی اعلام نشده ایشان است.

بازتاب پیروزی‌های بدست آمده در سخنان امام (ره)

«من به ملت بزرگ ایران و به فرماندهان شجاع، قبل از آنکه پیروزی شرافتمندانه و بزرگ خوزستان را تبریک بگویم، وجود چنین رزمندگانی که از دو جبهه معنوی و صوری و ظاهر و باطن از امتحان سرافراز بیرون آمده‌اند، تبریک می‌گویم.»^۱

روایت جنگ به زبان آمار^۲

آمار کل نیروهای شرکت‌کننده در جنگ با احتساب مدت حضور در

جبهه:

رتبه	نوع حضور	تعداد نفر	متوسط حضور (به ماه) در جبهه
۱	سرباز ارتش	۲/۵۰۰/۰۰۰	۲۱
۲	نیروی پایور ارتش	۲۷۰/۰۰۰	۶۰
۳	نیروی بسیجی (نیروی داوطلب)	۲/۱۳۰/۰۰۰	۱۱
۴	نیروی پایور سپاه، جهاد، شهربانی، کمیته، ژاندارمری	۱۸۰/۰۰۰	۶۰
۵	سرباز پاسدار	۶۰/۰۰۰	۲۱

۱. پیام امام خمینی (ره) به مناسبت عملیات پیروزمندانه طریق القدس.

۲. سرتیپ ستاد ناصر آراسته، چرا و چگونه، تهران، ایران سبز، ۱۳۹۱.

آمار هزینه‌های ارزی در جنگ تحمیلی برابر جدول زیر:

ردیف	شرح	ایران	عراق
۱	ذخیره ارزی در آغاز جنگ	۶ میلیارد دلار	۳۴ میلیارد دلار
۲	هزینه خرید تسلیحات سال‌های پایانی جنگ	۱/۵ میلیارد دلار (در سه سال آخر جنگ)	۸/۸ میلیارد دلار (در دو سال آخر جنگ)
۳	کل هزینه جنگ	رقم رسمی اعلام نشده است. به نظر می‌رسد نزدیک به ۱۸۰ میلیارد دلار باشد.	۲۷۸/۸ میلیارد دلار
۴	بدهی خارجی در پایان جنگ	۵ میلیارد دلار	میلیاردها دلار حداقل ۷۰ میلیارد دلار تا حال ذکر شده است

آمار نیروی انسانی و تلفات آن برابر جدول زیر:

ردیف	شرح	ایران	عراق
۱	جمعیت در آغاز جنگ	۳۶/۰۰۰/۰۰۰	۱۳/۵۰۰/۰۰۰
۲	جمعیت در پایان جنگ	۴۲/۰۰۰/۰۰۰	۱۶/۵۰۰/۰۰۰
۳	جمعیت فعال درگیر و مؤثر در جنگ (از هشت سال جنگ)	۳۰/۰۰۰/۰۰۰	قریب ۱۰۰۰۰۰۰ نفر
۴	نیروی درگیر مستقیم در جنگ (در هشت سال جنگ)	۵/۱۴۰/۰۰۰	۲/۰۰۰/۰۰۰
۵	درصد رزمندگان به تناسب جمعیت	۷/۵٪	۱۰٪
۶	شهدای درگیری مستقیم	۱۷۲/۰۵۶	۲۱۸/۰۰۰

۷	شهادت بمباران شهرها	۱۵/۹۵۹	نا مشخص
۸	شهادت سایر حوادث مربوط به جنگ	۶/۸۷۸	نا مشخص
۹	جمع کل شهادت ایران و کشته-شدگان عراق	۱۹۴/۸۹۳	۲۱۸/۰۰۰
۱۰	مجروحین	۱/۰۰۰/۰۰۰	۱/۵۰۰/۰۰۰
۱۱	آزاده (ایران) و اسیر (عراق)	۴۱۱۷۵	۷۰۰۰۰
۱۲	کل تلفات نیروی انسانی	۱/۲۳۴/۸۹۳	۱/۸۵۱/۰۰۰
۱۳	درصد شهادت ارتش نسبت به کل شهدا	٪۲۳	-
۱۴	درصد شهادت سپاه	٪۲۱	-
۱۵	درصد شهادت بسیج	٪۴۳	-
۱۶	درصد شهادت ناجا	٪۳	-
۱۷	درصد سایر شهدا	٪۱۰	-

دستاوردهای جنگ

جمهوری اسلامی ایران پس از هشت سال جنگ ضمن تحمل تلفات انسانی و اقتصادی به دستاوردهای ذیل نائل شد.

۱- عراق در رسیدن به اهداف سیاسی ساقط کردن نظام جمهوری اسلامی ایران با شکست مواجه شد.

۲- عراق مجبور به قبول مجدد قطعنامه ۱۹۷۵ الجزایر (بهانه‌ای که با آن جنگ را آغاز کرد) مبنی بر حاکمیت ایران بر اروندرود شد.

۳- حفظ تمامیت ارضی کشور با آزادسازی سرزمین‌های اشغالی.

۴- حقانیت جمهوری اسلامی ایران به جهانیان ثابت شد.

۵- به عنوان یک نظام مقتدر سیاسی شناخته شد.

۶- پس از جنگ، سیاست مستقل ملی را با پشتوانه حضور مقتدرانه نیروهای مسلح ادامه داد.

۷- پرچمدار نهضت‌های استقلال طلبانه کشورهای تحت ستم شناخته شد.

۸- افزایش غرور ملی و در نتیجه حفظ عزت ملت ایران و پشتوانه راه سازندگی و استقلال کشور.

۹- ایجاد باور همگانی به داشتن ارتشی ولایی (مؤمن، منضبط، مقتدر) و مجهز به جنگ‌افزارهای پیشرفته با برخورداری از علوم و تخصص روز.

۱۰- پی‌ریزی اساسی در جهاد خودکفایی علمی و صنعتی، به ویژه در بخش‌های دفاعی.

۱۱- ایجاد روحیه خودباوری در سیاست، علم و فناوری.

در اینجا ضروری و شایسته است که دستاوردهای جنگ را از منظر حضرت امام (ره) بیان داریم:

امام فرمودند ما هر روز در جنگ برکتی داشتیم که در همه صحنه‌ها بهره جسته‌ایم.

ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم.

ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم.

ما در جنگ پرده از چهره تزویر جهان‌خواران کنار زدیم.

ما در جنگ به این نتیجه رسیده‌ایم که باید روی پای خودمان بایستیم.

ما در جنگ ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم.

ما در جنگ ریشه‌های پربار انقلاب اسلامی‌مان را محکم کردیم.

ما در جنگ حس برادری و وطن‌دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور

کردیم.

ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها سالیان سال می‌توان مبارزه کرد. جنگ ما موجب شد که تمامی سردمداران نظام‌های فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند، از همه اینها مهم‌تر استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ تحقق یافته است. همه اینها از برکت خون‌های پاک شهدای عزیز هشت سال نبرد بود، همه اینها از تلاش مادران، پدران و مردم عزیز ایران در ده سال مبارزه با امریکا، غرب و شوروی شرق نشأت گرفت.

دلایل پیروزی جمهوری اسلامی ایران در جنگ

در دنیای امروز تعریف قدرت صرفاً شامل عوامل مرئی قدرت (عوامل فیزیکی) نیست، زیرا جنبه نامرئی (عوامل برترساز) نیز محور تشکیل‌دهنده و به قولی مهم‌ترین عنصر آن است که ابعاد مهم این جنبه عبارتند از:

- رهبری و فرماندهی؛
 - وفاق و وحدت ملی؛
 - انگیزه؛
 - صبر در مقاومت؛
 - شجاعت عناصر رزمنده؛
 - شأن و منزلت فداکاری در مسیر هدف؛
 - علم و دانش نبرد، به ویژه در طراحان عملیات.
- ایران اسلامی در زمان جنگ و هم اکنون از این عناصر در بالاترین مرتبه برخوردار بوده و می‌باشد، یعنی:

- عنایت حق تعالی،
- رهبری پیامبرگونه حضرت امام(ره) و سرفرماندهی عالی آن بزرگوار،
- ایمان مذهبی،
- وحدت ملی،
- انگیزه مبارزه با دشمن متجاوز،
- خودباوری علمی، فنی در تعمیرات و بهینه‌سازی و ساخت قطعات و ابزار جنگی مورد نیاز،
- نگهداری مطلوب تجهیزات و سلاح‌های جنگی و استفاده بهینه از آنها،
- خلاقیت و ابتکار در طراحی و اجرای عملیات نظامی،
- روحیه صبر فردی و ملی (همگانی)،
- توکل فردی و جمعی،
- مقاومت شجاعانه ملی (تمامی ملت)،
- روحیه شهادت‌طلبی رزمندگان،
- درایت و کاردانی، علم و شجاعت طراحان و فرماندهان جنگ و تک تک رزمندگان که سرآمد آنان شهید بزرگوار سپهبد علی صیادشیرازی بود،
- هوشمندی سیاستمداران،
- روحیه ایثار جمعی امت که بیشترین شهید را تقدیم کرده و پشتیبانی از جنگ را با تمام توان معمول داشتند.

عنایت خداوند جل جلاله را برای این ملت جلب کبده و پیروزی‌ها را باعث شد. در انتها ذکر یک نکته ضروری است که آن هم نقش راهبردی فرماندهی و رهبری حضرت امام(ره) بود که در یک جمله می‌توان گفت: عوامل مرئی و نامرئی قدرت ملی که در ابتدای جنگ و در مرحله بازدارندگی بسیاری از آنها وجود نداشت و بسیاری نیز دچار خدشه شده بود، با فرماندهی و رهبری آن پیر فرزانه تمامی مؤلفه‌های نامرئی ایجاد و اکثر مؤلفه‌های مرئی نیز ساخته و پرداخته شد تا با لطف خدا پیروزی‌ها حاصل شود.

عوامل ذکرشده، از عمده عوامل پیروزی ما در جنگ می‌باشد. امید است همواره این جنبه قدرت به همراه جنبه مادی قدرت، سلاح و آموزش و امکانات و تجهیزات و وسایل در حد اعلا و مورد نیاز نظام حفظ شود. نظامیان از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین عوامل حفظ قدرت مادی و معنوی، مرئی و نامرئی این نظام و محورهای اصولی قدرت ملی و توان رزمی جمهوری اسلامی ایران می‌باشند و این ارتش وفادار، مجهز، منضبط، مؤمن و آموزش‌دیده از ارکان اساسی آن است. در خاتمه اشاره می‌شود که با توجه به حضور ۲،۵۰۰،۰۰۰ سرباز ارتش در هشت سال دفاع مقدس که قریب ۲،۰۰۰،۰۰۰ نفر آن در یگان‌های پیاده نظام خدمت کرده و ۲،۱۳۰،۰۰۰ بسیجی که همه به عنوان پیاده نظام خدمت کرده‌اند، می‌توان گفت نقش یگان‌های پیاده نظام در این پیروزی بی‌بدیل بوده است.

رهبر فرزانه انقلاب، خلف صالح امام (ره)، حضرت امام خامنه‌ای دفاع مقدس را این چنین تبیین فرموده‌اند:

«دفاع مقدس مظهر حماسه است، مظهر معنویت و دینداری است، مظهر آرمان‌خواهی، مظهر ایثار و از خودگذشتگی است، مظهر

ایستادگی و پایداری و مقاومت است، مظهر تدبیر و حکمت است.
روایت آن جهاد نیز مقدس و جهاد است.»
در انتها کتاب را با فرازی از فرمایشات حضرت امام (ره) خاتمه می‌دهیم.
«هشت سال دفاع مقدس منتهی به تمامیت ارضی کشور و
شکست طرح‌های توسعه‌طلبانه دشمنان انقلاب اسلامی مان شد.»^۱

۱. حضرت امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۳۳.

نقشه‌ها

نقشه شماره ۱: استعداد عراق در آغاز تجاوز: ۵۹/۰۶/۳۱

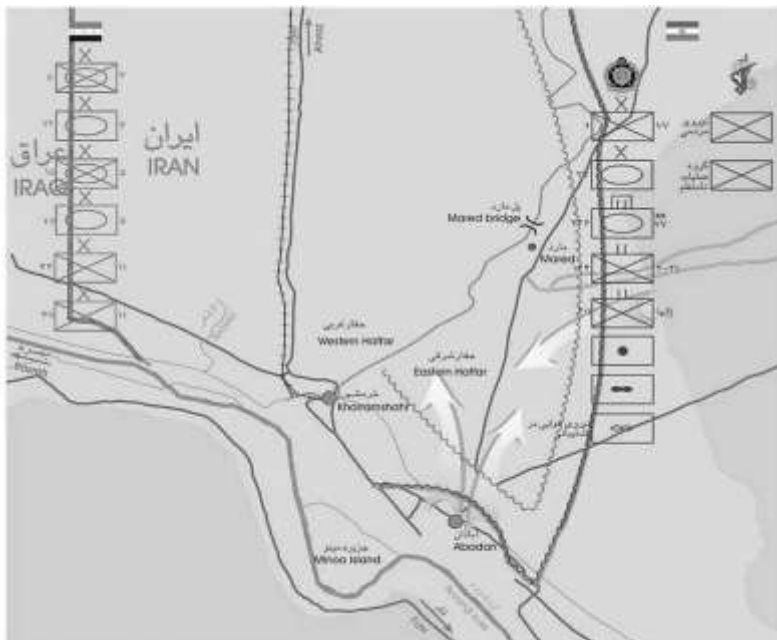
۱۳۴ / پیاده نظام در دفاع مقدس

نقشه شماره ۲: عملیات آفندی پای پل کرخه: ۵۹/۰۷/۲۳

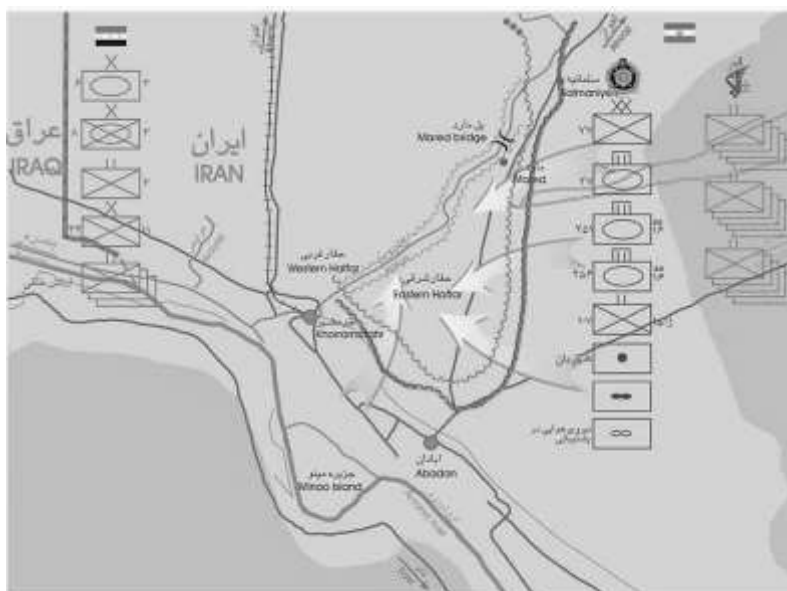
نقشه‌ها ۱۳۵/

نقشه شماره ۳: عملیات نصر: ۵۹/۱۰/۱۵

نقشه شماره ۴: عملیات توکل: ۵۹/۱۰/۲۰



نقشه شماره ۵: عملیات ثامن الائمه: ۶۰/۰۷/۰۵



۱۳۸ / پیاده نظام در دفاع مقدس

نقشه شماره ۶: عملیات طریق القدس: ۶۰/۰۹/۰۹

نقشه‌ها / ۱۳۹

نقشه شماره ۷: عملیات فتح‌المبین (کربلا ۲): ۶۱/۰۱/۰۲

۱۴۰ / پیاده نظام در دفاع مقدس

نقشه شماره ۸: عملیات بیت المقدس (کربلا ۳): ۶۱/۰۲/۱۰

منابع

آراسته، ناصر (سرتیپ ستاد). گردآوری علی اعوانی. امریکا قبل و بعد از اشغال عراق، نشر اجا، تهران، ۱۳۹۰.

— چرا و چگونه از جنگ باید بدانیم؟، انتشارات ایران سبز، تهران، ۱۳۹۱.

— کلیاتی از جنگ و مواردی از دفاع مقدس، تهران، ایران سبز، ۱۳۸۹.

امام خمینی (ره). صحیفه نور. ج یکم.

بختیاری، مسعود (سرتیپ ۲ ستاد). عملیات طریق القدس، تهران، ایران سبز، ۱۳۸۷.

جعفری، مجتبی (سرهنک). اطلس نبردهای ماندگار، تهران، مرکز پژوهش‌های دفاع مقدس نزا، ۱۳۸۶.

جلالی، هوشنگ (سرتیپ ۲). تاریخ نظامی ایران، انتشارات ایران سبز، تهران، ۱۳۸۹.

جوادی‌پور، محمد (سرتیپ ۲ ستاد)، سرتیپ ۲ ستاد علی نیکفرد، سرهنک ستاد سید یعقوب حسینی. ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش، ج یکم، تهران، ۱۳۷۲.

حسینی، سید یعقوب (سرهنک ستاد). جبهه جنوب در شهریور ۵۹، انتشارات ایران سبز، ۱۳۸۶.

— نبردهای سال ۶۲ تا پایان ۶۴، تهران، انتشارات ایران سبز، تهران، ۱۳۸۹.

دستور رزمی لشکر ۱۰۰-۶۱، تهران، دافوس، ۱۳۵۰.

رامتین، شهرام (سرتیپ ۲ ستاد). تاریخ نظامی و هنر جنگ، دانشگاه امام علی (ع)، تهران، ۱۳۸۶.

رستمی، محمود (سرتیپ ۲ ستاد). فرهنگ واژه‌های نظامی، انتشارات ایران سبز، تهران، ۱۳۸۶.

سالارکیا، علی‌محمد (سرتیپ ۲ ستاد). پیشتازان غرب کرخه، انتشارات ایران سبز، تهران، ۱۳۸۰.

سروری، روح‌اله (سرتیپ ۲ ستاد). عملیات ثامن‌الائمه، عرشان، ۱۳۸۲.
شاهین‌راد، فرض‌اله (سرتیپ). گردان ۱۴۴ در نبرد آبادان، انتشارات ایران سبز، تهران، ۱۳۸۰.

قرآن کریم.

معین‌وزیری، نصرت‌اله (سرتیپ ۲ ستاد). اصول و قواعد اساسی رزم، تهران، مرکز آموزش اطلاعات، ۱۳۸۶.

— تحلیلی بر وقایع صحنه عملیات خوزستان، سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس اجا، تهران، ۱۳۸۵.

— نگرش علمی عملیات فتح‌المبین، تهران، سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس اجا، تهران، ۱۳۸۶.

نمکی، علیرضا (سرتیپ ۲ خلبان). نیروی هوایی در دفاع مقدس، انتشارات ایران سبز، تهران، ۱۳۸۹.

نیک‌خواه بهرامی، محمدباقر. گاه‌شمار حملات شیمیایی عراق، پژوهشگاه علوم و فنون، ۱۳۸۹.



INFANTRY Role In Holy DEFENCE

Brigadier general Ali nikfard

War Cognizance Committee Of
Martyr Lieutenant General Ali Sayyad Shirazi